

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جمهوری اسلامی ایران
سازمان برنامه و بودجه کشور
سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان زنجان

درک واقعیت‌های تورم

نویسندگان

ایرج امینی کریم حنفی‌نیری فرگس اکبری

ویراستار علمی: دکتر خلیل قاسملو

۱۳۹۸

سرشناسه: امینی، ایرج، ۱۳۵۰-

عنوان و نام پدیدآور: درک واقعیت‌های تورم/ نویسندگان ایرج امینی، کریم حنفی‌نیری و نرگس اکبری؛ ویراستار علمی خلیل قاسملو؛ [برای] سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان زنجان.

مشخصات نشر: تهران: سازمان برنامه و بودجه کشور، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۸۸ ص.؛ جدول، نمودار.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۳-۱۹۵-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه ص: [۸۳] - ۸۸

موضوع: تورم

موضوع: تورم

Inflation (Finance) - Iran

موضوع: تورم - ایران

شناسه افزوده: Hanafi Niri, Karim

شناسه افزوده: حنفی‌نیری، کریم، ۳۵۷ -

شناسه افزوده: اکبری، نرگس، ۱۳۷۰-

شناسه افزوده: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان زنجان

شناسه افزوده: سازمان برنامه و بودجه

Sazman Barnameh va Budjeh

رده‌بندی دیویی: ۳۳۲/۴۱

HG ۲۲۹ / الف ۷۵۴ ۱۳۹۸

رده‌بندی کنگره:

شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۳۳۲۲۸

درک واقعیت‌های تورم

نویسندگان: ایرج امینی، کریم حنفی‌نیری و نرگس اکبری

ویراستار علمی: دکتر خلیل قاسملو

ناشر: سازمان برنامه و بودجه کشور؛ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان زنجان

نوبت چاپ: اول

سال انتشار: ۱۳۹۸

شمارگان: ۶۰ نسخه

قیمت: ۱۲۰,۰۰۰ ریال

همه حقوق برای ناشر محفوظ است

نشانی: زنجان: بلوار دارالقرآن، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان زنجان

تلفن: ۰۲۴-۳۳۱۴۹۱۱۱ دورنگار: ۰۲۴-۳۳۱۴۹۱۰۹ کدپستی: ۶۹۹۹۸-۴۵۱۳۸

وبگاه: www.mpo-zn.ir

پست الکترونیکی: info-zn@mpo.ir

سازمان میریت و برنامه ریزی استان زنجان

کمیته پژوهش و نشر

رئیس کمیته: شهرام طهماسبی

دبیر کمیته: سیدمرتضی موسوی

اعضای کمیته: هاشم محملو، احمد خداوردی، ایرج امینی، سیدمرتضی موسوی،

محمود محمدی مشفق، شهلا حسنی، مریم شفیق پور، کریم حنفی نیری

دبیرخانه کمیته: کتابخانه، مرکز اسناد، مدارک و انتشارات

نام و نام خانوادگی	نوع همکاری
ایرج امینی، کریم حنفی نیری و نرگس اکبری	نویسندگان
دکتر خلیل قاسملو	ویراستار علمی
دبیرخانه کمیته پژوهش و نشر	هماهنگی چاپ و نشر
صحافی اوستا	چاپ و صحافی
مصطفی یاسمی	حروفچینی و صفحه آرایی

فهرست مطالب

مقدمه	۷
بخش اول: کلیاتی در خصوص تورم	۹
۱-۱. مقدمه	۱۱
۱-۲. تعریف	۱۱
۱-۳. انواع	۱۳
۱-۴. ریشه‌ها و دلایل	۱۷
بخش دوم: مروری بر نظریه‌های تورم	۹
۲-۱. مقدمه	۲۱
۲-۲. نظریه‌ی پولی	۲۲
۲-۳. نظریه‌های مبتنی بر فشار هزینه (تورم رکودی)	۲۳
۲-۴. نظریه‌ی رشد سرعت تولید	۲۳
۲-۵. نظریه‌ی کینزی	۲۳
۲-۶. نظریه‌ی تورم فشار تقاضا	۲۴
۲-۷. نظریه‌ی تورم فشار دستمزد	۲۴
۲-۸. نظریه‌ی تورم فشار مواد اولیه	۲۵
۲-۹. نظریه‌ی تورم ساختاری	۲۵
بخش سوم: آثار و پیامدهای تورم	۲۷
۳-۱. مقدمه	۲۹
۳-۲. پیامدهای اقتصادی و سیاسی	۳۰
۳-۳. پیامدهای اجتماعی و فرهنگی	۳۳

بخش چهارم: محاسبه و پیش‌بینی نرخ تورم.....	۳۷
۴-۱. مقدمه	۳۹
۴-۲. انواع شاخص قیمت	۴۰
۴-۳. محاسبه‌ی شاخص قیمت‌ها.....	۴۶
۴-۴. کاربرد شاخص قیمت‌ها.....	۵۰
۴-۵. پیش‌بینی نرخ تورم.....	۵۰
بخش پنجم: وضعیت تورم در ایران.....	۵۳
۵-۱. مقدمه	۵۵
۵-۲. تحلیل کمی تورم در ایران	۵۵
۵-۳. رکود تورمی در ایران.....	۵۸
۵-۴. عوامل موثر بر تورم در ایران	۶۰
۵-۵. مروری بر تورم ایران و جهان	۶۹
بخش ششم: راه‌های برون‌رفت از تورم.....	۵۳
۶-۱. مقدمه	۷۵
۶-۲. ابزارهای کنترل تورم.....	۷۵
۶-۳. راه‌کارها	۷۷
فهرست منابع و مآخذ	۸۳

مقدمه

مفهوم انتزاعی، یعنی مفهومی که حالت ذهنی و مجرد دارد و قابل لمس از طریق حواس نیست ولی آثار و نتایج آن قابل مشاهده و لمس است. اکثر واژه‌های علمی دارای خصوصیات انتزاعی هستند. «تورم» نیز به‌عنوان یک پدیده‌ی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... مستثنی از این قاعده نیست. برای رسیدن به یک مفهوم مشترک و همگان‌پسند لازم است قبل از هر چیزی به‌تعریف این واژه پرداخت.

در متون علمی تورم را به‌معنی افزایش نامتناسب سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات تعریف می‌نمایند. هرچند از دیدگاه‌های اندیشمندان علم اقتصاد، جامعه‌شناسی، مدیریت و ... تعاریف متنوع و مختلفی برای تورم ارائه شده، اما همه‌ی آن‌ها به روند افزایشی و نامنظم بودن قیمت‌ها اشاره دارند.

برخلاف دیدگاه عموم که به اقتصاد دید مکانیکی و ماشینی دارند، این علم زنده و پویا بوده و متاثر از پارامترهای حساس و در عین حال سازنده یا مخرب می‌باشد که مانند سایر موجودات زنده گاهی بیمار می‌شود. یکی از بیماری‌ها تورم می‌باشد. تورم شبیه بازی دومینو است، به این صورت که اگر به یک جزء کوچک اقتصاد تحمیل شود، همه‌ی اجزای آن را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد.

تورم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پدیده‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قرن حاضر همواره مورد توجه دانشمندان حوزه‌های گوناگون علوم بوده است. دامنه‌ی آن چنان وسیع و گسترده است که هیچ کشوری از آثار و نتایج آن نمی‌تواند دور باشد. از آنجایی که کاهش نرخ تورم، کاهش نرخ بیکاری و افزایش رشد اقتصادی سه موضوع مهم در اقتصاد هر کشوری می‌باشند، اما اهمیت کاهش نرخ تورم بیشتر از عوامل دیگر است؛ به‌دلیل این‌که با کاهش نرخ تورم اوضاع اقتصادی در کشور بهبود یافته و سطح معیشت زندگی مردم به رفاه نزدیک می‌شود.

اهمیت توجه به تورم و جلوگیری از افزایش آن به‌حدی است که مسئولان اقتصادی، آن را تنها دشمن اقشار کم‌درآمد و آسیب‌پذیر عنوان کرده‌اند. اقتصاد ایران با این موضوع درگیر است و در سال‌های اخیر، درصد تورم از حالت طبیعی خارج شده و متناسب با آن قیمت‌ها هم افزایش یافته و قدرت خرید مردم کم شده است. بنابراین شناخت عوامل سبب‌ساز بروز این پدیده و راه‌های مقابله با آن به عدالت اجتماعی و رشد و ثبات اقتصادی کمک خواهد کرد.

با توجه به مطالب فوق، درک صحیح از تورم، اثرات و راهکارهای مقابله با آن امری بسیار مهم است و به قول مثل معروف اقتصادی «تورم غنی را غنی‌تر و فقیر را فقیرتر می‌کند» برخی فقیر و برخی پول‌دارتر می‌شوند. این مجموعه، براساس یک تحلیل نسبتاً جامع نظری و با زبان ساده و روان برای آشنایی بیشتر مدیران، کارشناسان محاسبات قیمت، دانشجویان علوم اقتصادی، جامعه‌شناسی و مدیریتی و سایر علاقمندان تهیه شده است و شامل بخش‌های مختلف زیر می‌باشد:

بخش اول با عنوان «کلیاتی در خصوص تورم» به مرور کلیاتی درباره‌ی تورم، تعریف، انواع، ریشه‌های و دلایل بروز این پدیده اشاره دارد.

بخش دوم با عنوان «مروری بر نظریه‌های تورم» به بحث در خصوص مبانی نظری و آکادمیکی تورم پرداخته و به مهم‌ترین تئوری‌های موجود در این زمینه که تبیین‌کننده‌ی این مفهوم می‌باشد می‌پردازد. در بخش چهارم با عنوان «محاسبه و پیش‌بینی نرخ تورم» به بیان انواع مختلف شاخص قیمت‌ها و نحوه‌ی محاسبه‌ی آن اشاره شده است.

در بخش پنجم با عنوان «وضعیت تورم در ایران» از سال‌های گذشته تاکنون و چرایی وقوع آن بررسی و تشریح شده است.

در بخش پایانی و ششم با عنوان «راه‌های برون‌رفت از تورم» راه‌کارها و ابزارهای علمی و عملی خروج از این پدیده بیان گردیده است.

بخش اول: کلیاتی در خصوص تورم

۱-۱. مقدمه

تا قبل از جنگ جهانی اول تورم به معنای افزایش حجم پول اسکناس‌های غیرقابل تبدیل به طلا و گسترش غیرعادی حجم پول در گردش بود. پس از جنگ جهانی اول و خصوصاً پس از بحران ۱۹۲۹، غالب کشورهای اروپایی به محدودیت قابل تبدیل بودن اسکناس به طلا توجهی نکردند و در نتیجه دست دولت‌ها در انتشار اسکناس و گسترش حجم پول باز گردید که در نتیجه‌ی آن سطح قیمت‌ها در این کشورها به شدت بالا رفت. از آن به بعد نیز هیچ افزایش قیمتی را در طول تاریخ نمی‌توان یافت که ناشی از افزایش حجم پول نبوده باشد.

تورم از جمله پدیده‌هایی است که می‌تواند آثار و تبعات مثبت و منفی به دنبال داشته باشد و مهم‌ترین اثر آن توزیعی است؛ به نحوی که به نفع گروه‌های پردرآمد و به ضرر گروه‌های فقیر و کم‌درآمد و حقوق‌بگیر است. به عبارت دیگر تورم به افراد دارای درآمدهای پولی ثابت (کارمندان، کارگران و حقوق‌بگیران) ضرر می‌زند و از قدرت خرید آنان می‌کاهد و در مقابل به نفع اغلب کسانی تمام می‌شود که دارای درآمد پولی متغیر و دارایی ثابت هستند.

تورم از جمله واژه‌های پرکاربرد و یکی از مباحث اصلی اقتصاد کلان می‌باشد. کاربرد واژه‌ی تورم در اجتماع نیز بسیار زیاد است. مدیریت تورم همیشه یکی از اهداف اصلی سیاست‌های کلان اقتصادی یک کشور و جامعه می‌باشد. به طوری که موفقیت در مدیریت تورم می‌تواند حیات سیاسی یک دولت را رقم بزند و عدم توانایی در مدیریت آن نیز می‌تواند نسخه‌ی دولت و سیاستمداران را درهم بپیچد. بنابراین برای شناخت تورم، انواع و دلایل ایجاد آن، باید ریشه و مفهوم این پدیده را بیشتر از پیش بشناسیم (محمدی، ۱۳۹۵).

۱-۲. تعریف

تورم از لغت لاتین Inflare به معنی «دمیدن» است. تورم به زبان فرانسوی Inflation (انفلاسیون) و به زبان انگلیسی Inflation (اینفلیشن) می‌باشد. در زبان عربی از ریشه‌ی «ورم» به معنای دمیدن می‌باشد. از نظر علم اقتصاد به معنای افزایش سطح تولید عمومی پول، درآمدهای پولی و یا قیمت و

هم‌چنین بزرگ کردن بی‌محتوا می‌باشد (باوردی، ۱۳۹۲). نقطه‌ی مقابل تورم چروکیدگی می‌باشد. نقطه‌ی بینابین تورم و چروکیدگی را نقطه‌ی تعادل می‌نامند.

تعریف‌های مختلفی از تورم به عمل آمده، که همه‌ی آن‌ها تقریباً بیانگر یک موضوع هستند. تورم عبارت است از: افزایش دایم و بی‌رویه‌ی سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات که در نهایت به کاهش قدرت خرید و نابسامانی اقتصادی منجر می‌شود (شکری، ۱۳۸۵؛ آخرتی، ۱۳۸۴).

تورم دلالت بر وضعیتی دارد که در آن تقاضای پولی برای محصول نسبت به تولید رشد می‌کند، وضعیتی که، در نبود کنترلی مؤثر، به صورت افزایش بهای یک واحد از کالای تولیدشده آشکار می‌شود. تورم معمولاً با افزایش واقعی یا بالقوه‌ی سطح عمومی قیمت‌ها، یا به سخن دیگر، با کاهش قوه‌ی خرید واحد پولی همراه است. در بعضی مواقع تورم زمانی به وجود می‌آید که سطح عمومی قیمت‌ها به میزانی که افزایش در بازدهی عوامل و فرایندهای اقتصادی ایجاد می‌کنند تنزل نیابد. تورم آن‌طور که معمولاً فهمیده می‌شود، رابطه‌ای با افزایش نامعمول قیمت‌ها دارد.

زمانی که اقتصاددانان درباره‌ی تورم صحبت می‌کنند، به رشد سطح عمومی قیمت‌ها اشاره دارند؛ تورم یعنی باید برای خرید کالاها و خدمات، پول بیشتری پرداخت شود.

پاره‌ای دیگر از تعاریف، تورم را سیر تراکمی افزایش قیمت‌ها و برگشت‌ناپذیری آن تعریف کرده‌اند. صاحب‌نظران دیگری همچون ریمون بار، ژان مارشال و گونار میردال تورم را افزایش زیاد و مداوم قیمت‌ها تعریف کرده‌اند. اگر رشد دستمزدها با رشد بهره‌وری نیروی کار در اقتصاد یکسان باشد، تورم به وجود نخواهد آمد.

تورم حالتی می‌باشد که تقاضای پولی برای کالا نسبت به تولید رشد می‌کند و اصطلاحاً زمانی رخ می‌دهد که تقاضای موجود در بازار بیشتر از تولید و عرضه‌ی کالا یا خدمتی باشد. تورم معمولاً همراه است با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و کاهش ارزش پول که به کاهش قدرت خرید منجر می‌شود. در کل تعاریف زیادی در مبحث تورم وجود دارد لیکن تمامی آن‌ها به روند نامنظم در رشد قیمت‌ها اشاره دارند. البته باید به این نکته توجه کرد که در صورتی که رشد نرخ دستمزدها (نیروی کار) با رشد بهره‌وری در اقتصاد یکسان باشد تورم به‌وجود نخواهد آمد (محمدی، ۱۳۹۵).

در تعریف تحلیلی تورم می‌توان گفت: تورم یعنی افزایش (کمابیش) شدید، نامتناسب، معنی‌دار و غالباً غیرقابل بازگشت قیمت‌ها که جنبه‌ی عمومی و حالت مستمر و خودافزا داشته باشد. در این تعریف چند نکته‌ی مهم وجود دارد:

- نکته‌ی اول، عنصر زمان و تداوم افزایش سطح عمومی قیمت‌هاست که در این حالت «تورم پویا یا جریان تورمی» شکل می‌گیرد.
- نکته‌ی دوم، افزایش معنی‌دار یعنی افزایش قابل ملاحظه‌ی سطح قیمت و نه افزایش ملایم می‌باشد.
- نکته‌ی سوم، مربوط به ماهیت غالباً غیرقابل برگشت افزایش قیمت‌ها می‌باشد (تفضلی، ۱۳۷۵).

۱-۳. انواع

در نظریه‌های اقتصادی، تورم را به سه نوع تقسیم می‌کنند:

الف. تورم خزنده (آرام یا خفیف)

افزایش کند و ملایم قیمت‌ها در طول زمان را تورم خفیف یا خزنده می‌گویند. از ویژگی‌های بارز این نوع تورم آن است که معمولاً رشد یک‌رقمی سطح عمومی قیمت‌ها را در سال به دنبال دارد.

ب. تورم شدید (شتابان یا تازنده)

هنگامی که آهنگ سرعت رشد قیمت‌ها شدید باشد، آن را تورم شدید یا تازنده تلقی می‌نمایند. نرخ‌های تورم بالاتر از ۱۰ درصد را اغلب تورم شدید در نظر می‌گیرند.

ج. تورم بسیار شدید (افسار گسیخته، فوق تورم یا ابرتورم)

افزایش سریع و بی‌حد و مرز قیمت‌ها را می‌گویند که آثارش: کاهش ارزش پول؛ گسستگی روابط اقتصادی و فروپاشی نظام اقتصادی می‌باشد. این نوع تورم معمولاً پس از جنگ‌ها یا انقلاب‌ها رخ می‌دهد، مثل افزایش قیمت ۲۵۰۰ درصدی در آلمان در سال ۱۹۲۳ (حاجی‌غلام سریزدی، ۱۳۹۰). در شرایطی که رشد قیمت‌ها بسیار سریع و لجام‌گسیخته باشد و به‌نوعی بالاتر از ۵۰ درصد در ماه باشد، آن را تورم بسیار شدید یا ابرتورم می‌نامند (شکری، ۱۳۸۵).

همچنین براساس منشا پیدایش آن تورم شامل موارد ذیل است:

* تورم ناشی از فشار تقاضا^۴

در شرایطی که افزایش سطح تقاضا نسبت به امکانات عرضه بیشتر است، این نوع تورم بروز می‌کند. افزایش تقاضا می‌تواند ناشی از بخش واقعی اقتصاد و یا بخش پولی آن و یا ترکیبی از این دو حاصل شود. گرچه افزایش تقاضای بخش خصوصی هم می‌تواند موثر باشد، لکن چون خانوارها و بنگاه‌ها تنها می‌توانند

-
- 1 . Creeping Inflation
 - 2 . Chronic Inflation
 - 3 . Hyperinflation
 - 4 . Demand Pull Inflation

با برداشت از پس‌انداز و یا اخذ اعتبارات، تقاضای کل را افزایش دهند، احتمالاً این افزایش تقاضا چندان چشمگیر نخواهد بود. لیکن دولت‌ها جهت تامین مخارج خود چون قدرت اخذ مالیات و یا انتشار اسکناس، و اخذ وام و اعتبار از بخش خصوصی داخلی، بانک‌ها و یا خارج را دارند، می‌توانند عامل مهم فشار تورمی باشند. در بین این روش‌ها کاهش مالیات کمترین تاثیر و انتشار اسکناس بیشترین تاثیر را دارد (آذرسعید، ۱۳۹۵).

* تورم ناشی از فشار هزینه^۱

این تورم ناشی از افزایش هزینه‌ی تولید کالاها و حداکثرسازی سود فروشندگان می‌باشد. بنابراین این نوع از تورم را تورم فروشنده یعنی تورمی که فروشنده‌ها آن را به‌وجود می‌آورند نامیده‌اند. این تورم را تولیدکنندگان و فروشندگان می‌توانند به‌طور مصنوعی با استفاده از شیوه‌ی احتکار و غیره به‌وجود آورند. اعتصابات کارگری نیز یکی از عوامل یا بهانه‌های افزایش قیمت‌ها و پیدایش تورم است. نرخ این تورم گاهی تا حدود ۵۵ درصد می‌رسد که این نرخ بر توده‌های مردم و دولت به عنوان مصرف‌کننده‌ی بزرگ ضرر می‌رساند.

این تورم زمانی که دارندگان عوامل تولید جمعاً سهمی بیشتر از کل تولید را مطالبه کنند بروز می‌کند که یا ناشی از افزایش فشار هزینه‌ی دستمزدها و یا ناشی از فشار سود بالای عامل سرمایه است. برخی از اقتصاددانان مخالف سرمایه‌داری فشار سود عامل سرمایه را عامل افزایش قیمت‌ها می‌دانند و در حقیقت از دید دستمزدها را یک حرکت تدافعی از سوی سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری می‌دانند. در مقابل نیز موافقین سرمایه‌داری می‌گویند سود عامل سرمایه قسمت اندکی از قیمت را تشکیل می‌دهد و بنابراین فشار برای افزایش سود عامل مهمی در افزایش قیمت نیست بلکه افزایش سریع دستمزدها نسبت به رشد بهره‌وری کار مهم‌ترین عامل افزایش قیمت‌ها می‌باشد (مدرسی، ۱۳۹۲).

* تورم ساختاری^۲

تورمی که به علت افزایش قیمت‌ها به دلیل وجود تقاضای اضافی به‌وجود می‌آید. در این نوع تورم، دستمزدها به دلیل وجود فشار (کمبود) در برخی بخش‌ها افزایش می‌یابد. این نوع تورم در کشورهای در حال پیشرفت زیاد است (مدرسی، ۱۳۹۲). در این کشورها به‌علت ناهماهنگی شدید در توسعه‌ی بخش‌های اقتصادی حتی از مدت‌ها پیش از آن‌که به مرحله‌ی اشتغال کامل (عوامل تولید) برسند، اختلالات و موانع اقتصادی آن مکانیزم طبیعی نظام بازار را که می‌تواند با افزایش تولید مانع از بروز تورم ناشی از رشد سرمایه‌گذاری شود، فلج می‌کند (پهزادنسب، ۱۳۸۶؛ منکیو، ۱۳۷۴). این عوامل ساختاری به اختصار عبارتند از:

1. Cost Push Inflation
2. Structural Inflation

الف. رشد آهسته و نامطمئن و پرنوسان درآمدهای صادراتی این کشورها که تکافوی نیازهای وارداتی آنها را جهت رشد سرمایه‌گذاری و تولید نمی‌کنند.

ب. ساخت نامناسب جمعیت، پایین بودن نسبت جمعیت فعال نسبت به جمعیت غیرفعال در کل جامعه که افزایش پس‌انداز را مشکل می‌سازد و فشار شدیدی بر ظرفیت تولید کالاهای مصرفی وارد می‌سازد. همچنین رشد سریع جمعیت و گسترش مهاجرت و شهرنشینی که هزینه‌های سنگینی را بر بودجه‌ی دولت‌ها به‌دلیل نیاز به زیرساخت‌ها (شبکه‌ی حمل و نقل، آب و برق، شهرسازی، گسترش پرسنل اداری و ...) تحمیل می‌کند.

پ. رشد بی‌رویه‌ی بخش خدمات.

ت. ساختار سیاسی و عدم آگاهی و مشارکت و نظارت مردم بر چگونگی مخارج (آدرسعید، ۱۳۹۵).

* رکود تورمی^۱

این تورم یکی از انواع پیچیده و نسبتاً نوظهور است که پس از جنگ جهانی دوم دامن‌گیر برخی از کشورها شده است. همان‌گونه که از ظاهر آن روشن می‌گردد این تورم نه تنها تورم به مفهوم افزایش مهارنشده‌ی قیمت‌هاست که در آن کساد و رکود به‌طور هم‌زمان وجود دارد.

رکود یا کساد در اقتصاد به وضعیتی گفته می‌شود که تولید ملی در حال کاهش است. در کساد و رکود اقتصادی برعکس رونق اقتصادی درآمد ملی پایین آمده و اشتغال کاهش پیدا می‌کند. از این‌رو بیکاری فزونی می‌یابد و تقاضا برای نیروی کار کاهش پیدا می‌کند تا آن‌جا که گاه افراد در مقابل استفاده‌ی غذای ساده و بدون پرداخت دستمزد به‌کار گرفته نمی‌شوند. در این صورت هم تورم است و هم رکود. از طرفی قیمت‌ها بالا می‌باشد و از طرف دیگر سطح درآمد پایین و پولی در دست مردم نیست زیرا؛ جامعه نه قدرت خرید دارد و نه قدرت تولید و آنچه موجود است گران می‌باشد. در این تورم فشار و مشکل اصلی افزایش قیمت‌ها نیست بلکه بیکاری گسترده و رکود تولید است. تورم رکودی را در تعبیر عامیانه، قحطی می‌نامند. چنان‌که در ایران به‌هنگام اشغال متفقین و آذربایجان در دوران پس از جنگ و به‌هنگام اشغال روس‌ها و عوامل آنان به‌وجود آمد. در آن شرایط، بیکاری، گرانی و کمیابی اجناس همراه با فقر و بی‌پولی اکثریت جامعه تورم رکودی را پدید آورده بود (منکیو، ۱۳۷۴).

علاوه بر تقسیم‌بندی کلی فوق، با توجه به ماهیت تورم از اصطلاحات دیگر نیز برای بیان آن می‌شود:

* تورم پنهان^۲

تورمی که در آن قیمت ثابت ولی کیفیت کمتر می‌شود (شکری، ۱۳۸۵). این تورم مخصوص جوامعی می‌باشد که دارای اقتصاد متمرکز سوسیالیستی و دولتی می‌باشند و گاهاً نرخ آن به بالای ۴۰ درصد نیز

1 . Recession Inflation

2 . Hidden Inflation

می‌رسد. در این نوع تورم معمولاً مسئولان اقتصادی نرخ واقعی را به مردم اعلام نمی‌کنند. بیشترین ضرر در این نوع تورم متوجه کارکنانی می‌باشد که دارای حقوق ثابت می‌باشند زیرا با افزایش در نرخ کالاها حقوق آنان ثابت می‌ماند (باوردی، ۱۳۹۲).

* تورم رسمی^۱

تورمی که به علت افزایش عرضه‌ی پول از سوی دولت به وجود می‌آید (شکری، ۱۳۸۵).

* تورم مهارشده (کنترل شده)^۲

تورمی است که به دلیل وجود شرایط تورمی در کشور ایجاد شده است و در مقابل از افزایش آن جلوگیری شده است. این شرایط معمولاً از فزونی تقاضای کل بر عرضه‌ی کل کالاها و خدمات پدید می‌آید که با فرض ثابت بودن دیگر شرایط به ازدیاد قیمت‌ها می‌انجامد (باوردی، ۱۳۹۲).

* تورم فشار دستمزد^۳

نوعی تورم فشار هزینه که سرچشمه‌ی فرایند تورم را فشار اتحادیه کارگری بر بازار کار می‌داند. این برداشت دارای طیف گسترده‌ای است که در یک‌سوی آن اعمال قدرت انحصاری اتحادیه‌های کارگری و الگوهای قدرت چانه‌زنی آن‌ها بر پایه‌ی متغیرهای اقتصادی قرار دارد و در سوی دیگر الگوهای غیراقتصادی مبارزه‌جویی این اتحادیه‌ها (باوردی، ۱۳۹۲).

* تورم وارداتی^۴

یکی از خطرناک‌ترین انواع تورم، تورم وارداتی می‌باشد. این نوع تورم به صورت بالقوه از کشورهای صنعتی و پیشرفته به کشورهای وابسته و در حال توسعه سرایت می‌کند. فرایند این نوع تورم به این صورت است که، کشورهای صنعتی که از یک‌سو دچار بحران‌های کار و کارگری شده و با اعتصابات کارگران و درخواست افزایش دستمزد آنان مواجه گشته و از سوی دیگر چون بازار مصرف به اندازه‌ی کافی در داخل کشور خود نمی‌یابند و کالاهای تولید شده به صورت سرمایه‌ها انباشته شده است آن کشورها دچار تورم می‌شوند. از این‌رو برای رهایی از این گرفتاری، کشورهای در حال توسعه را به صورت بازار مصرف تولیدات خود در آورده و به همراه کالای صادراتی خود تورم را نیز به کشورهای در حال توسعه صادر می‌کنند. راه دیگر چگونگی صدور تورم به کشورهای در حال توسعه از طریق صدور صنعت مونتاژ می‌باشد. از این راه کشورهای بزرگ صنعتی با دریافت مواد خام و ارزشمند از کشورهای کمتر توسعه‌یافته قطعات

1 . Official Inflation

2 . Controlled Inflation

3 . Wage Push Inflation

4 . Imported Inflation

پیش‌ساخته را به آن کشورها صادر کرده و با جایگزین کردن نیروهای ارزان قیمت، قطعات ساخته‌شده را مونتاز می‌کنند. از این‌رو تورم جامعه‌های صنعتی به کشورهای وابسته منتقل می‌شود. راه دیگر وابستگی پولی کشورهای در حال توسعه است. به عنوان نمونه تغییر و نوسان پولی آمریکا در اثر مشکلات اقتصاد داخلی است که به‌طور طبیعی به پول‌های کشورهای وابسته به‌ویژه کشورهای صادرکننده‌ی مواد اولیه تأثیر و موجب تورم در این کشورها می‌گردد. در برابر این جریان‌ها جهت مقابله با تورم وارداتی تدوین سیاست اقتصادی و بازرگانی درست و استقلال‌گر، تقویت صادرات و سیاست کنترل ارزی (اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی) از عوامل موثر می‌باشد (تورم وارداتی، پدیده جهانی، ۱۳۸۷).

۴-۱. ریشه‌ها و دلایل

ریشه‌ها و دلایل متعددی در ایجاد تورم نقش دارند. این ریشه‌ها و دلایل را می‌توان به دو گروه اصلی الف. دلایل اقتصادی و به دلایل غیراقتصادی تقسیم‌بندی می‌گردد:

الف. دلایل اقتصادی

مهم‌ترین دلایل اقتصادی که در ایجاد تورم نقش اساسی دارند به این شرح می‌باشند:

- افزایش حجم پول در گردش؛
- اعتبارات بانکی بی‌رویه؛
- واردات حساب‌نشده؛
- کم‌توجهی به بخش تولید؛
- صنایع مونتاز؛
- افزایش هزینه‌های دولتی؛
- وجود واسطه‌ها و دلال‌ها در اقتصاد؛
- صدور کالاهای مورد نیاز جامعه به خارج؛
- ناسالم بودن نظام توزیع و
- ناهماهنگی میان بخش‌های مختلف تولید.

ب. دلایل غیراقتصادی

مهم‌ترین دلایل اقتصادی که در ایجاد تورم نقش اساسی دارند به این شرح می‌باشند:

- بلایای طبیعی مثل سیل، زلزله، خشکسالی و ...؛
- وقوع حوادث سیاسی یا اجتماعی مانند جنگ، کودتا؛

- ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی؛

- ترس از آینده و

- سودجویی و منفعت‌طلبی بیش از اندازه‌ی افراد در جامعه (محمدی، ۱۳۹۵).

بخش دوم: مروری بر نظریه‌های تورم

۱-۲. مقدمه

ادبیات مربوط به نظریه‌های تورم بسیار وسیع و گسترده است و در خصوص ریشه‌های تورم، نظریه‌های افراطی متفاوت و ضدونقیض فراوانی وجود دارد. فریدمن (۱۹۶۸) معتقد است که تورم همیشه و در همه‌جا یک پدیده‌ی پولی است. هرچند صحت این نظریه در بسیاری از کشورها به اثبات رسیده است ولی مطالعات در ایران نشان می‌دهد عوامل پولی فقط بخشی از تغییرات تورم را توضیح می‌دهند.

کارنوال (۱۹۸۴) تاکید می‌کند که تورم همیشه و در همه جا ناشی از عوامل سیاسی است. این دیدگاه برای کشورهایی که بانک مرکزی آن‌ها مستقل نیست و عوامل سیاسی در تصمیم‌گیری سیاست‌های پولی، مالی و ارزی موثر و تعیین‌کننده است می‌تواند نقش اساسی در تغییرات تورم داشته باشد. اگر چنانچه ارتباط افزایش هزینه‌های بودجه ناشی از فشار مجلس و دستگاه‌های اجرایی مورد توجه قرار گیرد، برخی از زمینه‌های فشارهای تورمی ناشی از عوامل سیاسی در این نمود پیدا می‌کند (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۱).

هادسن (۱۹۸۲) می‌گوید: تورم ناشی از فشار دستمزد است. این دیدگاه می‌تواند برای کشورهایی که دارای اتحادیه‌های کارگری سازمان‌یافته و فعال هستند صادق باشد. ولی برای کشورهایی مثل ایران که در دهه‌های اخیر فاقد اتحادیه‌های کارگری فعال و موثر در تعیین و تعدیل تورم از طریق فشار دستمزدها می‌باشند و به‌طور کلی دستمزدها توسط دولت کنترل می‌شود، نمی‌تواند صادق باشد. با این وجود باید اذعان داشت در سال‌های اخیر به دلیل اتخاذ سیاست‌های تعدیل دستمزدها به میزانی معادل حداقل تورم، زمینه فشارهای تورمی را از این ناحیه دامن زده است (مهرآرا، ۱۳۹۵).

با توجه به تنوع نظریه‌های تورم، آن‌ها را می‌توان در ابعاد مختلف طبقه‌بندی کرد. از جمله دیدگاه‌های پولی در مقابل مالی، فشار تقاضا در مقابل فشار هزینه، مبانی خرد تورم در مقابل مبانی کلان، نظریه‌های تورم برای اقتصادهای با تورم پایین در مقابل نظریه‌های تورم برای اقتصادهای با تورم بالا و در نهایت نظریه‌های تورم با منشاء داخلی در مقابل نظریه‌های تورم با منشاء خارجی هستند.

در مورد تورم دیدگاه‌های متفاوت زیادی ارائه شده است که هر کدام به بعدی از ابعاد این موضوع پیچیده مربوط می‌شود، اما عده‌ای تصور می‌کنند هر کدام از این دیدگاه‌ها تورم را به طور کامل تبیین کرده است. لذا به جای این که برای درک این متغیر محوری اقتصاد همه‌ی ابعاد آن را بشناسند، سعی می‌کنند با گرایش به سمت یکی از دیدگاه‌های ارائه شده در مورد آن به شناختی ساده از آن بسنده کنند و نظریات متعدد ارائه شده در مورد تورم را مجادلات سلیقه‌ای و بی‌ثمر تلقی کنند (برانسون، ۱۳۷۶).

در نوشته‌ی حاضر هدف پرداختن به تمامی نظریه‌های موجود در این زمینه نیست. در ادامه به مهم‌ترین نظریه‌های ایجادکننده‌ی تورم اشاره می‌شود:

۲-۲. نظریه‌ی پولی

در حدود قرن هفتم هجری و در زمان ایلخانیان، برای نخستین بار پول کاغذی در ایران منتشر شد. «گیخاتوخان» پنجمین شاه مغول فکر می‌کرد با این اختراع پول دستش برای خرج کردن باز می‌شود. او می‌خواست قدرت انتشار پول را در دست بگیرد و بتواند هر قدر که می‌خواهد پول تولید کند. اما همه‌چیز آن‌طور که او می‌خواست پیش نرفت. خیلی زود قیمت‌ها بالا رفت و پول‌های کاغذی وی بی‌ارزش شدند. در آن زمان هیچ‌کس درکی از نظریه تورم نداشت، اما تورم در حال اتفاق افتادن بود. وقتی شما یک اسکناس هزار تومانی را به فروشنده می‌دهید، دیگر آن اسکناس را ندارید و به جای آن یک بسته بادام‌زمینی دارید. فروشنده هم دیگر آن بادام‌زمینی ندارد و یک اسکناس هزار تومانی به دست می‌آورد. اگر دیدگاهی کلی داشته باشیم، تمام پولی که در کشور وجود دارد ضربدر سرعت خرج کردن پول، باید برابر باشد با سرعت تولید کالا و خدمات، ضربدر قیمت‌ها. اگر سرعت تولید همه‌چیز ثابت باشد و همه با یک سرعت ثابت پول خرج کنند، زیاد شدن حجم پول برابر می‌شود با مقدار زیاد شدن قیمت‌ها. یعنی اگر حجم پول موجود در کشور دو برابر شود، قیمت همه‌چیز دو برابر خواهد شد. این خاصیت شبیه به قانون پایستگی در فیزیک است (فخری‌زاده، ۱۳۹۶).

طرفداران نظریه‌ی پولی بر این عقیده هستند که تورم انحصاراً پدیده‌ای نشأت گرفته از افزایش عرضه‌ی پول است. هنگامی که عرضه‌ی پول در کنترل بانک مرکزی قرار می‌گیرد، انتشار اضافی پول توسط بانک مرکزی که احتمالاً به دستور دولت صورت می‌گیرد، موجب افزایش قیمت‌ها خواهد شد. به عقیده‌ی طرفداران این نظریه، تنها راه کنترل تورم عبارت است از اقدام مصممانه‌ی دولت به محدود کردن افزایش عرضه‌ی پول. ایده‌ی اصلی نظریه‌های پولی، این گزاره است که در بلندمدت، افزایش عرضه‌ی پول شرط لازم برای افزایش سطح قیمت‌ها، فقط از تغییر حجم پول سرچشمه می‌گیرد و جهت علیت از رشد پول به سمت تورم است (باوردی، ۱۳۹۲).

۳-۲. نظریه‌های مبتنی بر فشار هزینه (تورم رکودی)

تورم ناشی از فشار هزینه در اثر افزایش هزینه‌های تولید، منجر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و افزایش تورم خواهد شد. افزایش هزینه‌های تولید از جمله افزایش دستمزد و یا افزایش قیمت مواد اولیه عموماً باعث ایجاد این شکل از تورم می‌شود. برای توضیح این مطلب فرض می‌کنیم که دستمزد نیروی کار سه‌ه‌ر دلیل - افزایش می‌یابد. افزایش دستمزدها باعث می‌شود کارفرماها نیروی کار کمتری استخدام کنند و کمتر تولید کنند. پس کاهش اشتغال منجر به کاهش سطح تولید می‌شود. کاهش سطح تولید یعنی کاهش عرضه کالا، باعث کمبود کالا در بازار و در نهایت منجر به افزایش قیمت‌ها و تورم می‌شود (منکیو، ۱۳۷۴).

طرفداران مکتب فشار هزینه که در مقابل مکتب پولی قرار دارند، منشأ اصلی فشارهای تورمی را عواملی می‌دانند که اساساً اقتصادی نیستند و معتقدند که شیوهی مفیدتر در بررسی تورم نوعی تحلیل جامعه‌شناسانه از تضادهای بین طبقات و گروه‌های اجتماعی برای دریافت سهم بیشتری از درآمد مالی است. به‌طور خلاصه، به عقیده‌ی پیروان مکتب فشار هزینه، تبیین تورم بدون توجه به نحوه‌ی تعیین قیمت و دستمزد امکان‌پذیر نیست. از آن‌جا که قیمت‌ها و دستمزدها در ساختارهای بازاری مختلف توسط نهادهای گوناگون تعیین می‌شوند، عوامل پدیدآورنده‌ی تورم اساساً غیراقتصادی هستند (تروی‌تیک، ۱۳۶۲).

۴-۲. نظریه‌ی رشد سرعت تولید

سوال این است، چرا در ایران تورم زیاد است (بالای ۱۰ درصد) اما در ژاپن نه؟ (در ژاپن حتی تورم منفی تجربه می‌شود). آیا در ژاپن مردم بخشی از پول‌ها را دور می‌ریزند که حجم پول کم و تورم منفی می‌شود؟ جواب در رشد تولید و خدمات است. اگر تولید رشد نکند، مقدار تغییرات حجم پول برابر می‌شود با مقدار تورم. اما اگر تولید کالا و خدمات ثابت نباشد چه اتفاقی می‌افتد؟ در آن صورت باید گفت: اختلاف رشد موجودی پول و مقدار تولید، برابر می‌شود با تورم. یعنی پول‌هایی تورم‌زا هستند که از رشد تولید کالا و خدمات ایجاد نشده باشند. در نظریه‌ی تورم پولی، تنها پول را دلیل تورم می‌دانند. یک نتیجه‌ی این دیدگاه این است که اثر هر عامل دیگری غیر از پول بر روی تورم، موقتی است. تنها موازنه‌ی تولید و حجم نقدینگی می‌تواند تورم را کنترل کند (فخری‌زاده، ۱۳۹۶).

۵-۲. نظریه‌ی کینزی

به‌طور کلی در مدل شکاف تورمی کینز، نرخ تورم تابعی از اندازه‌ی شکاف تورمی (فاصله‌ی بین تقاضای کل و عرضه‌ی کل) است و تورم مورد نظر ناشی از کشش تقاضاست. به‌عقیده‌ی کینز و طرفداران وی، محدودکردن تقاضا، سنگ اصلی بنای هر سیاست معتبر ضدتورمی را تشکیل می‌دهد. به‌عقیده‌ی

کینزی‌ها سیاست‌های درآمدی اگر با سیاست تحدید تقاضا همراه نباشد، در مهار تورم بی‌نتیجه خواهد بود. این دو سیاست باید همراه باهم اجرا شوند تا کاهش در نرخ تورم محسوس باشد (باوردی، ۱۳۹۲).

۶-۲. نظریه‌ی تورم فشار تقاضا

این نظریه توضیحی ساده و شفاف برای تورم دارد. فرض کنید شما بستنی فروشی هستید که قصد دارید با فروختن آخرین بستنی به خانه بروید و استراحت کنید. به ناگاه تعداد زیادی مشتری به مغازه می‌آیند و برای داشتن بستنی آخر با هم جدل می‌کنند. شما می‌خواهید بستنی را به دست یکی از آن‌ها بدهید و خود را خلاص کنید. روش کار این می‌شود که شما می‌گویید کسی که بیشترین پول را بدهد صاحب بستنی خواهد شد. بعد از مدتی بحث و گفتگو یک نفر با ده برابر قیمت بستنی را می‌خرد. به همین سادگی قیمت بستنی زیاد می‌شود. چه می‌شود اگر هر روز این اتفاق برای تمام بستنی‌های شما بیفتد؟ بعد از مدتی شما به قیمت جدید نمی‌گویید گران. بلکه در این حالت حاضر نخواهید بود بستنی را ارزان‌تر از این قیمت بفروشید. اما چه اتفاقی برای همسایه‌های شما می‌افتد؟ آیا آن‌ها هم سعی نمی‌کنند بستنی تولید کنند؟ حتماً این نوع گرانی می‌تواند بیکاری را کاهش دهد. چرا که تقاضای زیاد و قیمت بالا، انگیزه‌ای قوی برای افزایش تولید است. افزایش تولید در نهایت می‌تواند باعث کاهش قیمت بشود (فخری‌زاده، ۱۳۹۶).

این نظریه معتقد است افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات در جامعه باعث افزایش قیمت‌ها خواهد شد و اگر افزایش تقاضا تداوم داشته باشد، به تداوم افزایش قیمت‌ها و ایجاد تورم منجر می‌شود (منکیو، ۱۳۷۴).

۷-۲. نظریه‌ی تورم فشار دستمزد

یک حالت دیگری که می‌تواند منجر به تورم شود، درخواست افزایش حقوق کارگران و کارمندان است. کارمندا توقع دارند که با گذشت زمان، همان‌طور که باتجربه‌تر می‌شوند، دستمزد بیشتری هم بگیرند. ممکن است اتحادیه‌های کارگری یا وزارت کار حداقل دستمزد را افزایش بدهد. این دستمزد بیشتر می‌تواند هزینه‌ی تولید را بالا ببرد و منجر به تورم شود. وقتی دستمزدها بیشتر شود و قیمت‌ها گران شود، تمایل بنگاه‌ها برای استخدام نیروهای جدید کم می‌شود. از طرف دیگر، هزینه‌ی بیشتر برای نیروی کار، درست مانند کاهش عرضه‌ی نیروی کار است. این تورم نمی‌تواند اشتغال ایجاد کند. هم قیمت‌ها بیشتر می‌شود، هم تولید کالاها و خدمات کم می‌شود. به این وضعیت «تورم رکودی» می‌گویند (فخری‌زاده، ۱۳۹۶).

۸-۲. نظریه‌ی تورم فشار مواد اولیه

وقتی مرغ گران می‌شود، سریع می‌شنویم که دلیل این گرانی بالا رفتن قیمت خوراک مرغ است. چرا خوراک مرغ گران شده است؟ چون بارندگی کافی نیست و نمی‌شود به اندازه‌ی کافی خوراک دامی تولید کرد. گران شدن نهاده‌های تولید و به خصوص نفت می‌تواند هزینه‌های تولید را بالا ببرد. وقتی تولید گران تمام شود، بعضی از واحدهای صنعتی تولید خود را کم می‌کنند و حتی ممکن است چند کارگر را اخراج کنند. تورمی که با بیکاری همراه است، یک تورم رکودی است. یکی از مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری تورم رکودی انحصار شرکت‌های دولتی یا خصوصی است. آن‌ها می‌توانند قیمت‌ها را بی‌دلیل بالا ببرند. این افزایش قیمت به تعدیل نیرو و افزایش بیکاری منجر خواهد شد. در این حالت نه تنها حقوق کارمندان زیاد نمی‌شود، بلکه دستمزدها کاهش می‌یابد (همان).

۹-۲. نظریه‌ی تورم ساختاری

گرچه نظریه‌ی واحدی تحت عنوان نظریه تورم ساختاری وجود ندارد، اما به‌طور کلی می‌توان گفت تورم ساختاری بدان معنی است که به‌دلیل وضعیت مربوط به ساختار اقتصادی، سیاسی، حکومتی، فرهنگی و مواردی از این دست، تورم بروز کرده و تداوم می‌یابد. از این منظر عوامل گوناگون و اغلب پیچیده‌ای در ایجاد و تداوم آن نقش دارند. این نوع تورم عمدتاً خاص کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه است. نکته‌ی مهم این‌که اگرچه تورم در کشورهای توسعه‌یافته با به‌کارگیری سیاست‌های پولی و مالی انقباضی تا حد زیادی قابل درمان و قابل کنترل است؛ اما در مورد تورم ساختاری در کشورهای در حال توسعه چنین نیست و استفاده از سیاست‌های پولی و مالی به‌منظور مقابله با تورم، ممکن است چندان کارساز نبوده و هزینه‌های زیادی برای این‌گونه اقتصادها در پی داشته باشد.

در توضیح تورم ساختاری به عواملی از قبیل کمبود زیربناها و زیرساخت‌های اقتصادی، گسترده بودن بخش دولتی و تضعیف بخش خصوصی یا وجود قوانین و مقررات بازدارنده‌ی فعالیت‌های تولیدی بخش خصوصی، کسری بودجه مداوم و در حال گسترش دولت، گستردگی بخش خدمات نامتناسب با نیاز این‌گونه جوامع که عمدتاً در سرویس‌دهی به بخش گسترده دولت رشد می‌کند، گسترش بی‌رویه و شدید شهرنشینی، رشد سریع جمعیت و مواردی از این دست اشاره می‌شود. به‌عنوان مثال می‌توان به گسترده شدن بخش دولتی در اقتصاد ایران طی چند دهه‌ی گذشته اشاره کرد. با گسترده شدن بخش دولتی و ایجاد سازمان‌ها و ادارات غیرضروری علاوه بر آن‌که بخشی از نیروی کار- شاغل در بخش دولتی- عملاً هیچ‌گونه نقشی در تولید اقتصادی ایفا نمی‌کند و در عین حال قدرت خرید برای خرید کالاها و خدمات کسب می‌کند و با طولانی کردن رسیدگی به امور بخش خصوصی، سبب ممانعت از گسترش فعالیت‌های تولیدی بخش

خصوصی نیز می‌شوند. بدین ترتیب از یکسو بر تقاضا افزوده می‌شود، اما برای عرضه و تولید ممانعت ایجاد می‌شود که به معنی فشار جهت افزایش قیمت‌ها است (منکیو، ۱۳۷۴؛ رحمانی، ۱۳۷۸؛ عظیمی، ۱۳۸۴).

بخش سوم: آثار و پیامدهای تورم

۱-۳. مقدمه

یک جامعه از زیرسیستم‌های مختلفی تشکیل شده که به دلیل تعاملات هر یک از این‌ها باهم سیستمی کاملاً پیچیده‌ای را رقم زده است. زیرسیستم اقتصادی از جمله زیرسیستم‌هایی است که تمام بخش‌های دیگر سیستم یک جامعه را به شدت تحت تاثیر قرار می‌دهد. در این زیرسیستم مسأله‌ی تورم دارای علل مختلف بوده و همچنین تاثیرات مختلفی بر جامعه می‌گذارد. به عبارت دیگر تورم تک‌تک سلول‌های جامعه را متاثر می‌کند.

تورم یک پدیده‌ی نامطلوب اقتصادی محسوب می‌شود. زیرا این پدیده موجب کاهش مطلوبیت درآمد یک مصرف‌کننده یا خانوار می‌گردد و مطلوبیتی را که یک خانوار از خرج کردن بخشی از درآمد پولی ثابت خود به دست می‌آورد در اثر تورم کاهش می‌یابد و لذا در فرهنگ‌های عامیانه اصطلاحاتی مانند پول‌ها و درآمدها بی‌برکت شده، ارزشی ندارد و غیره مطرح می‌گردد. در حالی که این اتفاق ناشی از همان اثرات جریان تورمی است که بر زندگی یک جامعه سایه افکنده و اگر تداوم یابد منجر به شکاف طبقاتی شده و عده‌ای را غنی و عده دیگری را فقیر می‌سازد. این‌که می‌گویند، تورم فقیر را فقیرتر و غنی را غنی‌تر می‌سازد به همین جهت است. تورم شدید برای بعضی از مردم به منزله‌ی مالیات و برای برخی دیگر نوعی یارانه تلقی می‌شود. تورم شدید برای افرادی که درآمد اسمی ثابتی دارند مانند کارمندان دولت، کارگران، حقوق‌بگیران، افراد بازنشسته و مستمری‌بگیران به شدت صدمه می‌زند و از قوت خرید واقعی آن‌ها می‌کاهد و به افرادی که دارای ذخایر دارایی‌های ثابت از قبیل مسکن، زمین، جواهرات، اتومبیل و ... هستند، سود می‌رساند. علت این امر نیز روشن است. قیمت این‌گونه کالاها در اثر تورم شدید به سرعت افزایش می‌یابد و در مقابل افرادی که در جامعه فاقد این نوع دارایی‌ها هستند، به دست آوردن آن‌ها را پیوسته مشکل‌تر از گذشته خواهند یافت (تفضلی، ۱۳۷۵).

تورم دورقمی چهاردهه‌ی اخیر در ایران فقط حوزه‌ی اقتصاد را تحت تاثیر قرار نداده است بلکه حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور در این میان تاثیرهای زیادی گرفته‌اند. واقعیت این است که جامعه‌ی ایران به وسیله‌ی تورم دورقمی دهه‌های اخیر به شدت در همه‌ی ارکان مستهلک شده است.

کاهش بهره‌وری در تمامی شوون زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به وضوح دیده می‌شود. اگرچه مقوله‌ای به نام تورم یک موضوع کاملاً علمی و آکادمیک است و بیشتر در محافل علمی و دانشگاهی (آن هم در حوزه‌ی اقتصاد کلان) موضوعیت پیدا می‌کند ولی از آنجایی که مفهوم واقعی تورم ناشی از شرایطی است که سطح عمومی قیمت‌ها به طور بی‌رویه (بی‌تناسب) و مداوم و در بستر زمان افزایش یابد اما ناخودآگاه این بحث به حوزه‌ی زندگی اقتصادی و اجتماعی جامعه سرایت می‌کند و تداوم آن آثار زیان‌باری بر زندگی اقتصادی، اجتماعی جامعه تحمیل می‌نماید تا جایی که می‌تواند اثرات سوئی را بر اخلاق جامعه داشته و گاهی منشاء بسیاری از مفاسد اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی در بدنه‌ی اجتماع گردد. به گونه‌ی امروز، این بحث از حوزه‌ی کلاس و دانشگاه پا فراتر گذاشته و در محافل مختلف اجتماعی سوژه‌ی بسیاری از مباحث روز گردیده است. در کنار توضیح مقوله‌ی تورم، باید اذعان نمود، گروه‌های اجتماعی عمده از تورم متضرر می‌شوند و نیز برخی از گروه‌های اجتماعی و دولت از تورم منتفع می‌شوند. تداوم تورم و طولانی‌تر شدن گرانی و افزایش قیمت‌ها، نارضایتی و یاس مردم را گسترده‌تر می‌کند و این امر، فارغ از عواقب اجتناب‌ناپذیرش در تولید، عملکرد مکانیسم‌های اقتصادی را دچار اختلال خواهد کرد. تورم طولانی مدت همچنین واجد جنبه‌های قوی ضد اخلاقی و ضد مذهبی ارزیابی شده و به‌علاوه، تورم موجب بروز استضعاف، سوء تغذیه، بدتر شدن وضع معیشتی مردم و اختلال روانی در جامعه معرفی شده است. از این منظر، نه تنها برای بهبود اقتصاد، بلکه برای دفع فساد، باید با تورم مقابله کرد (دادجوی توکلی، ۱۳۹۶).

۲-۳. پیامدهای اقتصادی و سیاسی

تورم صرف‌نظر از هر علت یا عللی که به‌وجود می‌آید، آثار اقتصادی و سیاسی خود را بر روی متغیرهای کلان اقتصادی و سیاسی منعکس خواهد کرد. بروز تورم موجب بی‌ثباتی در اقتصاد شده و بخش حقیقی اقتصاد و تخصیص منابع را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. در ادامه به‌طور مختصر برخی از مهم‌ترین آثار و پیامدهای اقتصادی و سیاسی تورم بررسی می‌شود.

* بروز نااطمینانی در فعالیت‌های اقتصادی

یکی از مهم‌ترین آثار تورم، بروز نااطمینانی در فضای اقتصاد، چه در سمت تولیدکنندگان و چه در سمت مصرف‌کنندگان است. در دوران تورمی، عواملی مانند افزایش هزینه‌های استهلاک و سقوط ارزش پول پیش‌بینی حجم درآمدی را سخت و در نتیجه برنامه‌ریزی برای هزینه‌های آینده‌ی بنگاه را تا حدود زیادی مختل می‌کند. همچنین تورم هزینه‌ی ریسک پروژه‌های بنگاه‌های اقتصادی را افزایش داده و موجب محدود شدن رشد سرمایه‌گذاری و کاهش بهره‌وری می‌گردد. تورم، تصمیم مصرف‌کنندگان را هم دچار عدم قطعیت می‌کند. در دوران‌های تورمی عموم جامعه به‌دلیل اجتناب از نگرانی‌های ناشی از تقلیل ارزش

پول، پس اندازهای خود را صرف خرید کالاهای بادوام مانند زمین، مسکن، طلا و ارز می‌کنند در نتیجه پس اندازها به سمت فعالیت‌های مولد نمی‌رود و تولید را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین در این دوران، اعتماد مردم به دولت که یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی است نیز کاهش می‌یابد که می‌تواند در ادامه از میزان کارآمدی دولت بکاهد (دادجوی توکلی، ۱۳۹۶).

* پس انداز

یکی دیگر از آثار سوء تورم تأثیر آن بر پس انداز و نحوه‌ی مصرف مردم است. براساس کاهش ارزش پول ملی ناشی از افزایش نرخ تورم، تمام افرادی که سرمایه‌ی نقدی خود را به صورت پس انداز نگهداری می‌کنند متضرر خواهند شد که این امر بر تمایل افراد به پس انداز اثر منفی دارد. در شرایط تورمی میل به کالاهای بادوام و سرمایه‌ای چون زمین و مسکن افزایش پیدا می‌کند و همین مساله می‌تواند نوع مصرف را تحت تأثیر قرار دهد.

* مالیات تورمی

از دیگر مواردی که موجب از بین رفتن اعتماد میان مردم و دولت می‌شود مالیات تورمی است. مالیات تورمی باز تأمین مالی دولت‌ها از طریق انتشار پول و استقراض از بانک مرکزی به وجود می‌آید. در واقع دولت‌ها به جای افزایش مالیات، از طریق انتشار پول هزینه‌های خود را تأمین مالی می‌کنند که این موضوع موجب افزایش تورم و متعاقب آن کاهش قدرت خرید مردم شده که در نهایت از طریق کاهش سرمایه و اشتغال، موجب کاهش سطح عمومی تولید و کاهش آهنگ رشد اقتصادی می‌شود. زیرا تورم بر سیستم مالیاتی نیز تأثیر منفی می‌گذارد، زیرا در شرایط تورمی، قدرت خرید به شدت کاهش می‌یابد و باعث کاهش درآمد واقعی مالیاتی می‌شود که سبب کاهش منابع مالی دولت می‌شود و زمینه‌ی استقراض بیشتر دولت را فراهم می‌آورد. به عبارت دیگر کسری بودجه‌ی دولت افزایش یافته که این منجر به تورم بیشتر می‌شود. فراموش نشود دولت خود بزرگترین مصرف‌کننده است و تورم در بسیاری از موارد به ضرر دولت تمام می‌گردد (تفضلی، ۱۳۷۵).

* تراز پرداختها

کاهش صادرات و عدم تعادل تراز پرداختها از آثار دیگر تورم می‌باشد. افزایش هزینه‌های تولید و بروز تورم در جامعه منجر به افزایش قیمت کالاهای صادراتی در مقابل شرکای تجاری می‌شود. از همین رو، فروش کالاهای صادراتی در بازارهای بین‌المللی با مشکل روبرو شده و با توجه به این که تراز پرداختها مجموع خالص حساب جاری و حساب سرمایه است و حساب جاری نیز خالص میزان صادرات کالاها و خدمات است، لذا با کاهش حجم فروش ناشی از صادرات، تراز پرداختها دچار عدم تعادل می‌شود. به عبارت دیگر، نرخ تورم به دنبال اثرگذاری بر نرخ ارز منجر به تغییر در وضعیت تراز پرداختها می‌شود.

براساس تئوری برابری قدرت خرید، نرخ ارز اسمی در هر اقتصاد از تفاوت تورم داخلی با تورم خارجی به دست می‌آید. بنابراین افزایش نرخ تورم در اقتصاد یک کشور نسبت به شرکای تجاری خود، موجب افزایش نرخ ارز و متعاقب آن افزایش قیمت کالاهای داخلی برای تقاضاکنندگان خارجی و کاهش قیمت کالاهای خارجی برای مصرف‌کنندگان داخلی است، در نتیجه صادرات کاهش و واردات افزایش می‌یابد که این موضوع عدم تعادل ترازپرداخت‌ها را در پی خواهد داشت و در نهایت با تعدیل قیمت ارز و ایجاد شوک در اقتصاد خنثی می‌گردد (دادجوی توکلی، ۱۳۹۶).

* توزیع درآمد

به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران مهم‌ترین تاثیر تورم بر توزیع درآمد و ثروت است. چنان‌که مشخص است یکی از خصوصیات بارز پدیده‌ی تورم عدم تناسب بین تغییر قیمت‌ها و درآمدها است. بدین ترتیب که قیمت برخی از کالاها و درآمد برخی از طبقات و گروه‌های جامعه با آهنگی تند افزایش می‌یابد و حال آن‌که این آهنگ برای قشرها و طبقات دیگر جامعه کند است. این عدم تناسب موجب می‌شود که درآمد حقیقی برخی افراد از جمله: دارندگان درآمدهای متغیر چون تجار، مالکان اراضی و مستغلات و صاحبان حرف و مشاغل آزاد افزایش یابد و در عوض درآمد حقیقی افرادی که دارای درآمدهای ثابت هستند کاهش پیدا کند. البته تورم می‌تواند سبب دارایی‌های عاملان اقتصادی را نیز دگرگون سازد، زیرا در اثر تورم افراد و گروه‌ها حتی المقدور می‌کوشند دارایی نقد خود را کاهش داده و در عوض سهم کالا و اموال غیرنقدی را در سبد دارایی خود افزایش دهند. بدین ترتیب مقدار زیادی از وقت و انرژی و منابع مالی مردم و عاملان اقتصادی به جای کار افتادن در مسیر فعالیت‌های مفید و مولد اقتصادی صرف فعالیت‌هایی می‌شود که هدف از انجام آن‌ها تطابق با شرایط تورمی و اجتناب از کاهش ارزش دارایی‌ها است که همین امر به مسایل مربوط به دلالت‌بازی یا معاملات سوداگرانه دامن می‌زند، لذا می‌توان نتیجه گرفت تورم حتی کارایی اقتصادی را تحت تاثیر قرار می‌دهد (تفضلی، ۱۳۷۵).

* مدیریت اقتصاد کلان

تورم‌های بالا عموماً موجب می‌شوند که کنترل اقتصاد از دست سیاست‌گذار خارج شود، زیرا در دوران‌های تورم، به دلیل بروز فشار تقاضا، انحصارها و رانت‌ها، آثار منفی قیمتی خود را بر روی اقتصاد می‌گذارند که مانعی برای برقراری شرایط رقابت کامل بر اقتصاد هستند (دادجوی توکلی، ۱۳۹۶).

* کسری بودجه

ایجاد کسری بودجه دولت از آثار دیگر تورم می‌باشد. با توجه به این‌که دولت خریدار حجم عظیمی از کالاها و خدمات است، لذا افزایش سطح عمومی قیمت‌ها سبب می‌شود که دولت هزینه‌های بیشتری برای

مخارج مصرفی و سرمایه‌گذاری خود بپردازد. در واقع هنگام بروز تورم، هزینه‌های دولت به‌طور قابل‌توجهی افزایش می‌یابد و شکاف ایجادشده میان درآمدها و مخارج دولت، منتج به بروز کسری بودجه دولت می‌شود. لازم به ذکر است که تورم، زمینه‌های فساد در قلمرو دخل و خرج عمومی را هم افزایش می‌دهد.

* تغییر روابط مردم و دولت

در شرایط تورمی، روابط مردم و دولت دستخوش تغییر می‌شود. اقشار آسیب‌پذیر توقع دارند، دولت به‌منظور رفع مشکل تصمیم مناسبی اتخاذ کند؛ اما با عدم مشاهده‌ی حرکت موثر و بازدارنده نسبت به دولت بدبین می‌شوند. چه‌بسا با ایجاد شورش و تظاهرات اجتماعی اوضاع سیاسی نیز متشنج گردد. بیکاری، فساد و اعتیاد در بین جوانان و ارتشا و فساد مالی بین دولت‌مردان رواج می‌یابد. (سرآبادانی، ۱۳۸۶).

* نفع وام‌گیرندگان و عدم تخصیص مناسب منابع

هنگامی که شرایط تورمی به‌وجود می‌آید و سطح قیمت‌ها به‌طور بی‌رویه افزایش می‌یابد، بستانکاران برخلاف بدهکاران در وضع نامساعدی قرار می‌گیرند، زیرا در چنین شرایطی بدهکاران دیونی را پرداخت می‌کنند که قدرت خرید واقعی آن کاهش یافته است و لذا تورم به بدهکاران منفعت و به بستانکاران ضرر می‌رساند و چون بستانکاران همان پس‌انداز کنندگانی هستند که به‌طور غیرمستقیم در امر تولید دخیل‌اند، ادامه‌ی این روند به جریان تولید و سرمایه‌گذاری و پس‌انداز و مجدداً به‌کارگیری پس‌اندازها در سرمایه‌گذاری لطمه وارد کرده و اثرات سوئی مثل ورشکستگی، خروج بسیاری از صنایع تولید از چرخه‌ی تولید و به‌دنبال آن تشدید بیکاری، کاهش درآمد خانوارها و در نهایت حرکت به سمت فقر نسبی به بار خواهد آورد (دادجوی توکلی، ۱۳۹۶).

* گسترش فعالیت‌های نامولد

تخصیص نامناسب منابع و گسترش فعالیت‌های نامولد از آثار دیگر تورم می‌باشد. در هنگام بروز تورم، عموم جامعه برای جلوگیری از کاهش ارزش پول خود، به‌جای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مولد، سرمایه‌های خود را به سمت خرید دارایی‌های بادوام و یا هر نوع فعالیت محافظ ارزش پولشان - که عموماً فعالیت‌های غیرمولد هستند - سوق می‌دهند. از همین‌رو، افزایش تورم منجر به انتقال منابع از فعالیت‌های مولد به سمت فعالیت‌های غیرمولد و در نتیجه گسترش سهم این نوع از فعالیت‌ها در اقتصاد می‌شود.

۳-۳. پیامدهای اجتماعی و فرهنگی

تورم صرف‌نظر از هر علت یا عللی که به‌وجود می‌آید، آثار اجتماعی خود را بر روی متغیرهای کلان اجتماعی و فرهنگی منعکس خواهد کرد. آثار و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی تورم بسیار گسترده می‌باشد. در زمان تورم، اشخاص و خانوارها زمان زیادی را برای صرف کار کردن و تامین معاش کرده، از

استراحت و تفریح لازم بهره‌مند نمی‌شوند تا بتوانند هزینه‌های سرسام‌آور زندگی را تامین کنند. سوءاخلاق در بین مردم شایع شده، طبقات کم‌درآمد و یا با درآمد ثابت که از تورم لطمه می‌بینند، نسبت به افراد و گروه‌های دیگر که از تورم بهره‌مند می‌شوند، ناراضی بوده و در پی انتقام‌جویی هستند (سرآبادانی، ۱۳۸۶). در ادامه به‌طور مختصر برخی از مهم‌ترین آثار و پیامدهای اقتصادی و سیاسی تورم بررسی می‌شود.

*** اختلاف طبقاتی و روی آوردن به شغل‌های دوم و سوم**

تورم قدرت خرید افراد با درآمد ثابت را به افرادی که درآمدشان رشد بیشتری از نرخ تورم دارد انتقال می‌دهد. به عبارت دیگر تفاوت وضعیت حقوق‌بگیران و صاحبان مشاغل با درآمدهای ثابت با آن‌هایی که متناسب با افزایش تورم، درآمد و دارایی‌هایشان افزایش می‌یابد، فاصله و اختلاف طبقاتی را موجب می‌شود (حاجی‌غلام سریزدی، ۱۳۹۰).

*** کاهش اعتماد عمومی**

کاهش سطح اعتماد عمومی مردم از آثار مهم تورم می‌باشد. اعتماد عمومی مردم به دولت، به‌عنوان سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. بالا رفتن نرخ تورم و بروز آثار نامطلوب آن در جامعه، کاهش اعتماد عمومی مردم نسبت به ثبات ارزش پول را به‌دنبال داشته و همچنین منجر به عدم اعتماد مردم به دولت به‌عنوان یک دولت کارآمد و مقتدر می‌شود.

عملکرد و سیاست‌های اتخاذی از طرف دولت دارای تأثیرات مختلفی در بخش‌های مختلف جامعه اعم از اقتصادی و غیراقتصادی می‌باشد. بی‌ثباتی در قانون‌گذاری‌ها و عدم اجرای قوانین توسط دولت و وقتی که دولت کسری بودجه‌ی خود را از طریق استقراض از بانک مرکزی جبران می‌کند، اعتماد بین افراد جامعه در سطح افقی و بین مردم و دولت در سطح عمودی رخت برمی‌بندد. مردم به سیاست‌گذاری‌های دولت بدبین می‌شوند. در این شرایط سیاست‌گذاری‌های دولت اثرگذاری خود را از دست داده و بی‌ثباتی‌ها و نااطمینانی‌ها در جامعه افزایش می‌یابد.

معنای عامیانه‌ی تورم گرانی است، اما در معنای دیگر، گرانی به معنای تورم نیست. تورم یعنی گرفتن پول اضافی از دست مردم. تورم ظالمانه‌ترین مالیاتی است که دولت به سبب سیاست‌های خود از قشر فقیر به سود قشر ثروتمند می‌گیرد. آثار تورم بر روی فقرا و ثروتمندان برعکس هم است به طوری که هرچقدر تورم فقرا را فقیرتر می‌کند، اغنیا نیز از این تورم بالا ثروتمندتر می‌گردند. پیامدهای عمده‌ی تورم شامل: گرانی، کاهش ارزش پول ملی، فساد اداری و رشوه‌خواری، بیکاری، فقر، دلال‌بازی، کمبود، رانت‌خواری، قاچاق، کلاهبرداری و ... است. پیامدهای حاصل از افزایش تورم همچنین موجب کاهش سرمایه‌ی اجتماعی در همه‌ی سطوح مخصوصاً سطح کلان را به دنبال دارد (دین‌محمدی، ۱۳۹۵).

* مهاجرت

به دلیل تورم و کاهش قدرت خرید و اختلاف طبقاتی که باعث می‌شود درآمد روستاییان پایین باشد و معمولاً در فقر قرار داشته باشند. به عبارت دیگر، یکی از انواع اختلاف طبقاتی، شکاف بین سطح رفاه روستاها با شهرها می‌باشد. از این رو آنها برای کسب درآمد بیشتر به شهرهای بزرگ مهاجرت می‌کنند و معمولاً به دلیل هزینه‌ی کمتر در حاشیه شهرها ساکن می‌شوند. حاشیه‌ی شهر عموماً کانون ناهنجاری‌های اجتماعی، فرهنگی می‌باشد (حاجی‌غلام سریزدی، ۱۳۹۰).

* توزیع نابرابر درآمد

توزیع عادلانه‌ی درآمد در کشورها یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی محسوب می‌شود و شناسایی عوامل موثر بر توزیع مناسب درآمد بسیار حایز اهمیت است. تورم یکی از مهم‌ترین عواملی است که توزیع درآمد در جامعه را به شدت نابرابر می‌کند. هنگامی که سطح عمومی قیمت‌ها افزایش می‌یابد، به طور کلی انتظار می‌رود که قدرت خرید عموم جامعه کاهش یابد، این در حالی است که با لحاظ دارایی‌های متنوع و راه‌های مختلف کسب درآمد، شاهد آن هستیم که اثر تورم بر خانوارهای دهک بالا و پایین درآمدی متفاوت خواهد بود. بدین نحو که بالا رفتن تورم، از یک سو افزایش قدرت خرید صاحبان دارایی‌ها (ثروتمندان) و از سوی دیگر کاهش قدرت خرید صاحبان مشاغل با درآمدهای ثابت و پس‌اندازکنندگان را به همراه دارد. بنابراین افزایش نرخ تورم در جامعه، اختلاف درآمد بین ثروتمندان و فقرا را افزایش داده و منجر به افزایش شکاف طبقاتی و کاهش رفاه اجتماعی می‌شود.

* نااطمینانی و بلاتکلیفی جامعه

یکی از هزینه‌های روانی تورم ایجاد یک حالت نااطمینانی و بلاتکلیفی در جامعه است. تورم شدید روی بسیاری از شاخص‌های اجتماعی و حتی اخلاقی جامعه می‌تواند آثار سوء به جای گذارد. نرخ سرقت، کلاهبرداری، جنایت، خشونت، طلاق، بزهکاری جوانان، فساد مالی و اخلاقی، رشوه‌خواری و ... به سرعت بالا می‌رود و مشکلات اجتماعی زیادی را برای جامعه ایجاد می‌کند (تفضلی، ۱۳۷۵).

* ناهنجاری‌های اجتماعی

نوسانات زیاد نرخ تورم در جامعه، علاوه بر توزیع نامناسب درآمدها و نامساعد کردن وضعیت اشتغال، منجر به افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی نیز می‌شود. از مهم‌ترین پیامدهای نامطلوب اجتماعی تورم می‌توان به مواردی از قبیل رواج رشوه، اختلاس، افزایش جرم و جنایت، هنجارگریزی، بزهکاری، بی‌توجهی به منافع ملی و حقوق دیگران، عدم اعتماد و اطمینان، قانون‌گریزی و تضعیف سرمایه‌های اجتماعی اشاره نمود. همواره بر اثر تورم و کاهش قدرت خرید و اختلاف طبقاتی آدم‌های بیشتری از قطار سلامت زندگی پیاده می‌شوند. تورم و گسترش فقر باعث شکاف بین زندگی شرافتمندانه و کار شرافتمندانه می‌گردد.

به‌عبارت دیگر، به‌دلیل کمی درآمد، رشوه‌خواری و فساد در نهادهای مختلف دولتی رشد می‌کند. از طرف دیگر تورم با ایجاد اختلال در نظام توزیع امکانات، فرصت‌ها و درآمدها و ایجاد رانتهای اقتصادی برای عده‌ای خاص، زمینه‌ی بروز و تشدید مفاسد مالی و مفاسد اداری را فراهم می‌کند و مانع بسیار بزرگی در راه توسعه پدید می‌آورد (حاجی‌غلام‌سریزدی، ۱۳۹۰).

* فشار ناشی از مالیات‌های غیرمستقیم

تورم و کاهش ارزش پول موجب کاهش قدرت خرید دولت می‌گردد و دولت نیز مانند سایر مصرف‌کنندگان مجبور است برای تامین هزینه‌های جاری و عمرانی خود کالاهای و خدمات مورد نیاز خود را گران‌تر از گذشته خریداری کند. دولت ناچار است دستمزد و حقوق کارمندان خود را همراه با افزایش قیمت‌ها هر چند یک‌بار افزایش دهد. اگرچه در دوران تورم درآمد دولت نیز افزایش می‌یابد، ولی امکان افزایش مالیات‌های مستقیم متناسب با تورم وجود ندارد، مالیات‌های غیرمستقیم افزایش می‌یابد (تفضلی، ۱۳۷۵).

* یاس و ناامیدی

افزایش تورم موجب شکل‌گیری نوعی آینده‌هراسی می‌شود به‌گونه‌ای که مردم همواره به خود تلقین می‌کنند که «امروز بدتر از دیروز» است و همواره نگران این موضوع هستند که فردا چه خواهد شد و آینده‌ی شغلی و زندگی آن‌ها چگونه رقم خواهد گرفت. نتیجه‌ی این‌گونه تفکر، آسیب‌های جدی روحی و روانی در افراد جامعه می‌باشد.

* کاهش هنجارهای ارزشی و رفتاری

تورم باعث می‌شود قدرت خرید کاهش و اختلاق طبقاتی افزایش یابد که این امر باعث سخت شدن تامین هزینه‌های زندگی برای دهک‌های پایین جامعه می‌شود. کاهش هنجارهای اجتماعی در بلندمدت باعث تزلزل ارکان جامعه و سست شدن نظام فرهنگی-اجتماعی می‌شود. با سست شدن ارکان جامعه برنامه‌ریزی و استراتژی یا صورت نمی‌گیرد و یا این‌که اجرایی نمی‌شود. نهایتاً با اجرای برنامه‌های غلط یا اجرای غلط برنامه‌های درست هزینه‌های زیادی به کشور اعمال می‌شود که این از طریق کسری بودجه باعث افزایش تورم می‌شود (حاجی‌غلام‌سریزدی، ۱۳۹۰).

بخش چهارم: محاسبه و پیش‌بینی

نرخ تورم

۱-۴. مقدمه

تورم را می‌توان نشان‌دهنده‌ی افزایش یا کاهش یا ثبات در قیمت مصرف‌کننده‌ی کالاها و خدمات دانست. برای اندازه‌گیری این شاخص معمولاً در بازه‌های زمانی هفتگی، ماهانه و سالانه، قیمت انواع کالاها و خدمات در سراسر هر کشوری اندازه‌گیری و اعلان عمومی می‌شود. نحوه‌ی محاسبه تورم در ایران نیز براساس استانداردهای بین‌المللی انجام می‌شود. در واقع با همان روشی که سایر کشورهای جهان تورم خود را محاسبه می‌کنند، مرکز آمار و بانک مرکزی هم به بررسی و محاسبه تورم می‌پردازند.

در بررسی‌های اقتصادی به‌منظور تعیین آثار سیاست‌های اقتصادی، برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت، استفاده از نماگرهای اقتصادی یکی از ابزارهای ضروری می‌باشد. یکی از این نماگرهای اقتصادی، شاخص‌های قیمت می‌باشند. شاخص‌های قیمت تغییرات قیمت کالا و خدمات عرضه‌شده در بازارهای مختلف و یا در مراحل مختلف تولید را در دوره‌ی زمانی معین نسبت به یک سال پایه نشان می‌دهد. با توجه به کاربرد و نوع بازاری که شاخص‌ها برای تحت پوشش قرار دادن کالاهای آن بازار تعریف می‌شوند، شاخص‌های قیمتی متفاوتی وجود دارد. تغییرات این شاخص‌ها بیانگر تغییرات متفاوت قیمتی در هر یک از بازارها است.

شاخص‌های قیمت نظیر شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی و شاخص بهای تولیدکننده برای نشان دادن سلامت و پیشرفت اقتصاد از نماگرهای حساس می‌باشند و از جهت چگونگی انجام و ارزیابی سیاست‌های پولی و مالی بسیار مورد توجه بسیار قرار می‌گیرند. این سری از شاخص‌های قیمت نه تنها به‌عنوان یک نماگر اقتصادی بلکه در مقام یک تعدیل‌کننده جهت به‌دست آوردن آمارهای اقتصادی کلان سری‌های زمانی به قیمت ثابت در حساب‌های ملی به‌کار برده می‌شوند. از شاخص قیمت تولیدکننده برای تعدیل جریان درآمدی جهت اندازه‌گیری رشد واقعی ستاده و از شاخص قیمت مصرف‌کننده جهت تعدیل جریان‌ات هزینه و درآمد برای محاسبه تغییرات در هزینه زندگی استفاده می‌شود.

۲-۴. انواع شاخص قیمت

یکی از متغیرهای مهم در اقتصاد کلان سطح عمومی یا متوسط وزنی قیمت‌ها است که کاربردهای فراوانی دارد. در واقع چون در اقتصاد کلان با تعداد بسیار زیادی از کالاها و خدمات مواجه هستیم، ناچاریم با یک عدد، وضعیت همه‌ی قیمت‌ها را بیان نماییم (دادگر و رحمانی، ۱۳۸۴).

شاخص قیمت، معیاری است که براساس آن، ارزش ثابت از ارزش جاری تمیز داده می‌شود (شریف، ۱۳۸۷). اصولاً شاخص، کمیّتی است که به‌عنوان نماینده‌ی کمیّت‌های همگن متعدد به‌کار می‌رود و می‌تواند جهت و میزان تغییر کمیّت‌های موردنظر را در طول زمان نشان دهد (طیبیان، ۱۳۷۹).

عدد شاخص، رقمی است که تغییر نسبی قیمت‌های کالای مصرفی یا خدمات مشابه را در یک دوره و هر دوره‌ی دیگر، به‌عنوان دوره‌ی مبنا نشان می‌دهد. معمولاً دوره‌ی مبنا را به‌رقم صد ارائه می‌دهند (فرهنگ، ۱۳۷۱).

در نظام آمار اقتصادی، چهار نوع شاخص قیمت اصلی وجود دارد که عبارتند از: الف. شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI)^۱؛ ب. شاخص قیمت تولیدکننده (PPI)^۲؛ پ. شاخص قیمت صادرات (XPI)^۳ و ت. شاخص قیمت وارداتی (MPI)^۴. شاخص‌های مذکور در تمامی جوامع دنیا شناخته شده‌اند و در ارزیابی عملکرد اقتصاد کلان به دقت مورد توجه قرار می‌گیرند.

در ادامه به توضیح کلی هر کدام پرداخته می‌شود:

الف. شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI)

جمع‌آوری قیمت خرده‌فروشی کالاها و خدمات مورد مصرف خانوارها به‌منظور محاسبه‌ی شاخص قیمت کالا و خدمات مصرفی خانوارها انجام می‌گیرد. شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی معیار سنجش تغییرات قیمت کالاها و خدماتی است که به‌مصرف نهایی خانوارها می‌رسد و به‌عبارتی خانوارها با آن مستقیماً درگیرند و اثر رفاهی بر خانوارها دارد. این شاخص مهم‌ترین ابزار اندازه‌گیری میزان تورم قیمت‌ها در اقتصاد کشور می‌باشد و نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که اقلام سرمایه‌ای (سکه طلا، ارزش مسکن و آپارتمان، اوراق بهادار و قرضه و ...) در محاسبه‌ی این شاخص لحاظ نمی‌شوند (ریسی، ۱۳۹۰).

-
- 1 . Consumer Price Index
 - 2 . Producer Price Index
 - 3 . Export Price Index
 - 4 . Import Price Index

معرفی طرح آمارگیری شاخص قیمت مصرف‌کننده

«طرح آمارگیری شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای کشور» یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین طرح‌های آماری کشور است که براساس آخرین استانداردها، تعاریف و طبقه‌بندی‌های بین‌المللی از سال ۱۳۶۱ در مناطق روستایی و از سال ۱۳۳۱ در مناطق شهری عملیاتی و اجرا شده و نتایج آن در سطح شهری، روستایی و کل کشور و به تفکیک استان‌ها با بهره‌گیری از تعاریف، طبقه‌بندی‌ها و استانداردهای بین‌المللی در حال اجراست. در حال حاضر تمامی کشورهای دنیا از این تعاریف، طبقه‌بندی‌ها و استانداردهای طراحی، اجرا، استخراج و انتشار استفاده می‌نمایند و آمارهای حاصله قابلیت مقایسه‌ی بین‌المللی دارند.

شاخص قیمت مصرف‌کننده براساس فرمول شاخص قیمتی لاسپیرز و سال پایه^۱ انتخاب شده (هم‌اکنون براساس سال پایه‌ی ۱۳۹۵ انجام می‌گردد) محاسبه می‌گردد. اطلاعات موردنیاز برای محاسبه‌ی این شاخص به‌صورت ماهانه از تعداد ۲۳۰ شهر نمونه شامل ۳۵۷ منطقه شهری (در مجموع ۳۰۰ هزار مظنه قیمت) و ۶۲۶ آبادی (در مجموع ۱۲۰ هزار مظنه قیمت) جمع‌آوری می‌گردد.

براساس طبقه‌بندی^۲ COICOP، ۴۷۵ قلم از کالاها و خدمات مشمول بررسی براساس سال پایه‌ی ۱۳۹۵، به ۱۲ گروه اصلی تقسیم‌بندی شده‌اند (که هر یک از گروه‌ها خود به زیربخش‌هایی تقسیم خواهند شد)، که دوازده گروه اصلی طبق جدول ۱ با ضرایب اهمیت آن‌ها به شرح ذیل می‌باشد:

۱. با توجه به ضروریات تغییر سال پایه و به‌منظور بهبود کیفیت آمار تولیدی برای نرخ تورم، شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی که از سال ۱۳۱۵ تاکنون توسط بانک مرکزی محاسبه و منتشر می‌شد، دستخوش تغییرات در سال پایه شده و پس از سال‌های ۱۳۱۵، ۱۳۳۸، ۱۳۴۸، ۱۳۵۳، ۱۳۶۱، ۱۳۶۹، ۱۳۷۶، ۱۳۸۳، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ به‌عنوان سال پایه جدید انتخاب شده است. همچنین سال پایه برای مرکز آمار نیز در سال‌های ۱۳۶۱ فقط برای شاخص بهای خرده‌فروشی کالاها و خدمات مصرفی خانوارها در نقاط روستایی و سال‌های پایه‌ی ۱۳۷۴، ۱۳۸۱، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ برای شاخص بهای خرده‌فروشی کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای شهری و روستایی انجام گرفته است.

2 . Classification of Individual Consumption by Purpose

جدول ۱: گروه‌های کالایی و ضرایب اهمیت در دو سال پایه ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

ردیف	نام گروه	ضریب اهمیت (سال پایه‌ی ۱۳۹۰)	ضریب اهمیت (سال پایه‌ی ۱۳۹۵)
۱	خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها	۲۷/۹۳	۲۶/۶۴
۲	دخانیات	۰/۵۳	۰/۵۹
۳	پوشاک و کفش	۴/۹	۴/۷۸
۴	مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت‌ها	۳۲/۴	۳۵/۵۰
۵	مبلمان و لوازم خانگی و نگهداری معمول آن‌ها	۴/۳	۳/۹۳
۶	بهداشت و درمان	۶/۶	۷/۱۴
۷	حمل و نقل	۹/۹	۹/۴۱
۸	ارتباطات	۳/۶	۲/۸۷
۹	تفریح و امور فرهنگی	۲/۲	۱/۶۵
۱۰	آموزش	۲/۰	۱/۸۶
۱۱	هتل و رستوران	۱/۳	۱/۴۴
۱۲	کالاها و خدمات متفرقه	۴/۲	۴/۱۸

طبق جدول ۱، در دوازده گروه کالایی، گروه «مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت‌ها» بیشترین و گروه «دخانیات» کمترین ضریب اهمیت را در سال پایه‌ی ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ داشته‌اند.

هریک از گروه‌های اصلی نیز به زیرگروه‌هایی تقسیم می‌شوند که هر یک از زیرگروه‌ها به‌تنهایی شامل چندین کالا یا خدمت با خصوصیات مشابه براساس طبقه‌بندی COICOP می‌باشند. به‌طور مثال، گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها شامل گروه‌های مختلفی از کالاهاست که زیرگروه این گروه طبق جدول ۲ به‌شرح ذیل می‌باشد:

جدول ۲: زیرگروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها با ضرایب اهمیت آن‌ها در دو سال پایه‌ی ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

ردیف	نام زیرگروه	ضریب اهمیت (سال پایه‌ی ۱۳۹۰)	ضریب اهمیت (سال پایه‌ی ۱۳۹۵)
۱	نان و غلات	۷/۳۶	۶/۶۷
۲	گوشت قرمز و سفید و فرآورده‌های آن‌ها	۶/۹۱	۵/۹۱
۳	گوشت قرمز و گوشت ماکیان	۶/۰۹	۵/۱۴
۴	ماهی‌ها و صدف‌داران	۰/۸۲	۰/۷۷
۵	شیر، پنیر و تخم‌مرغ	۲/۸۴	۲/۸
۶	روغن‌ها و چربی‌ها	۱/۳۶	۱/۲۹
۷	میوه و خشکبار	۳/۲۵	۳/۴۳
۸	سبزیجات (سبزی‌ها و حبوبات)	۲/۹۲	۳/۰۲
۹	شکر، مربا، عسل، شکلات و شیرینی (قند و شکر و شیرینی‌ها)	۱/۳۴	۱/۴۴
۱۰	محصولات خوراکی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	۰/۸۴	۰/۹۸
۱۱	چای، قهوه، کاکائو، نوشابه و آبمیوه (نوشابه‌های غیر الکلی)	۱/۱۱	۱/۱

طبق جدول ۲، در گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها، زیرگروه «نان و غلات» بیشترین و زیرگروه «ماهی‌ها و صدف‌داران» کمترین ضریب اهمیت در سال پایه‌ی ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ داشته‌اند.

در ادامه مفاهیم پر کاربرد و اساسی در محاسبه‌ی شاخص قیمت مصرف‌کننده بیان می‌شود.

* سال پایه

سال پایه، سال معین و ثابتی است که درصد تغییرات شاخص، نسبت به آن سال سنجیده می‌شود و عدد شاخص در آن سال برابر ۱۰۰ است. به عبارتی، سال پایه باید سالی باشد که نوسانات شدید اقتصادی در این سال رخ نداده باشد. تغییر سلیقه‌ی مصرفی خانوارها در طول زمان، تغییرات درآمد خانوارها، نوسان قیمت نسبی کالاها و خدمات، نیازهای جدید و تنوع کالاهای تولیدشده در جامعه عواملی هستند که باعث ایجاد اختلاف بین سبدمصرفی و ضرایب اهمیت تعیین‌شده در سال پایه با الگوی مصرفی فعلی خانوارها خواهند شد. به همین دلایل تغییر سال پایه‌ی شاخص تورم هر چند سال ناگزیر خواهد بود (روزبهان، ۱۳۷۳).

* منبع اطلاع

منظور از منبع اطلاع، کارگاهی است که اطلاعات مربوط به قیمت کالاها و خدمات از آن‌ها کسب می‌گردد. کارگاهها به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند: الف. کارگاههای خرده‌فروشی که انواع کالاها را عرضه می‌نمایند مانند خواربار فروشی، فروشگاه لوازم یدکی اتومبیل و ب. کارگاههای ارایه‌دهنده‌ی خدمات مانند: آرایشگاه مردانه و زنانه، تعمیرگاه اتومبیل، شرکت مخابرات.

* مظنه‌ی قیمت

مظنه‌ی قیمت، یعنی متوسط تغییر قیمت قلم که از چندین منبع اطلاع به‌دست آمده به‌عنوان متوسط افزایش یا کاهش قیمت قلم در ماه جاری لحاظ می‌شود.

* ضریب اهمیت

ضریب اهمیت نسبت متوسط هزینه‌ی سالانه هر یک از کالاها و خدمات برای خانوارهای مشمول به متوسط کل هزینه‌های مصرفی سالانه می‌باشد؛ یا به‌عبارتی ضریب اهمیت، سهم نسبی هزینه خانوار در اقلام می‌باشد.

* قیمت واقعی

هرگاه در محاسبه‌ی متغیرها در یک سال از قیمت‌های سال پایه استفاده گردد عدد به‌دست آمده به قیمت واقعی یا حقیقی می‌باشد.

* قیمت جاری

هرگاه در محاسبه‌ی متغیرها در یک سال از قیمت‌های همان سال استفاده گردد عدد به‌دست آمده به قیمت جاری یا اسمی می‌باشد. قیمت جاری شامل: الف. قیمت عملی فروش و ب. قیمت اسمی فروش است. الف. قیمت عملی فروش، قیمتی است که کارگاهها در مقابل فروش یک واحد از کالا یا خدمت از خریدار (خانوار) دریافت می‌نمایند.

ب. قیمت اسمی فروش، قیمتی است که توسط سازمان‌های مربوط (سازمان‌های دولتی، شهرداری‌ها، اصناف و غیره) برای یک واحد کالا یا خدمت تعیین می‌گردد. به‌عبارتی قیمت اسمی فروش، قیمت کالایی است که در کارگاه خرده‌فروشی موجود بوده ولی در دوره‌ی زمانی مورد نظر (به‌دلیل ماهیت فصلی‌اش) به فروش نرفته و پاسخگو قیمت کالای به فروش نرفته را اعلام می‌نماید و ممکن است که با قیمت عملی فروش فرق داشته باشد.

* کاربردهای شاخص قیمت مصرف‌کننده

شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی یکی از شاخص‌های اقتصادی مهم و کلیدی کشور است که مورد استفاده‌ی مسئولان، دستگاه‌های برنامه‌ریز و سیاست‌گذار و مجامع علمی کشور می‌باشد. تعدیل

مستمری‌ها و مزایای تامین اجتماعی، تعدیل پرداخت‌هایی از قبیل پرداخت‌های بهره‌ای و اجاره‌بها، تقریبی از نرخ کلی تورم جهت تنظیم اهداف سیاست‌های پولی، تعدیل هزینه‌های مصرفی خانوار در حساب‌های ملی و غیره از کاربردهای شاخص قیمت مصرف‌کننده است. از جمله کاربردهای مهم این شاخص در محاسبه‌ی قدرت خرید پول کشور و محاسبه‌ی دریافتی واقعی افراد مزد و حقوق‌بگیر می‌باشد. قدرت خرید پول نسبت معکوس با افزایش شاخص قیمت دارد، به این معنی که در نتیجه‌ی افزایش قیمت کالاها و خدمات، قدرت خرید پول کاهش می‌یابد و بالعکس. اگر شاخص قیمت از ۱۰۰ در سال پایه به ۱۲۵ در سال مورد نظر رسیده باشد، قدرت خرید پول ۲۰ درصد کاهش یافته است.

برای محاسبه‌ی قدرت خرید ۱۰۰ ریال امسال در سال پایه از فرمول زیر استفاده می‌شود:

$$P_t = \frac{100}{I_t} \times 100$$

Pt قدرت خرید پول در سال t
It شاخص قیمت در سال t

یکی دیگر از کاربردهای مهم شاخص قیمت مصرف‌کننده، محاسبه‌ی دریافتی واقعی افراد مزد و حقوق‌بگیر است. در ایران گروه و طبقه‌ی مزد و حقوق‌بگیران طیف وسیعی از شاغلان و بازنشستگان کشور را تشکیل می‌دهند و وضعیت معیشتی این افراد از جهات گوناگون برای وضع عمومی اقتصاد کشور مهم است. در حال حاضر مطابق قانون مصوب مجلس، دستمزدها باید هر ساله با توجه به نرخ تورم قیمت‌ها تعدیل شوند تا حقوق و دستمزدهای واقعی هر سال با کاهش روبه رو نشود.

$$\frac{\text{دریافتی اسمی}}{\text{شاخص قیمت}} = \text{دریافتی واقعی} \times 100$$

فرض کنید دریافتی ماهانه کارگری در سال ۹۵ معادل ۴۵۰ هزار تومان و در سال ۹۷ برابر ۶۰۰ هزار تومان باشد دریافتی واقعی وی عبارت خواهد بود از:

$$\frac{\text{دریافتی اسمی در سال ۹۷}}{\text{شاخص قیمت در سال ۹۵}} \times 100 = \frac{600000}{189} \times 100 = 317460$$

ب. شاخص قیمتی تولیدکننده (PPI)

این شاخص روند تغییرات قیمت را از دیدگاه تولیدکننده در بخش‌های مختلف اقتصادی مانند کشاورزی، ماهیگیری، صنعت، معدن و خدمات نشان می‌دهد. قیمت تولیدکننده به قیمتی گفته می‌شود که

خریدار در ازای خرید کالا به تولیدکننده می‌پردازد و قیمت فروش کالاها و خدمات تولیدشده و عرضه‌شده به عمده‌فروشان، خرده‌فروشان داخلی و سایر صنایع و یا صادر شده به کشورهای خارجی را منعکس می‌کند.

پ. شاخص بهای کالاهای صادراتی (XPI)

شاخص قیمت کالاهای صادراتی، روند تغییرات قیمت محصولات عرضه‌شده به خارج کشور را طی دوره‌ی زمانی مشخص نشان می‌دهد، یا به عبارتی این شاخص تغییرات قیمت کالاهای صادرشده از کشور را راه‌اندازی می‌کند. کالاهای صادراتی شامل تمامی کالاهایی است که به‌طور کامل در داخل کشور ساخته و صادر می‌شود یا به‌صورت کالاهای نیمه‌ساخته و یا مواد اولیه صادر می‌گردد.

ت. شاخص قیمت کالاهای وارداتی (MPI)

شاخص قیمت کالاهای وارداتی، روند تغییرات قیمت محصولات عرضه‌شده به داخل کشور را طی دوره‌ی زمانی مشخص نشان می‌دهد.

از آن‌جا که قیمت کالاهای صادراتی و وارداتی یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر میزان مبادلات خارجی کشورها و نیز یکی از عوامل تعیین‌کننده‌ی رابطه‌ی مبادله، رابطه‌ی میان قیمت کالاهای صادراتی و قیمت کالاهای وارداتی، که می‌توان آن را از تقسیم شاخص بهای کالاهای صادراتی به شاخص بهای کالاهای وارداتی به‌دست آورد، است، تغییرات آن از اهمیت بالایی برخوردار است.

۳-۴. محاسبه‌ی شاخص قیمت‌ها

یک روش ساده جهت تعیین تغییرات قیمت در سال‌های مختلف این است که میانگین ساده‌ی قیمت‌ها در سال‌های مختلف محاسبه شود. با توجه به جدول ۳ این میانگین به صورت زیر قابل محاسبه می‌باشد:

جدول ۳: محاسبه‌ی شاخص قیمت‌ها در سال‌های ۸۲-۱۳۸۰

سال	مرغ		برنج		میگو	
	مقدار کالا	قیمت کالا	مقدار کالا	قیمت کالا	مقدار کالا	قیمت کالا
۱۳۸۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۲۰	۱۵۰۰	۱۴۰	۲۲۰
۱۳۸۱	۱۱۰	۲۰۰	۱۴۰	۲۰۰۰	۱۸۰	۳۰۰
۱۳۸۲	۱۵۰	۴۰۰	۱۵۰	۲۳۰۰	۲۰۰	۴۰۰

میانگین به‌صورت زیر قابل محاسبه می‌باشد:

$$۱۳۸۰ \text{ سال ساده‌ی سال} = \frac{۱۰۰+۱۵۰۰+۲۲۰}{۳} = ۶۰۶/۶$$

$$۱۳۸۱ \text{ سال ساده‌ی سال} = \frac{۲۰۰+۲۰۰۰+۳۰۰}{۳} = ۸۳۳/۳$$

$$۱۳۸۲ \text{ سال ساده‌ی سال} = \frac{۴۰۰+۲۳۰۰+۴۰۰}{۳} = ۱۰۳۳/۳$$

$$۱۳۸۰ \text{ به } ۱۳۸۰ \text{ سال قیمت} = \frac{۶۰۶/۶}{۶۰۶/۶} \times ۱۰۰ = ۱۰۰$$

$$۱۳۸۱ \text{ به } ۱۳۸۰ \text{ سال قیمت} = \frac{۸۳۳/۳}{۶۰۶/۶} \times ۱۰۰ = ۱۳۷$$

$$۱۳۸۰ \text{ به } ۱۳۸۲ \text{ سال قیمت} = \frac{۱۰۳۳/۳}{۶۰۶/۶} \times ۱۰۰ = ۱۷۰$$

اعداد بالا نمی‌توانند به‌درستی تغییرات قیمت را بین سال‌های مختلف نشان دهند. یکی از اشکالات استفاده از شاخص ساده این است که وزن یکسانی به تمام کالاها می‌دهد. بدین ترتیب در سبد کالاهای تولیدشده در یک سال اهمیت کالاها یکسان در نظر گرفته شده‌اند. در صورتی که به‌هیچ وجه این موضوع درست نیست.

بنابراین برای از بین بردن این اشکال باید به طریقی وزن هر کالا (اهمیت کالا) در شاخص قیمت وارد گردد. در این صورت هر کالایی که در سبد مصرفی بیشتر مورد استفاده است، اثر قیمتی آن کالا روی شاخص بیشتر اثر می‌گذارد.

معمولاً در اقتصاد چهار شاخص قیمتی لاسپیرز، پاشه، فیشر و مارشال - اجورث معرفی می‌شوند که هر کدام به طریقی میزان تولید را در خود جای داده‌اند (نظری و علوی، ۱۳۸۹).

* شاخص قیمتی لاسپیرز

شاخص قیمت لاسپیرز از دو قسمت اصلی تشکیل شده است که یکی وزن‌ها با ضرایب اهمیت اقلام مشمول شاخص است که در سال پایه تعیین می‌شود و تا سال پایه‌ی بعدی ثابت می‌ماند و قسمت دوم قیمت اقلام مشمول شاخص است که هر ماه از تعداد منابع اطلاع جمع‌آوری می‌گردد. با استفاده از این قیمت‌ها و ضرایب اهمیت، شاخص قیمت برای هر قلم مشمول شاخص و گروه‌های فرعی و اصلی و همچنین شاخص کل، محاسبه می‌شود. به عبارتی مبنای محاسبه شاخص لاسپیرز مقدار تولید کالاها در سال پایه می‌باشد.

این شاخص به صورت زیر قابل محاسبه است.

$$L_p = \frac{\sum_{i=1}^n p_i^t q_i^0}{\sum_{i=1}^n p_i^0 q_i^0} \times 100$$

p_i^t : قیمت کالای i ام در سال t

q_i^0 : مقدار کالای i ام در سال پایه

p_i^0 : قیمت کالای i ام در سال پایه

علت ضرب کردن عبارت بالا در عدد ۱۰۰ نشان دادن شاخص قیمتی لاسپیرز به صورت درصدی است و اگر این عملیات انجام نشود هیچ‌گونه خللی به موضوع وارد نخواهد شد. در فرمول فوق در صورتی که سال پایه سال ۱۳۸۰ باشد شاخص قیمتی لاسپیرز در این سه سال به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$L_{p,80} = \frac{100 \times 100 + 1500 \times 120 + 220 \times 140}{100 \times 100 + 1500 \times 120 + 220 \times 140} \times 100 = 100$$

$$L_{p,81} = \frac{200 \times 100 + 2000 \times 120 + 300 \times 140}{100 \times 100 + 1500 \times 120 + 220 \times 140} \times 100 = \frac{302/000}{220/800} \times 100 = 136$$

$$L_{p,82} = \frac{400 \times 100 + 2300 \times 120 + 400 \times 140}{100 \times 100 + 1500 \times 120 + 220 \times 140} \times 100 = \frac{372/000}{220/800} \times 100 = 168$$

این اعداد نشان‌دهنده‌ی این واقعیت می‌باشند که بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۱ شاخص به‌طور متوسط از ۱۰۰ به ۱۳۶ افزایش یافته و از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ به‌طور متوسط از ۱۰۰ به ۱۶۸ رسیده است. شاخص قیمتی لاسپیرز وزن و اهمیت کالاها را نیز در خود لحاظ کرده است. در صورتی که این اعداد در ۱۰۰ ضرب نشوند، تغییر متوسط قیمت‌ها بین سال‌های مختلف با عدد ۱ مقایسه خواهد شد. در این شاخص و یا شاخص ساده‌ی قبلی مشخص است که همواره شاخص در سال پایه برابر عدد ۱۰۰ می‌باشد. اگر بنا به فرض قیمت‌های سال‌های بعد از پایه کاهش داشته باشند شاخص سال‌های بعد عددی کمتر از ۱۰۰ خواهد شد. که البته این مورد کمتر در اقتصاد روی می‌دهد.

* شاخص قیمتی پاشه

برخلاف شاخص لاسپیرز، در شاخص قیمتی پاشه مبنای محاسبه، مقدار تولید کالاها در سال مورد نظر است.

این شاخص به صورت زیر قابل محاسبه است:

$$P_p = \frac{\sum_{i=1}^n p_i^t q_i^t}{\sum_{i=1}^n p_i^0 q_i^t} \times 100$$

p_i^t : قیمت کالای i ام در سال t

q_i^t : مقدار کالای i ام در سال t

p_i^0 : قیمت کالای i ام در سال پایه

با توجه به فرمول فوق شاخص پاشه برای سال‌های ۸۰ تا ۸۲ به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$P_{p,80} = \frac{100 \times 100 + 1500 \times 120 + 220 \times 140}{100 \times 100 + 1500 \times 120 + 220 \times 140} \times 100 = 100$$

$$P_{p,81} = \frac{200 \times 110 + 2000 \times 140 + 300 \times 180}{100 \times 110 + 1500 \times 140 + 220 \times 180} \times 100 = \frac{356000}{260600} \times 100 = 136$$

$$P_{p,82} = \frac{400 \times 150 + 2300 \times 150 + 400 \times 200}{100 \times 150 + 1500 \times 150 + 220 \times 200} \times 100 = \frac{485000}{284000} \times 100 = 170$$

از اعداد به‌دست آمده در بالا مشخص است که بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۱ قیمت به‌طور متوسط از ۱۰۰ به ۱۳۶ و بین سال‌های ۸۰ تا ۸۲ به‌طور متوسط قیمت از ۱۰۰ به ۱۷۰ تغییر یافته است.

* شاخص قیمتی فیشر و شاخص قیمتی مارشال - اجورث

چون اعداد به‌دست آمده از شاخص قیمتی پاشه و لاسپیرز با هم برابر نمی‌باشند از دو شاخص دیگر نیز می‌توان استفاده کرد که در آن‌ها اعداد به‌دست آمده، بین دو عدد لاسپیرز و پاشه می‌باشد. شاخص اول، شاخص قیمتی فیشر است که از میانگین هندسی دو شاخص قیمتی لاسپیرز و پاشه بدست می‌آید.

$$F_p = \sqrt{L_p \cdot P_p}$$

شاخص بعدی، شاخص مارشال - اجورث است که از میانگین حسابی دو شاخص قبل به‌دست می‌آید.

$$M_p = \frac{\sum_{i=1}^n p_i^t \left(\frac{q_i^t + q_i^0}{2} \right)}{\sum_{i=1}^n p_i^0 \left(\frac{q_i^t + q_i^0}{2} \right)} \times 100$$

مقایسه‌ی دو شاخص لاسپیرز و پاشه

همان‌طور که در بالا گفته شد مبنای محاسبه‌ی شاخص لاسپیرز سال پایه و شاخص پاشه سال مورد نظر است. از نظر قانون تقاضا هرگاه قیمت کالایی کم باشد تمایل به خرید از آن کالا افزایش می‌یابد.

بدین جهت چون در سال پایه قیمت کالاها کم است، میزان مصرف زیاد خواهد بود. از طرفی سال به سال قیمت کالاها افزایش خواهد یافت. در شاخص لاسپیرز چون مقدار سال پایه به علت کاهش قیمت زیاد و از طرفی قیمت در سال مورد نظر نیز شدیداً افزایش یافته، این دو عامل باعث می‌گردد از لحاظ نظری شاخص لاسپیرز تغییرات قیمت را بیش از حد برآورد نماید و از طرفی در سال مورد نظر به علت افزایش قیمت کالاها نسبت به سال پایه مصرف کمتر است این عدد وقتی در قیمت سال مورد نظر ضرب شود، باعث می‌شود که شاخص پاشه تغییرات قیمت را کمتر از حد برآورد نماید.

بین دو شاخص لاسپیرز و پاشه در هر سال، محاسبه لاسپیرز ساده‌تر خواهد بود. چون برای محاسبه‌ی این شاخص، فرد فقط باید آمار و ارقام مربوط به قیمت در سال مورد نظر را جمع‌آوری نماید. در صورتی که برای شاخص پاشه فرد باید توامان آمار و ارقام مربوط به قیمت و مقدار مصرف کالاها در سال مورد نظر را جمع‌آوری نماید.

۴-۴. کاربرد شاخص قیمت‌ها

شاخص قیمت‌ها کاربردهای فراوانی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- محاسبه‌ی روند قیمت‌ها

به‌عنوان یک متغیر کلان اقتصادی، نشان‌دهنده‌ی چگونگی تغییرات سطح عمومی قیمت‌هاست و به‌صورت کمی، وضعیت قیمت‌ها را در سال‌های مختلف باهم مقایسه می‌کند. این مورد امروزه از نظر هر جامعه‌ای اهمیت خاصی دارد. این کاربرد برای محاسبه یک مقطع زمانی در ایران مناسب است.

- تبدیل متغیرهای کلان به واقعی

استفاده از شاخص قیمت می‌تواند متغیرهای کلان اقتصادی (مانند تولیدهای اسمی) را به متغیرهای واقعی تبدیل کند. بدین صورت که متغیرهای اسمی را به شاخص قیمت تقسیم کرده و متغیر واقعی را به دست می‌آوریم (طیبیان، ۱۳۷۹).

- محاسبه نرخ تورم

فرمول شاخص قیمت در یک سال مورد نظر برابر است با نسبت هزینه‌ی کل خرید یک دسته کالا در آن سال به هزینه‌ی همان دسته کالا در سال پایه است (رحمانی، ۱۳۸۵).

۴-۵. پیش‌بینی نرخ تورم

پیش‌بینی، فرآیند برآورد موقعیت‌های ناشناخته است. یک پیش‌بینی یک پیش‌گویی در مورد رویدادهای آینده در اختیار می‌گذارد و می‌تواند تجارب گذشته را به پیش‌بینی حوادث آینده بدل سازد

(Armstrong, 2001). پیش‌بینی ابزاری قدرتمند در فرآیند برنامه‌ریزی هر کاری است. آنچه که در هر پیش‌بینی، اهمیت ویژه‌ای دارد، میزان دقت آن است (Armstrong & Collopy, 1992). به‌همین دلیل روش‌های متعددی جهت پیش‌بینی وجود دارد. اصولاً پیش‌بینی به دو روش اصلی تقسیم می‌شود: الف. روش‌های آماری و ب. روش‌های ریاضی و قطعی.

الف. در روش‌های آماری، پارامترهای مدل پیش‌بینی، به‌صورت «احتمالی» برآورد می‌شوند، در حالی که در روش‌های ریاضیاتی، پارامترهای مدل به‌صورت «قطعی» برآورد می‌گردند. طبیعی است که روش آماری از قابلیت بیشتری برخوردار است، زیرا با تغییر دقت پیش‌بینی، پارامترهای مدل نیز متناسب با آن تغییر می‌کند (Rescher, 1998).

در حال حاضر، اکثر دولت‌ها و بانک‌های مرکزی، سیاست‌های مالی و پولی‌شان را نه صرفاً بر مبنای وضع موجود، بلکه بر مبنای پیش‌بینی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت از متغیرهای کلیدی اقتصادی تدوین کرده و به‌مورد اجرا می‌گذارند. چنین اهمیتی باعث شده است تا تحقیقات در زمینه‌ی مدل‌ها و تکنیک‌های پیش‌بینی در چند دهه‌ی اخیر، با شتاب بیشتری مواجه شوند به‌طوری‌که امروزه در ادبیات اقتصادسنجی و اقتصاد کاربردی، شاهد مدل‌ها و روش‌های بسیاری در این زمینه باشیم. اقتصاددانان با استفاده از روش‌های متنوع اقتصادسنجی، سعی در تبیین وضع موجود، پیش‌بینی مقادیر آتی متغیرهای وابسته و همچنین ارزیابی سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اقتصادی دارند. این مدل‌ها که نوعاً مدل‌های ساختاری نامیده می‌شوند، گرچه قادر به تبیین نسبی وضع موجود بوده و از لحاظ تحلیلی به‌عنوان ابزار مناسبی برای سیاست‌گذاری اقتصادی مورد استفاده قرار گرفته‌اند ولی متأسفانه، در زمینه‌ی پیش‌بینی سابقه‌ی چندان موفقی از خود برجای نگذاشته‌اند. وجود این کاستی مهم، به تدریج شرایط و دیدگاه جدیدی برای مدل‌سازی فراهم نمود. در این دیدگاه که نوعاً به سری‌های زمانی موسومند، وظیفه‌ی پیش‌بینی متغیرهای اقتصادی بیش از هر چیز به‌عهده‌ی خودشان گذاشته می‌شود. طبق این دیدگاه اگر بتوان فرآیندی که بر مبنای آن، مقادیر مربوط به یک متغیر تحقق می‌یابد را کشف کرد پیش‌بینی مقادیر آتی آن متغیر کار بسیار سختی نخواهد بود.

دیدگاه دیگری نیز به موازات مدل‌های سری‌های زمانی در ادبیات اقتصاد کاربردی وارد شده است که طبق آن می‌توان با استفاده از هوش مصنوعی روابط بین متغیرها را هرچند که پیچیده باشند، توسط رایانه فراگرفت و از آن برای پیش‌بینی مقادیر آتی استفاده نمود. اقتصاددانان از اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰ شروع به استفاده از این مدل‌ها که نوعاً به مدل‌های شبکه‌های عصبی، یادگیری ماشین و یا هوش مصنوعی موسومند، در زمینه‌ی پیش‌بینی طبقه‌بندی نمودند. طبق این دیدگاه، اگر بتوان روابط موجود بین متغیرهای اقتصادی را با استفاده از روش‌های جستجو در اطلاعات از طریق رایانه فراگرفت، می‌توان از آن‌ها برای پیش‌بینی مقادیر آتی نیز استفاده نمود. مزیت مهم این مدل‌ها نسبت به سایر مدل‌های ساختاری و

سری‌های زمانی عبارت از این است که در طراحی این مدل‌ها، نیاز به اعمال فروض آماری خاص در مورد رفتار متغیرها مانند فروض مربوط به تابع توزیع احتمال آن‌ها و یا فروض مربوط به نحوه‌ی ارتباط بین متغیرها نیست. استفاده از این مدل‌ها در اقتصاد، از پیش‌بینی و طبقه‌بندی در بازارهای مالی و پولی مانند پیش‌بینی تغییرات نرخ سهام یا نرخ برابری ارز شروع شد و از اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰ به اقتصاد کلان سرایت کرد (مشیری، ۱۳۸۰).

بخش پنجم: وضعیت تورم در ایران

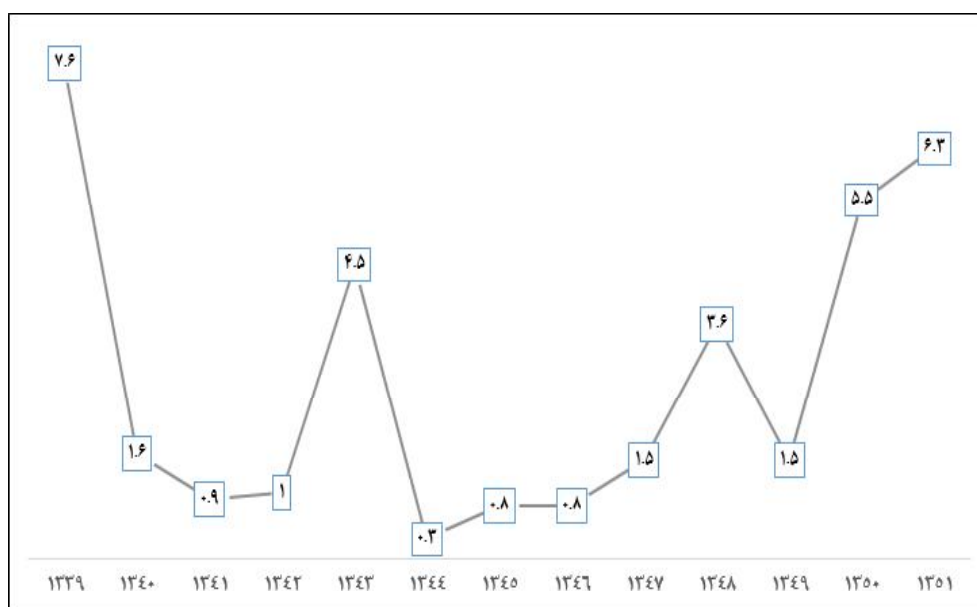
۱-۵. مقدمه

ایران تقریباً به مدت نیم قرن به طور مستمر با تورم مزمن دورقمی بالا مواجه است و با وجود این که تأثیر عوامل مختلف در تورم ایران در پژوهش های مختلف تأیید شده، اما درباره ی تأثیر مسلط پول در تورم، توافق کلی وجود دارد. می توان گفت که با توجه به عدم تعادل ساختاری در بودجه ی دولت، در اغلب سال ها شاهد کسری بودجه دولت بوده ایم. فرایند تأمین مالی کسری بودجه یا افزایش در خالص دارایی های خارجی بانک مرکزی، به دلیل تزریق درآمدهای نفتی در قالب بودجه دولت، موجب رشد حجم پول و در نهایت تشدید و تداوم تورم شده است.

تورم در یک نگاه کلی دارای سه منشأ عمده است: فشار تقاضا، فشار هزینه و ساختار اقتصاد. نکته ی بسیار مهم در خصوص اقتصاد کشور ایران آن است که بسیاری از عوامل اثرگذار بر تورم، قدرت گرفته از عوامل ساختاری است که از جمله مشکلات ساختاری در ایجاد تورم عبارتند از: نقدینگی بخش خصوصی، حجم اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی، ترکیب هزینه های سالانه ی دولت، کسری بودجه ی دولت، الگوی مصرف بیش از تولید، ورود بخش نفت در اقتصاد کشور. اما در زمینه ی شناخت علت تورم در ایران عمده بررسی ها بر کاربرد نظریه های اقتصاد کلان، به ویژه «نظریه پولی تورم» بوده است.

۲-۵. تحلیل کمی تورم در ایران

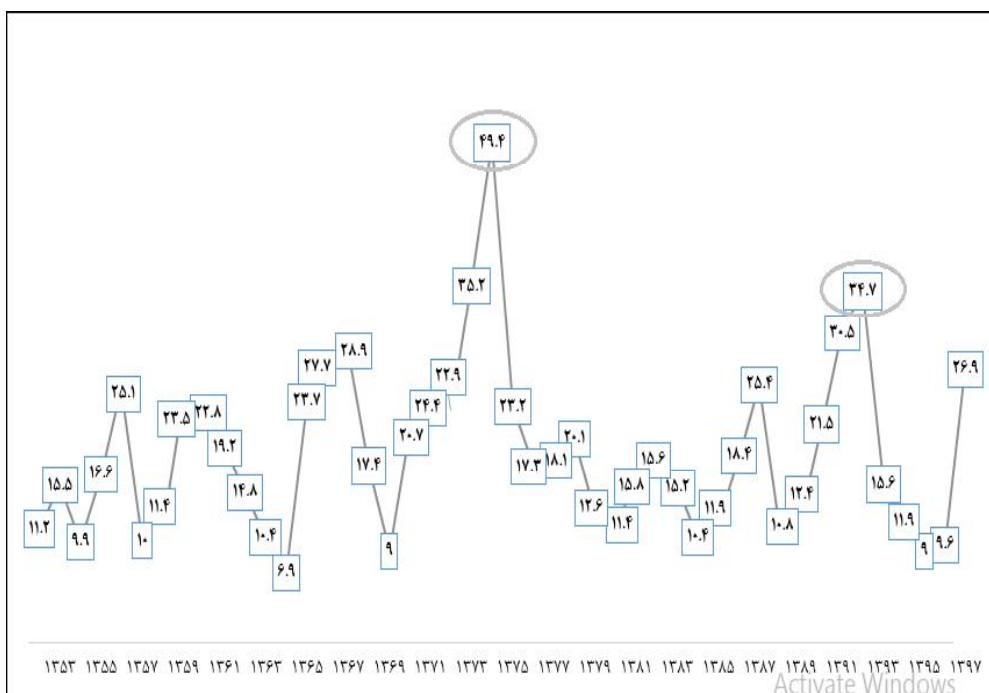
سطح عمومی قیمت ها و شاخص هزینه های زندگی در ایران غالباً در حال افزایش بوده است، لیکن افزایش قیمت ها گاه کند و گاه با سرعت و شدت صورت گرفته است. تورم در ایران از سال ۱۳۳۹ تا سال ۱۳۵۱ یک رقمی و دارای رقم متوسط ۲/۷ درصد بوده است. این دوره مصادف است با رشد بالای اقتصادی، به طوری که متوسط رشد اقتصادی در این سال ها ۱۰/۶ درصد بوده است. در نمودار ذیل نرخ تورم در طی سال های ۱۳۳۹-۱۳۵۱ نشان داده شده است (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۷).



نمودار ۱: نرخ تورم در ایران در طی سال‌های ۱۳۳۹-۱۳۵۱

از سال ۱۳۵۲ تورم دورقمی جایش را در اقتصاد ایران باز می‌کند. ویژگی مهم این دوره، افزایش درآمدهای نفتی (چهار برابر شدن قیمت نفت) است. نقدینگی در این سال‌ها رشد بالایی را تجربه می‌کند. در سال ۱۳۵۳ شاهد رشد ۵۷ درصدی نقدینگی در اقتصاد ایران بوده‌ایم. در این سال‌ها متغیرهای کلان اقتصادی دستخوش تغییر شدند. به‌عنوان مثال، تنگناهای ارزی که حاصل تنگناهای سال‌های قبل بود در این سال‌ها برطرف شد. به‌علت افزایش خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی، پایه‌ی پولی به‌شدت افزایش یافت. پس از تکانه‌ی افزایش قیمت نفت در سال ۱۳۵۲، تکانه‌های وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، جنگ تحمیلی از سوی دولت عراق در سال ۱۳۵۹ مجموعاً شرایطی را رقم زد که تورم دورقمی در اقتصاد ایران تثبیت شود. هم‌چنین بروز و تداوم تورم دورقمی در ایران راه را برای انجام هرگونه فعالیت‌های سواداگرانه بورس‌بازی باز کرده و از طرفی انگیزه‌ی انجام هرگونه فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری و به‌عبارتی فرهنگ کار را در جامعه از بین برده است.

تورم مزمن دورقمی در سال‌های جنگ و پس از جنگ نیز ادامه یافت. کاهش شدید درآمدهای ارزی در سال‌های جنگ علاوه بر کاهش واردات در کاهش شدید تولید (۹/۱- درصد) در سال ۱۳۶۵ خود را نشان داد و تورم بالای ۲۰ درصد در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷ در کشور اتفاق افتاد. که در نمودار ذیل نرخ تورم در طی سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۵۲ نشان داده شده است (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۷).



نمودار ۲: نرخ تورم در ایران در طی سالهای ۱۳۵۲-۱۳۹۷

دو نقطه‌ی مشخص شده در نمودار ۲، نشان‌دهنده‌ی بالاترین تورم‌ها در طول تاریخ اقتصاد ایران است. پس از پایان جنگ، سیاست‌های تعدیل اقتصادی در سل ۱۳۷۳ یکی از نقاط عطف اقتصاد ایران محسوب می‌شود. این سیاست‌ها موجب شد که تورم ایران در سال ۱۳۷۴ به مرز ۵۰ درصد برسد. در سال‌های بعد نیز دولت‌ها موفق به کنترل و مهار تورم نشدند و سایه‌ی تورم دو رقمی بر اقتصاد ایران باقی مانده است. در سال‌های اخیر نیز تکانه‌های مختلفی بر متغیرهای کلان اقتصادی از جمله تورم اثر گذاشته است. اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها در سال ۱۳۸۹ و شروع دور جدید تحریم‌های همه‌جانبه‌ی اقتصادی از اواخر سال ۱۳۹۰ از جمله تکانه‌های اقتصادی طی این چند سال بوده است. تورم در سال ۱۳۹۲ به بالای ۳۰ درصد رسید. دلیل کاهش تورم از سال ۱۳۹۲ به‌رغم رشد نقدینگی گسترده، ناشی از تصمیم سیاست‌گذار بر کنترل پایه‌ی پولی (کاهش عرضه ذخایر) به‌رغم تقاضای بالای ذخایر از سوی شبکه‌ی بانکی در ابتدا و پس از آن نرخ سود حقیقی بالا به‌واسطه‌ی عدم تعادل ترازنامه‌ی شبکه‌ی بانکی بوده است. البته برخی عوامل دیگر مانند کاهش شاخص قیمت‌های جهانی و کاهش تورم وارداتی و همچنین کاهش انتظارات تورمی نیز بر روند کاهش تورم اثرگذار بوده است. به‌طوری که این نرخ در ادامه مسیر کاهش خود، در سال ۱۳۹۵ به رقم کم‌سابقه‌ی ۹ درصد رسید.

بررسی‌ها نشان می‌دهد افزایش قیمت‌های جهانی کالاهای غیرسوختی از نیمه‌ی دوم سال ۱۳۹۵ و در نتیجه افزایش شاخص قیمت کالاهای وارداتی و رشد نقدینگی و همچنین کاهش محدود در نرخ سود بانکی از جمله عوامل تأثیرگذار بر افزایش تورم از نیمه‌ی دوم سال ۱۳۹۵ و تداوم این روند در سال ۱۳۹۶ بوده است، در سال ۱۳۹۶ عواملی نظیر تخلیه‌ی تدریجی آثار رشد نقدینگی در سال‌های اخیر، افزایش قیمت‌های جهانی کالاهای پایه، افزایش نسبی قیمت مسکن و تأثیر آن بر نرخ اجاره‌بها ارز و همچنین افزایش روند نزولی نرخ تورم که از نیمه‌های سال ۱۳۹۲ آغاز و تا سال ۱۳۹۵ ادامه داشت، متوقف گردید و نرخ تورم با $۰/۶$ واحد درصد افزایش نسبت به سال قبل $۹/۶$ درصد در پایان سال ۱۳۹۶ بالغ گردید.

در سال ۱۳۹۷، به دلیل افزایش قیمت کالاهای وارداتی و نوسانات شدید نرخ ارز و تأثیر آن بر قیمت تولیدکننده شاهد افزایش نرخ تورم در این سال بوده‌ایم. همچنین روند رشد نقدینگی در کشور، مهم‌ترین عامل افزایش نرخ تورم در این سال تلقی شده و پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد در خلال سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ به دلیل کاهش سرعت نقدینگی و رکود موجود، شکاف بین نرخ رشد نقدینگی و نرخ تورم افزایش یافته بود و در حالی که دولت همچنان به خلق نقدینگی ادامه می‌داد، انجماد قیمت‌ها باعث تشکیل انباره نقدینگی و آزاد شدن یکباره‌ی قدرت مخرب آن شد که قسمت اعظمی از این انرژی، در تورم سال ۱۳۹۷ قابل لمس بود.

با توجه به افزایش سرعت گردش پول به دلایل متعددی از جمله جهش ارزی (اصطلاحاً «داغ شدن پول») (پولی است که دست دارنده‌ی آن را می‌سوزاند و فرد به جای نگهداری آن، برای خرید کالاها و چیزهای کم‌خطر پول را از خودش دور می‌کند) موجب شد تا همین نقدینگی موجود نیز با سرعت بیشتری در اقتصاد گردش کند و البته فرارفتن بازدهی خرید و نگهداری دارایی‌های مصرفی - به واسطه‌ی تورم - و در کنار آن، سرکوب نرخ سود سپرده‌ها، صاحبان این سپرده‌ها را به خروج از بانک‌ها و تزریق نقدینگی به بازارها ترغیب کرد.

۳-۵. رکود تورمی در ایران

رکود تورمی شرایطی است که در آن سطح قیمت‌ها و بیکاری توامان افزایش می‌یابد. دلیل رکود تورمی از منظر اقتصاد کلان، کاهش عرضه‌ی کل بیشتر از افزایش تقاضای کل است، بنابراین اگرچه از منظر مطالعات کاربردی انجام‌شده درخصوص رکود تورمی اجماع وجود ندارد و با توجه به شرایط حاکم بر اقتصاد هر کشور باید راهکار خاص آن تحلیل شود، اما می‌توان نوسانات قیمت نفت، اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی توسط دولت، خلق اعتبار مازاد بر تولید و بهره‌وری پایین نیروی کار را به‌عنوان مهم‌ترین دلایل مشاهده شده از رکود تورمی برپایه‌ی تجارب و مطالعات جهانی نام برد. با توجه به روند آمارهای

کلان در اقتصاد ایران مشاهده می‌شود که هر کدام از دلایل مذکور می‌توانند عامل اصلی بروز رکود تورمی در اقتصاد ایران باشند. تشخیص سهم آن‌ها در بروز این پدیده، راهکارها و راهبردهای خاصی را برای برنامه‌ریزی اقتصادی به صورت عام و مقام پولی به صورت خاص دربر خواهد داشت.

طی نیم‌قرن اخیر، اقتصاد ایران بارها دچار رکود تورمی شده است. با کمی اغماض و برای سادگی مساله، می‌توان هفت دوره‌ی رکود تورمی را طی نیم‌قرن اخیر در اقتصاد ایران شناسایی کرد. ریشه و منشأ رکود تورمی در این هفت دوره، تفاوت‌های بسیاری با یکدیگر دارد که به اختصار در زیر توضیح داده می‌شود.

دوره‌ی اول: در میانه‌ی دهه‌ی ۵۰ اقتصاد ایران بعد از مدت‌ها ثبات قیمت‌ها و رونق اقتصادی، دچار رکود تورمی شد که دلیل اصلی آن جهش شدید در نقدینگی بود.

دوره‌ی دوم: رکود تورمی سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ را می‌توان ناشی از شوک معکوس طرف عرضه دانست که متأثر از تحولات سیاسی آن دوره و شرایط آغاز جنگ تحمیلی و ملی کردن بنگاه‌های بزرگ و تعطیلی برخی کارگاه‌های صنعتی بود.

دوره‌ی سوم: رکود تورمی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷ را نیز می‌توان همانند دوره‌ی قبل، ناشی از شوک معکوس طرف عرضه دانست. در آن سال‌ها از یک طرف در اثر جنگ تحمیلی زیرساخت‌های موجود در کشور آسیب دیده بود و از طرف دیگر در اثر کاهش درآمدهای دولت و سهم بالای هزینه‌های جنگ، میزان سرمایه‌گذاری‌های دولتی کاهش شدیدی پیدا کرده بود.

دوره‌ی چهارم: در نیمه‌ی نخست دهه‌ی ۷۰ بار دیگر رکود تورمی در اقتصاد ایران اتفاق افتاد ولی برخلاف دو دوره‌ی قبل، منشأ آن شوک طرف تقاضا بود.

دوره‌ی پنجم: در سال ۱۳۸۷ نوعی از رکود تورمی اتفاق افتاد که تا حدودی می‌توان ناشی از شوک تقاضا و رشد بالای نقدینگی انباشته‌شده از چند سال قبل دانست.

دوره‌ی ششم: سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، دوران سختی برای اقتصاد ایران بود. از یک سو ظرفیت تولید کشور در اثر کاهش نرخ سرمایه‌گذاری تضعیف شده بود و از طرف دیگر در اثر تحریم‌های خارجی، کاهش شدیدی در تولید نفت رخ داد و روند واردات مواد اولیه نیز دچار مشکل شد. در نتیجه اقتصاد کشور وارد رکود عمیق شد.

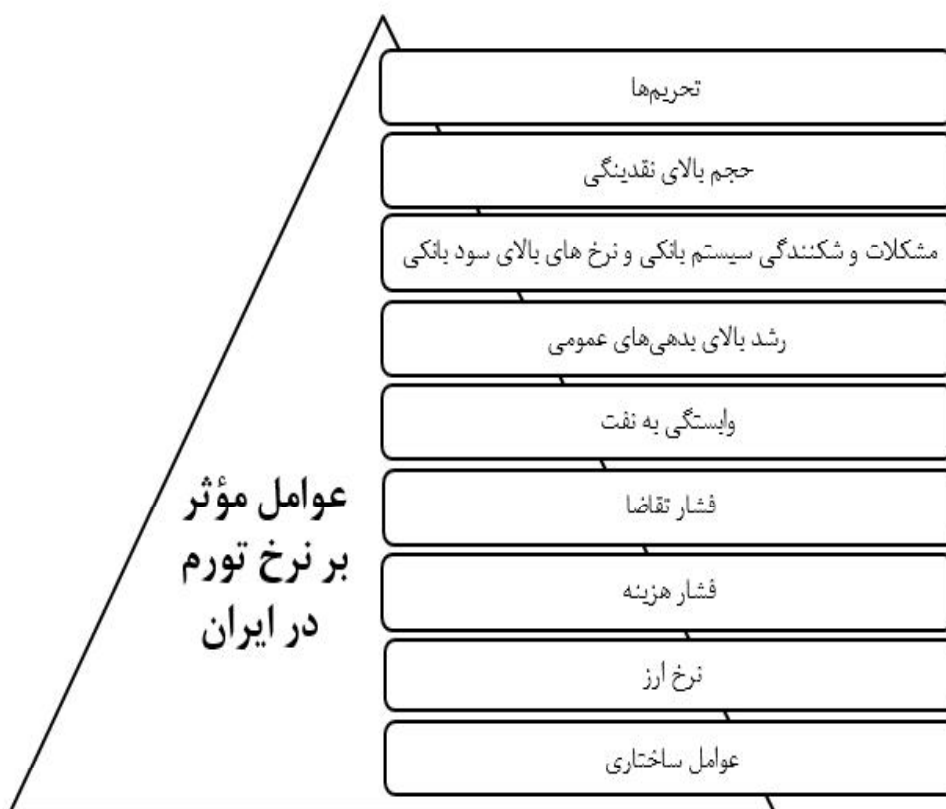
دوره‌ی هفتم: شواهد نشان می‌دهد اقتصاد ایران وارد دور جدیدی از رکود تورمی شده است. این دوره دست‌کم سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ را دربر بگیرد.

بخشی از تورم رکودی در اقتصاد ایران به دلیل پایین بودن بهره‌وری نیروی کار است. توجه ویژه به سیاست‌های افزایش و ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی و سمت عرضه‌ی اقتصاد از جمله اقتصاد دانش‌بنیان ضروری است (باستانی‌فر و میرزایی، ۱۳۹۳). مهم‌ترین راحل‌های مقابله با رکود تورمی در ایران می‌تواند

انضباط مالی دولت از طریق تنظیم صحیح بودجه و اجتناب از تداوم بیشتر کسری بودجه، کنترل و کاهش هزینه‌های جاری دستگاه‌ها، نحوه‌ی استفاده از دلارهای نفتی به‌گونه‌ای که موجب افزایش پایه‌ی پولی و بالتبع آن افزایش نقدینگی نشود.

۴-۵. عوامل مؤثر بر تورم در ایران

تورم پدیده‌ای نسبتاً بلندمدت در اقتصاد ایران بوده و بالا گرفتن نرخ تورم در سال‌های اخیر به یکی از اساسی‌ترین مشکلات کشور تبدیل شده است. بنابراین شناخت عوامل مؤثر بر تورم از اهمیت زیادی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی برخوردار بوده و نیازمند مطالعاتی گسترده در این زمینه و در ایجاد این پدیده است که در این بخش به مواردی از آن‌ها اشاره می‌شود.

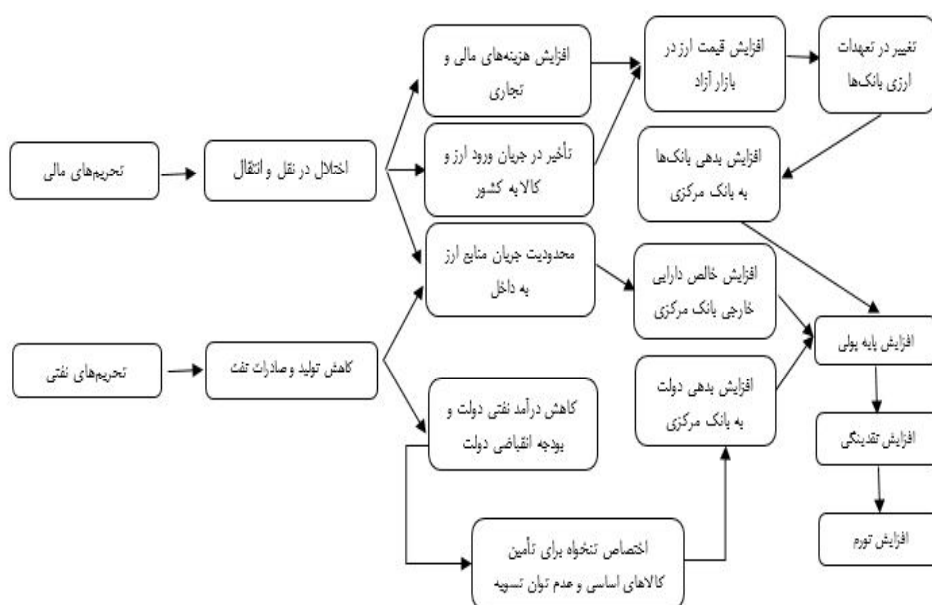


نمودار ۳: عوامل مؤثر بر نرخ تورم در ایران

* تحریم‌ها

گرچه تحریم‌های اقتصادی سابقه‌ی طولانی در حیات بشری دارند اما در قرن معاصر ابعاد آن گسترده‌تر و شمار آن افزایش یافته است. کشور ایران در دوره‌ی معاصر اولین بار در دهه‌ی ۱۳۳۰ به‌علت «نهضت

ملی شدن صنعت نفت» از سوی انگلستان تحریم شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به دلیل تسخیر سفارت آمریکا پیوسته از سوی آمریکا مورد تحریم قرار گرفته است. اما دور جدید تحریم‌های اقتصادی علیه ایران از نیمه‌ی دهه‌ی ۱۳۸۰ آغاز و در سال ۱۳۹۰ به بهانه‌های فعالیت‌های هسته‌ای و حقوق بشر به اوج خود رسید. تحریم‌های اقتصادی دارای پیامدهای مختلفی هستند لذا اقتصاد تحریم به‌عنوان شاخه‌ای از علم اقتصاد و اقتصاد سیاسی گسترش یافته است. هدف اصلی از تحریم‌های اقتصادی معمولاً محدود کردن تجارت و تامین مالی خارجی است که با هدف تحت فشار قرار دادن یک کشور خاص و یا افراد خاصی، برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی و امنیت بین‌المللی اعمال می‌شود (Akbari fard, alaei, 2014). تورم به‌معنای افزایش پایدار سطح عمومی قیمت‌ها با فشار بر جامعه و مردم، یکی از پیامدهای مورد انتظار تحریم‌کنندگان است. چرا که از نظر آنان زمینه‌ساز اعمال فشار مردم به دولتمردان جهت تغییر رفتار آنان می‌شود (مرادی، ۱۳۹۳). در نمودار ۳، مدل مفهومی اثرگذاری تحریم بر تورم نشان داده شده است (اخوی و حسینی، ۱۳۹۶).



نمودار ۳: نمودار مفهومی اثرگذاری تحریم‌ها بر تورم اقتصاد ایران

تحریم‌ها به دو دسته‌ی: تحریم‌های مالی و تحریم‌های نفتی تقسیم شده است. تحریم‌های مالی با اثرگذاری بر اختلال در نقل و انتقال ارز موجب افزایش قیمت ارز در بازار آزاد می‌شود. این افزایش منجر به تغییر در تعهدات ارزی بانک‌ها و نیاز به سرمایه در گردش بیشتر می‌شود. از این‌رو میزان بدهی بانک به بانک

مرکزی افزایش می‌یابد. از سوی دیگر اختلال در نقل و انتقال ارز موجب محدودیت جریان منابع ارزی به داخل کشور می‌شود. در نتیجه این فرآیند، خالص دارایی خارجی بانک مرکزی افزایش می‌یابد. تحریم‌های نفتی نیز موجب کاهش میزان تولید نفت و صادرات آن می‌شود. کاهش درآمدهای نفتی، دولت را مجبور می‌کند که به‌سراغ تنخواه از بانک مرکزی برای مقاصد چون تأمین کالاهای اساسی رود. از این‌رو میزان بدهی دولت به بانک مرکزی افزایش می‌یابد. افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی، بدهی دولت به بانک مرکزی و دارایی‌های خارجی بانک مرکزی منجر به افزایش پایه پولی و در نهایت منجر به افزایش نقدینگی می‌شود. نقدینگی و تورم نیز ارتباط مستقیم دارند. انتظار می‌رود افزایش نقدینگی منجر به افزایش تورم شود.

* حجم بالای نقدینگی

از جمله دلایل اصلی تورم در اقتصاد ایران، حجم بالای نقدینگی است. مهم‌ترین تبعات منفی رشد نقدینگی، افزایش سطح عمومی قیمت‌هاست. زیرا افزایش نقدینگی باعث افزایش تقاضا شده و در صورتی که طرف عرضه اقتصاد جوابگوی افزایش تقاضا نباشد، تورم در جامعه افزایش خواهد یافت. فریدمن (۱۹۶۸) معتقد است که تورم همیشه و در همه‌جا یک پدیده پولی است. هر چند صحت این نظریه در بسیاری از کشورها به اثبات رسیده است ولی مطالعات در ایران حاکی از آن است که عوامل پولی فقط بخشی از تغییرات تورم را توضیح می‌دهد. همچنین براساس آمار موجود، رابطه‌ی بین تورم و نقدینگی در ایران در دوره‌های مختلف متفاوت بوده است. در پژوهشی که توسط اصغری و کازرونی (۱۳۸۱) صورت گرفت، نشان دادند که تورم و رشد پول، همگرا هستند و در بلندمدت یک درصد افزایش در رشد پول، موجب افزایش تورم به میزان ۰/۹ درصد می‌شود. یا در مطالعه‌ی دیگری که توسط طیب‌نیا و تقی‌ملایی (۱۳۸۹) انجام گرفت، نشان دادند که در بلندمدت مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده‌ی تورم در کشور، رشد بالای حجم نقدینگی است. به‌طوری که ۱۰ درصد رشد حجم نقدینگی، باعث رشد قیمت‌ها به میزان ۳/۵ درصد در بلندمدت خواهد شد. همچنین اسلامی‌بیدگلی و باجلان (۱۳۸۷) در مطالعه‌ی دیگری به آزمون نظریه‌ی مقداری پول در ایران و تبیین پولی یا غیرپولی بودن پدیده‌ی تورم در ایران پرداخته‌اند. نتایج پژوهش مذکور نشان می‌دهد:

* گرچه ارتباط بین تورم و نقدینگی یک‌به‌یک و درصد تغییرات تورم، با درصد تغییرات در حجم نقدینگی برابر نیست؛ اما بیش از ۴۰ درصد تورم را می‌توان ناشی از تغییرات حجم نقدینگی دانست.

* اثر تزریق نقدینگی بر اقتصاد کشور، در یک دوره ظاهر نمی‌شود، بلکه در دوره‌های بعدی نیز اثر آن تداوم می‌یابد. این موضوع نشان می‌دهد که کنترل حجم پول در زمان حال، می‌تواند به کنترل قیمت‌ها در زمان آتی منجر شود. بنابراین حجم نقدینگی مهم‌ترین عاملی است که می‌تواند تورم را در ایران تبیین

کند و در سال‌های بعد از انقلاب، کسری بودجه دولت و استقراض از بانک مرکزی، عامل افزایش در حجم نقدینگی بوده است. اهمیت سیاست‌های پولی، افزایش عرضه پول در اقتصاد کشور و اسکناس و مسکوک در دست اشخاص، از قدرت تورمزایی بالاتری برخوردار هستند.

* مشکلات و شکنندگی سیستم بانکی و نرخ‌های بالای سود بانکی

به‌طور کلی می‌توان سرمایه‌گذاری را به دو بخش سرمایه‌گذاری مالی و سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت تقسیم نمود. بخش مسکن نمونه‌ای از دارایی‌های ثابت و سیستم بانکی و بازار بورس نمودی از سرمایه‌گذاری مالی می‌باشند. از این‌رو، یکی از اهداف ضمنی در انجام سرمایه‌گذاری محافظت از سرمایه در مقابل تورم است، بنابراین توجه به تورم در انتخاب نوع سرمایه‌گذاری بسیار مهم است. دارایی‌های ثابت در مقابل تورم مصون از ریسک می‌باشند، اما این موضوع در خصوص دارایی‌های مالی صدق نمی‌کند. این امر منجر به گسترش دارایی‌های ثابت افراد و کاهش دارایی‌های مالی شده است. از آن‌جا که بانک‌ها نقش تأمین نقدینگی کوتاه‌مدت و گاه بلندمدت بنگاه‌ها را دارند، کاهش دارایی‌های مالی (سپرده‌های بانکی) در مقابل دارایی‌های ثابت به دلیل عدم تکافوی نرخ سود اسمی در مقابل نرخ تورم مشکلاتی در زمینه تأمین نقدینگی، خروج سرمایه و حتی نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری به وجود می‌آورد. در این زمینه، یکی از ضروری‌ترین مقدمات، بررسی رابطه‌ی بین نرخ سود سپرده‌های بانکی و نرخ تورم و بررسی حساسیت حجم سپرده‌ها نسبت به شاخص نرخ سود و نرخ تورم است. سطح پس‌انداز در یک جامعه در فرایند رشد و توسعه اقتصادی اهمیت ویژه‌ای دارد و در بلندمدت زمینه‌ساز توسعه‌ی ظرفیت‌های تولیدی یک اقتصاد است، زیرا پس‌انداز از اصلی‌ترین منابع تأمین سرمایه‌گذاری است. یک راه جمع‌آوری پس‌انداز سپرده‌های بانکی است. می‌توان رابطه‌ی بین پس‌انداز و نرخ تورم را به اشکال مختلف تعریف نمود. به‌عنوان مثال، اگر نرخ تورم بالا باشد آثار نامطلوبی بر ثبات اقتصاد کشور به‌ویژه نرخ‌های سود داشته و منجر به کاهش نرخ پس‌انداز می‌گردد و نرخ پس‌انداز پایین باعث کاهش میزان سرمایه‌گذاری و تولید خواهد شد و کاهش تولید و وجود مازاد تقاضا در سطح اقتصاد کلان باعث افزایش نرخ تورم می‌گردد. در این زمینه لزوم شناسایی عامل مؤثر در جذب سپرده‌ها به‌خوبی احساس می‌شود.

در کنار این موارد می‌بایست به دستوری بودن نرخ سود سپرده‌های بانکی توجه نمود، به‌طوری که با توجه به شرایط اقتصادی ایران و توانایی کنترل مقامات پولی بر نرخ سود اسمی بانک‌ها آن را به یکی از مهم‌ترین ابزار اقتصادی جهت تحریک بخش واقعی اقتصاد تبدیل نموده است. در این راستا، می‌توان به قانون منطقی کردن (کاهش) نرخ سود بانکی که در سال‌های اخیر به تصویب و اجرا رسیده است اشاره نمود، این در حالی است که استدلال اصلی طراحان این است که با اجرای این قانون، نرخ تورم کاهش

می‌یابد، در حالی که منتقدان این طرح شرط اصلی کاهش نرخ سود را کاهش نرخ تورم و به تبع آن تعدیل انتظارات تورمی می‌دانند که امکان کاهش نرخ سود را فراهم می‌سازد.

رابطه‌ی علی دوطرفه بین نرخ تورم و نرخ سود برقرار می‌باشد زمانی که نرخ سود سپرده‌ها افزایش می‌یابد مردم ترجیح می‌دهند نقدینگی را در بانک‌ها نگهداری کنند و منابع مردم به سمت بانک‌ها هدایت می‌شود، زیرا نقدینگی سرگردان به سمت سفته‌بازی می‌رود و در نهایت به سمت بخش‌های مختلف اقتصادی صنایع و کشاورزی هدایت خواهد شد و با رشد تورمی مواجه نخواهیم بود، زیرا از افزایش تقاضا بدون افزایش عرضه جلوگیری می‌کند بانک‌ها به عنوان سازمان‌های مبادی اصول و به‌عنوان مکانی امن و مولد درآمد از یک‌سو نگهدارنده‌ی ثروت جامعه به‌صورت انواع سپرده‌های بانکی و از سوی دیگر تأمین‌کننده‌ی نیازهای مالی سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان وجوه به‌صورت انواع تسهیلات اعطایی از محل همان سپرده‌های به‌ودیعہ گذاشته شده نزدشان می‌باشند.

* رشد بالای بدهی‌های عمومی

افزایش مستمر هزینه‌های دولت منجر به وسیع‌تر شدن شکاف کسری مالی و به‌موجب آن استقراض دولت از منابع داخلی و خارجی می‌شود. در ایران نیز به‌دلیل مشکلات متعددی که اقتصاد طی سال‌های اخیر با آن مواجه بوده، تأمین بخشی از درآمدها و هزینه‌های دولت از طریق کسری بودجه متداول بوده است. کسری بودجه گاهی در اثر فزونی هزینه‌ها بر درآمدهای دولت در طول اجرای برنامه پدید آمده است، گرچه اصل بودجه (بودجه‌ی پیش‌بینی‌شده) متعادل بوده است (سرآبادانی، ۱۳۸۳). منابع تأمین کسری بودجه دولت از سه طریق استقراض از خارج، استقراض داخلی (انتشار اوراق قرضه) و استقراض از نظام بانکی تأمین می‌شود. اگر کسری بودجه از طریق استقراض خارجی تأمین شود، ممکن است به کسری حساب جاری و حتی بحران بدهی‌های خارجی منجر شود. اگر تأمین کسری بودجه از طریق استقراض داخلی باشد باعث افزایش نرخ بهره خواهد شد و به‌دنبال آن سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و رشد اقتصادی کاهش می‌یابد. سرانجام اگر کسری بودجه از طریق استقراض از نظام بانکی تأمین شود، این موضوع به‌دلیل افزایش نقدینگی و به‌دنبال آن افزایش تقاضای کل ممکن است آثار نامناسب اقتصادی مانند تورم را به‌همراه داشته باشد (مولایی و گلخندان، ۱۳۹۳).

بدهی‌های عمومی که به‌عنوان بدهی‌های دولتی و ملی شناخته می‌شود در حقیقت بدهی‌های دولت مرکزی است. کسری بودجه‌ی بالا موجب بدهی عمومی سنگینی می‌شود. بدهی دولتی، ناشی از سوءمدیریت است و ناپایدار بودن آن مشکل محسوب می‌شود (فتاحی، حیدری‌دیزگرانی، و عسگری، ۱۳۹۳). تورم و کاهش ارزش پول موجب کاهش قدرت خرید دولت می‌گردد و دولت نیز مانند سایر مصرف‌کنندگان مجبور است برای تأمین هزینه‌های جاری و عمرانی خود کالاها و خدمات موردنیاز خود را

گران‌تر از گذشته خریداری کند. همچنین در شرایط تورمی، دولت ناچار است دستمزد و حقوق کارمندان خود را همراه با افزایش قیمت‌ها هر چند یک‌بار افزایش دهد. اگرچه در دوران تورم، درآمد دولت نیز افزایش می‌یابد ولی امکان افزایش مالیات‌های مستقیم متناسب با تورم وجود ندارد و مالیات‌های غیر مستقیم افزایش می‌یابد.

* وابستگی به نفت

صدور نفت خام برای سالیان متمادی، باعث وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای ارزی حاصل از فروش این ماده‌ی طبیعی شده است. به طوری که تمام فعالیت‌های اقتصادی، از جمله فعالیت بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، به صادرات این محصول ارتباط پیدا نموده است (نعمت‌اللهی و مجدزاده طباطبایی، ۱۳۸۸).

یکی از ویژگی‌های اغلب کشورهای صادرکننده نفت نظیر ایران، وابستگی ساختار اقتصادی آنان به درآمدهای (منابع) حاصل از صادرات نفت است که این وضعیت موجب تأثیرپذیری از شرایط رکود یا رونق حاکم بر اقتصاد جهانی می‌شود (نوفرستی و جلوی، ۱۳۹۱). در ایران (همانند برخی از کشورهای صادرکننده نفت)، درآمدهای نفتی یا به شکل کامل و یا بخشی از آن در دست دولت قرار دارد و دولت‌های مزبور نیز از طریق اعمال سیاست‌های مالی (افزایش مخارج دولتی و کاهش درآمدهای مالیاتی)، درآمدهای مذکور را به اقتصاد تزریق می‌کنند. بنابراین، اثر درآمدهای نفتی بر اقتصاد کشورهای صادرکننده نفت از طریق سیاست مالی در اقتصاد جریان می‌یابد و با توجه به وابستگی بسیار زیاد بودجه‌ی دولت و اعمال سیاست‌های مالی در اغلب این کشورها به نفت، درآمدهای نفتی در این کشورها از اهمیت بسیار زیادی برخوردار می‌باشد (التجائی و ارباب‌افضلی، ۱۳۹۱).

علاوه بر این، بخشی از درآمدهای نفتی که از طریق بودجه وارد اقتصاد می‌شود، می‌بایست توسط بانک مرکزی در بازار ارز داخلی به فروش رسیده و به پول ملی تبدیل شود، اما از آن‌جا که بخشی از این ارز در بازار داخلی به فروش نمی‌رسد، خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی افزایش خواهد یافت که منجر به افزایش منابع پایه‌ی پولی شده و متعاقب آن حجم نقدینگی در اقتصاد افزایش می‌یابد که این وضعیت مترادف با سیاست پولی انبساطی (نقدینگی) است (کميجانی و توکلیان، ۱۳۹۱).

همچنین یک عامل موثر دیگر در این زمینه، افزایش ارزش پول ملی کشورهای صادرکننده نفت است که در نتیجه‌ی تزریق ارز حاصل از صادرات نفت به بازار ارز داخلی به وقوع می‌پیوندد. علاوه بر این، کاهش ارزش پول کشور ناشی از بروز شوک منفی نفتی، قیمت واردات و در نتیجه، هزینه‌ی نهاده‌های وارداتی را افزایش و تولید و قیمت‌های داخلی را به تبع آن تحت تأثیر قرار می‌دهد. لذا افزایش قیمت

واردات به واسطه‌ی کاهش ارزش پول داخلی یکی از دلایل افزایش تورم داخلی و تضعیف رابطه مبادله می‌باشد (پاشایی‌فام، پازوکی، و امیرخانی، ۱۳۹۲).

* فشار تقاضا

وقتی تقاضای کل در جامعه نسبت به عرضه‌ی کل در حالت اشتغال کامل، فزونی یابد، سطح عمومی قیمت‌ها افزایش می‌یابد. علت این افزایش را باید در دو بخش واقعی و پولی اقتصاد بررسی کرد. در بخش واقعی، عواملی چون افزایش مخارج مصرف‌کننده، افزایش مخارج سرمایه‌گذاری، افزایش صادرات و کاهش واردات می‌توانند باعث افزایش تقاضا شوند (تفضلی، ۱۳۷۵). از طرف دیگر، افزایش تقاضا می‌تواند نتیجه عامل پولی باشد. مکتب پولی می‌گوید: رابطه علی بین افزایش عرضه‌ی پول و افزایش نرخ تورم وجود دارد و این رابطه‌ی بین آن دو متناسب است؛ یعنی تغییر عرضه‌ی پول هر مقداری باشد به همان نسبت قیمت‌ها نیز افزایش می‌یابند (منکیو، ۱۳۷۴). در رابطه با سابقه‌ی تاریخی این موضوع در ایران می‌توان به سال ۱۳۵۳ که تورم نسبت به سال‌های قبل بیش از ۱۰ درصد افزایش یافته بود اشاره کرد. استدلالی که می‌توان برای آن آورد این است که در سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲ کشتی‌های زیادی چندماه در نوبت تخلیه‌ی کالا در بنادر ایران بودند و از طرف دیگر افزایش یک‌دفعه درآمدها در داخل کشور و افزایش فشار تقاضا، باعث افزایش قیمت‌ها و کمبود در بازار گردید.

* فشار هزینه

تورم ناشی از فشار هزینه‌های تولید نیز به افزایش مواد اولیه و یا افزایش حقوق و دستمزد نسبت داده می‌شود. مثال بارز این نوع تورم را می‌توان در کشورهای صنعتی پس از افزایش قیمت نفت در سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۸ مشاهده کرد. به‌طور کلی دو دلیل برای تورم وجود دارد: الف. افزایش قیمت نهاده‌ها (نیروی کار، انرژی و ...) و ب. کاهش عرضه‌ی مواد اولیه.

در توضیح کاهش عرضه‌ی مواد اولیه و اثرگذاری بر تورم می‌توان گفت، اگر به هر دلیلی عرضه‌ی مواد اولیه کاهش یابند و یا قیمت مواد واسطه‌ای افزایش یابند، این شوک وارده به نهاده‌های تولید باعث افزایش هزینه‌های تولید و کاهش عرضه کل می‌شود. برای این شوک می‌توان به مسایلی مانند خشکسالی، تحریم و ... اشاره کرد (طیب‌نیا، ۱۳۷۴).

عرضه‌کننده به دلیل افزایش هزینه‌های تولید، قیمت کالای خود را افزایش و تولیدش را کاهش می‌دهد و به تبع این وضعیت تولیدکننده سعی بر جایگزینی نهاده‌ها می‌نماید و تقاضای کار افزایش خواهد یافت. در نتیجه ممکن است علی‌رغم کاهش تولید، دستمزدها افزایش یابد. البته افزایش قیمت‌ها یا هزینه‌ی تمام‌شده تولید کالا و خدمات می‌تواند دلایل دیگری نیاز داشته باشد، از جمله: افزایش اجاره‌بها توسط صاحبان اراضی و مستغلات، افزایش نرخ بهره‌ی وام‌ها و غیره. از آن‌جا که این عوامل در فرآیند تولید به کار

گرفته می‌شوند، موجب افزایش هزینه‌ی تمام‌شده تولید کالا و در نهایت ایجاد و یا تشدید تورم فشار هزینه خواهد شد (رجبی، ۱۳۹۲).

کانال تجارت خارجی نیز می‌تواند مسیری برای تورم از طریق فشار هزینه باشد. افزایش قیمت‌ها در کشورهای شریک تجارت خارجی منجر به افزایش قیمت کالاهای وارداتی مانند مواد اولیه، ماشین‌آلات و غیره می‌شود. همچنین پدیده‌هایی مانند تحریم‌های اقتصادی موجب می‌شود، که این‌گونه کالاها از بازار سیاه و یا از طریق چند واسطه تهیه شود، که این فرآیند مستلزم خرید با قیمت بالاتر است. از آن‌جا که این‌گونه کالاها در فرآیند تولید به‌کار گرفته می‌شوند، هزینه‌ی تولید نیز افزایش خواهد یافت. افزایش هزینه‌های تولید در داخل به‌واسطه‌ی کاهش ارزش پول ملی نیز به نوعی تورم از نوع فشار هزینه است (اخوی و حسینی، ۱۳۹۶).

در طی دوره‌ی ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ متغیرهای نرخ تورم و همچنین نرخ رشد متغیرهای اعتباری و پولی دچار افزایش شدید شدند، این امر ناشی از این عامل عمده بوده است: عامل اول، در این دوران در سطح جهانی نیز نرخ تورم افزایش یافت، چون بخش عمده‌ای از کالاهای واسط و مواد اولیه از دنیای خارج تأمین می‌شد، افزایش قیمت‌های جهانی به افزایش قیمت‌های داخلی و در نتیجه افزایش نیاز به منابع مالی منجر شد. عامل دوم که به تشدید تورم کمک کرد افزایش هزینه‌های عمرانی در قالب طرح‌های عمرانی (سیاست بازسازی) بود.

در دوره‌ی ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵، یکی از این عوامل، افزایش تدریجی نرخ ارز بود. به‌تدریج تأمین بخش بیشتری از ارز مورد نیاز شرکت‌های دولتی و بخش غیردولتی برای تأمین کالاهای سرمایه‌ای و مواد اولیه به نرخ ارز بازار آزاد صورت گرفت. همین موضوع سبب افزایش نیاز سرمایه در گردش بنگاه‌ها شد و تقاضای اعتبار را افزایش داد و به دنبال آن نیز متغیرهای پولی افزایش یافتند (فرزین‌وش و رحمانی، ۱۳۷۹).

* نرخ ارز

نرخ ارز به‌عنوان معیار ارزش برابری پول ملی یک کشور در برابر پول کشورهای دیگر منعکس‌کننده‌ی وضعیت اقتصادی آن کشور در مقایسه با شرایط اقتصادی سایر کشورهاست. نرخ ارز آیینیه‌ی اقتصاد یک کشور در مقابل سایر کشورها در محیط اقتصاد بین‌الملل است (حلافی، اقبالی، و گسگری، ۱۳۸۳). نرخ ارز جزء مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده‌ی قیمت مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای، تجهیزات سرمایه‌ای و کالاهای نهایی است و با توجه به وابستگی بالای تولید و مصرف به واردات، به‌نظر می‌رسد در شکل‌گیری فشارهای تورمی موثر باشد (ارشدی، ۱۳۸۳). به‌عبارت دیگر، واردات کالاهای خارجی از جمله‌ی عوامل افزایش قیمت‌ها در ایران بوده است. افزایش قیمت کالاهای مصرفی خارجی به‌طور مستقیم روی شاخص قیمت‌ها اثر گذاشته و آن را افزایش می‌دهد (Alesina & Drazen, 1991).

با توجه به این‌که با افزایش نرخ ارز و به‌دنبال آن کاهش ارزش پول ملی، قیمت واردات و در نتیجه هزینه‌های وارداتی افزایش می‌یابد، افزایش قیمت واردات به‌واسطه‌ی کاهش ارزش پول ملی می‌تواند یکی از عوامل ایجاد تورم داخلی باشد، یعنی تورم ناشی از افزایش ارزش واردات، که شدت و ضعف آن نیز به‌میزان واردات کالاها و خدمات در جامعه نسبت داده می‌شود و از طرف دیگر، تورم ایجادشده در اثر کاهش ارزش پول ملی، توان واحدهای تولیدی در حفظ ارزش واقعی منابع را کاهش می‌دهد، به‌همین دلیل نوسان‌های نرخ ارز و اثر آن بر متغیرهای کلان اقتصادی از جمله تورم، همواره مورد توجه سیاست‌گذاران اقتصادی بوده است (طیبی و ترکی، ۱۳۸۵). اقتصاد ایران هم مرتبط با اقتصاد جهانی است و سطح قیمت‌های داخلی نمی‌تواند نسبت به خارجی تکانه‌های که شامل نوسان‌های قیمت نفت، افزایش یا کاهش نرخ ارز و تغییر قیمت‌های واردات است، مصون بماند.

* عوامل ساختاری

تورم ساختاری بدان معنی است که به‌دلیل وضعیت مربوط به ساختار اقتصادی، سیاسی، حکومتی، فرهنگی و غیره تورم بروز کرده و تداوم می‌یابد. در واقع این نوع تورم علی‌رغم این‌که در نهایت خود را به‌صورت تورم فشار تقاضا و هزینه نشان می‌دهد، اما یک توضیح ساده ندارد، بلکه عوامل گوناگون و اغلب پیچیده‌ای در ایجاد و تداوم آن نقش دارند. تورم ساختاری عمدتاً خاص کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه از جمله ایران است. در توضیح تورم ساختاری به عواملی از قبیل کمبود زیربنای و زیرساخت‌های اقتصادی، گسترده بودن بخش دولتی و تضعیف بخش خصوصی یا وجود قوانین و مقررات بازدارنده‌ی فعالیت‌های تولیدی بخش خصوصی، کسری بودجه مداوم در حال گسترش دولت، گستردگی بخش خدمات نامتناسب با نیاز این‌گونه جوامع که عمدتاً در سرویس‌دهی به بخش گسترده دولت رشد می‌کند، گسترش بی‌رویه و شدید شهرنشینی، رشد سریع جمعیت و مواردی از این دست اشاره کرد.

به‌عبارتی فرایند صنعتی شدن و توسعه‌ی زندگی شهری، تقاضا برای محصولات کشاورزی و کالاهای تجاری را افزایش می‌دهد؛ اما به‌دلیل تنگناهای موجود در این بخش‌ها، امکان افزایش متناسب تولید وجود نداشته و لذا قیمت نسبی محصولات مربوطه افزایش می‌یابد. این افزایش قیمت در مرحله‌ی دوم به سایر بخش‌های اقتصادی سرایت می‌کند. افزایش ایجادشده در سطح عمومی قیمت‌ها ناشی از عوامل ساختاری، با افزایش دادن تقاضای پول و نرخ بهره، آثار نامطلوبی روی سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی خواهد داشت. ضمن این‌که کاهش قدرت خرید دولت ناشی از تورم، و افزایش کسری بودجه و تأمین آن از طریق استقراض از بانک مرکزی عرضه‌ی پول را در جامعه افزایش داده و تورم را می‌افزاید (قدیری‌اصل، ۱۳۷۶).

۵-۵. مروری بر تورم ایران و جهان

پدیده‌ی تورم در بیشتر کشورهای جهان، کم و بیش وجود دارد اما نرخ آن در جوامع و زمان‌های گوناگون فرق می‌کند. این پدیده در کشورهای توسعه‌یافته کمتر مشکل‌آفرین می‌باشد زیرا این کشورها گرفتار تورم شدید و مزمن نیستند؛ اما کشورهای درحال توسعه با تورم‌های شدید مواجهند که آثار منفی بسیاری مانند افزایش نابرابری در توزیع درآمد، افزایش مصرف، کاهش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، انحراف منابع به تولید کالاها و خدمات غیرضروری، کاهش رشد اقتصادی و گسترش انواع فسادهای مالی و اداری را به دنبال دارد.

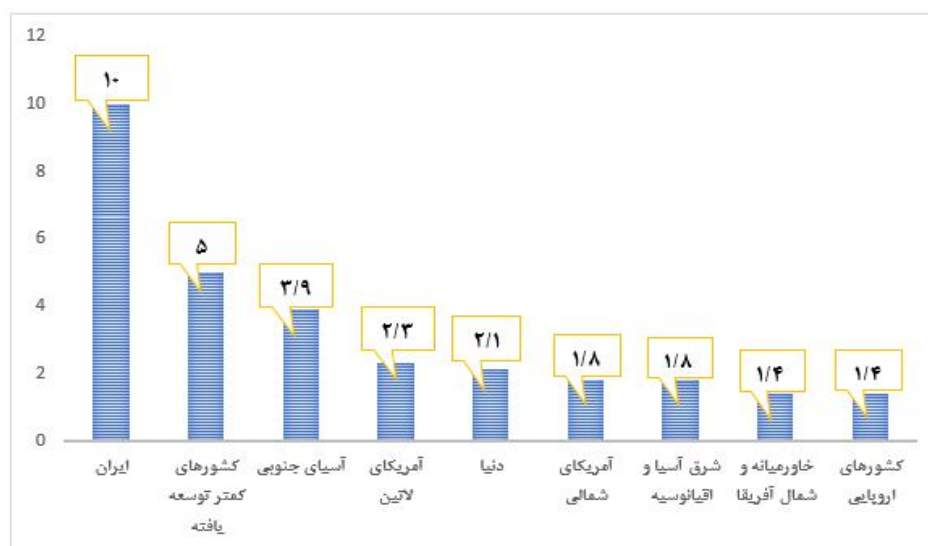
تورم به دلیل هزینه‌های انکارناپذیر آن بر وضعیت ثبات اقتصاد و توزیع درآمد، همواره مورد نکوهش بوده است و اقتصادهای مختلف دنیا نیز در حال حاضر موفق به مهار آن شده‌اند و تنها تعداد معدودی از کشورها که عموماً کشورهای بی‌ثباتی یا خارجی هستند، هنوز با تورم دست‌وپنجه نرم می‌کنند، بررسی‌ها نشان می‌دهد که تورم در اقتصاد ایران فاصله قابل توجهی با متوسط جهانی دارد.

تورم بالا و تورم مزمن تأثیرات بسیاری بر ریسک اقتصاد، بی‌ثباتی و سایر مؤلفه‌های اقتصادی دارد، اما یکی از دلایل اصلی پیامدهای منفی تورم بر وضعیت اقتصادی را می‌توان کاهش توان رقابتی کشوری که دارای تورم بالاست، دانست. هدایت کردن اقتصاد تحت هر شرایطی که تورم ما بسیار بالاتر از سایر کشورهاست، کار دشواری است زیرا همواره تولیدکننده‌ی خارجی با هزینه‌های کمتری برای تولید مواجه است و در نتیجه می‌تواند کالای خود را با قیمت کمتری عرضه کند و این به معنای کاهش مداوم توان رقابتی تولیدی کشور است که مقاومت اقتصاد را کاهش داده و اقتصاد را در برابر شوک‌های خارجی آسیب‌پذیر می‌کند، لذا جهت مقاوم‌سازی اقتصاد در برابر شوک‌های خارجی، چاره‌ای جز هماهنگ شدن تورم با متوسط تورم جهانی وجود ندارد. به عبارت دیگر، تورم یک پدیده‌ی جهانی به شمار می‌رود و ایران نیز طبیعتاً از آثار تورم بین‌المللی متأثر است. همان‌طور که در جدول ذیل مشخص است، نرخ تورم اعلام شده برای ایران در مقایسه با میانگن تورم جهانی بسیار بالاست و تورم کمی تلقی نمی‌شود. از سال ۲۰۰۷ به بعد ایران در بین رتبه‌های اول تا دهم تورم در بین کشورهای مختلف دنیا بوده است (هر چند که در بعضی از سال‌ها از جمله در سال ۲۰۱۶ ایران رتبه ۲۳ را در اختیار داشت).

سال	تورم در ایران	میانگین تورم جهانی
۲۰۰۷	۱۷/۳۴	۴/۸۱
۲۰۰۸	۲۵/۴۱	۸/۷۵
۲۰۰۹	۱۳/۵۵	۲/۹۲
۲۰۱۰	۱۰/۰۸	۳/۲۸
۲۰۱۱	۲۰/۸۶	۴/۸۰
۲۰۱۲	۲۷/۳	۳/۷۳
۲۰۱۳	۳۹/۲۶	۲/۶۱
۲۰۱۴	۱۷/۲۳	۲/۲۳
۲۰۱۵	۱۳/۷۱	۱/۴۰
۲۰۱۶	۸/۵۷	۱/۴۲
۲۰۱۷	۹/۹۸	۲/۱۷
۲۰۱۸	۲۹/۵۰	۲/۵۰

روند افزایش سریع قیمت‌ها در سال ۲۰۱۱ و هم‌زمان با تشدید تحریم‌های خارجی بار دیگر آغاز شد و در سال ۲۰۱۳ به حدود ۳۹/۲۶ درصد رسید و هم‌زمان با کاهش عواید نفتی و کمبود منابع دولتی، رکود عمیقی را نیز پدید آورد. در طی این سال‌ها با وجود کاهش نرخ تورم در ایران و حتی دستیابی به رقم ۸/۵۷ درصدی در سال ۲۰۱۶، هم‌چنان نرخ تورم ایران بالا بود که این موضوع نشان از کاهش قدرت رقابت ایران در مقایسه با سایر کشورهای دنیا داشت. به‌عبارت دیگر هر چند می‌توان بخشی از تورم را ناشی از تأثیرات بین‌المللی بر اقتصاد ایران و نیز مسایل سیاسی ناشی از تحریم‌ها دانست و توجیه کرد اما نمی‌توان سهم دولت را در تحمیل این تورم در ایران نادیده گرفت. به‌طوری‌که افزایش حجم نقدینگی یکی از عوامل بسیار مهم و اثرگذار در افزایش نرخ تورم در ایران بوده است. بنابراین اعمال سیاست‌های مرتبط با کاهش تورم و دستیابی به تورم پایدار و تکریمی از ملزومات اصلی اقتصاد ایران است (The Bank world, 2018).

مقایسه‌ی نرخ تورم ایران با سایر کشورها در سال ۲۰۱۷



نرخ‌های بالای تورم و نوسانات قابل توجه آن در اقتصاد ایران طی چند دهه‌ی اخیر در مقایسه با عمده کشورهای جهان، نشان از عدم اجرای سیاست‌های مناسب در جهت کاهش تورم از سوی سیاست‌گذاران کشور دارد. به‌طوری‌که طبق نمودار فوق در سال ۲۰۱۷ نرخ تورم ایران در مقایسه با سایر کشورهای جهان بالا بوده است. هرچند در بازه‌هایی از زمان و به‌ویژه پس از تجربه‌ی نرخ‌های تورم بسیار بالا، اعمال سیاست‌های مقطعی در جهت کاهش تورم با تعجیل در دستور کار دولت قرار گرفته، ولی تلاش در جهت ریشه‌کن کردن این پدیده‌ی مزمن هیچگاه در برنامه‌های کلان اقتصادی کشور در اولویت قرار نداشته و یا در عمل آن‌چنان که باید مورد توجه قرار نگرفته است (Ibid).

**بخش ششم: راه‌های برون‌رفت
از تورم**

۱-۶. مقدمه

تورم یکی از متغیرهای اقتصادی است که بُعد کلان آن به وسعت کل اقتصاد است. از این رو، یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های اقتصاددانان چه از بُعد نظری و چه از بُعد تجربی و سیاسی مسأله‌ی تورم است که با کاهش نرخ آن بتوانند اوضاع اقتصادی در کشور را بهبود داده و سطح زندگی مردم را به رفاه برسانند. از آنجایی که کاهش نرخ تورم، کاهش نرخ بیکاری و افزایش رشد اقتصادی سه موضوع مهم در اقتصاد می‌باشند، شناخت عواملی که سبب ایجاد تورم شده و راه‌های مقابله با آن به عدالت اجتماعی و ثبات و رشد اقتصادی کمک خواهد کرد.

در واقع، با توجه به پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متعدد نااطمینانی در مورد تورم، همچون فقر، توزیع نامناسب درآمد و گسترش مفسد مالی و غیره، غلبه بر انحرافات اثرگذار تورم یک وظیفه‌ی مهم و چالش‌برانگیز برای سیاست‌گذاران اقتصادی است. به عبارت دیگر اهمیت توجه به تورم و جلوگیری از افزایش آن به حدی است که مسئولان اقتصادی، تورم را تنها دشمن بزرگ اقشار کم‌درآمد و آسیب‌پذیر عنوان کرده‌اند. همان‌گونه که در سال‌های اخیر درصد تورم بالا رفته همراه با آن قیمت‌ها هر سال افزایش یافته و قدرت خرید مردم کم شده است. در ایران نیز یکی از مهم‌ترین مشکلات اقتصادی طی چند دهه‌ی اخیر، پدیده تورم می‌باشد، به طوری که حل مشکلات ناشی از تورم همواره یکی از اهداف مهم برنامه‌های توسعه کشور بوده است.

۲-۶. ابزارهای کنترل تورم

دستیابی به تورم پایین و باثبات مستلزم توانایی استفاده از ابزارهای مؤثر و کارا در امر سیاست‌گذاری اقتصادی است. به طوری که کشورهای توسعه‌یافته با اجرای سیاست‌های پولی و مالی و بهبود ساختارهای اقتصادی خود اغلب در کنترل تورم موفق بوده‌اند. به طور کلی برای درمان تورم با استفاده از این ابزارها یک فرآیند تدریجی و پیوسته از طرف تقاضای کل و عرضه‌ی کل و یا ترکیبی از آن دو به کار گرفته می‌شود. سیاست‌های طرف تقاضای کل شامل سیاست‌های پولی و مالی انبساطی است. اما سیاست‌های

طرف عرضه‌ی کل شامل طیف گسترده‌ای از سیاست‌ها از قبیل افزایش واردات و بهبود فناوری از طریق واردات و یا ارتقاء حقوق مالکیت کارا است.

سیاست‌های مالی به سیاستی گفته می‌شود که از طریق ابزارهایی نظیر تغییر در هزینه‌های دولتی و مالیات سعی می‌کند به اهداف معین اقتصادی نایل گردد. به‌طور کلی سیاست‌های مالی به دو دسته‌ی سیاست مالی انبساطی و سیاست مالی انقباضی طبقه‌بندی می‌شوند:

- سیاست مالی انبساطی: در شرایط عدم اشتغال کامل و به‌ویژه در شرایط کساد بازار و اقتصاد انتخاب می‌شود و عبارت است از: افزایش مخارج دولت و کاهش مالیات‌ها به‌منظور بسط فعالیت اقتصادی و رفع شکاف انقباضی است.

- سیاست مالی انقباضی: در شرایط پراشتغالی و تورم ناشی از بهره‌برداری اضافی از منابع تولید انتخاب می‌شود و سیاست مناسبی جهت کاهش فشار تقاضا و تورم و یا رفع شکاف تورمی از طریق افزایش مالیات‌ها و کاهش مخارج دولتی به شمار می‌رود.

هم‌چنین سیاست‌های پولی به سیاستی می‌گویند که می‌خواهد از طریق تغییر و کنترل در حجم پول و تغییر در سطح و ساختار نرخ بهره و یا سایر شرایط اعطای اعتبار و تسهیلات مالی به اهداف معین اقتصادی نایل گردد. به‌طور کلی سیاست‌های پولی به دو دسته‌ی سیاست پولی انبساطی و سیاست پولی انقباضی طبقه‌بندی می‌شوند:

* سیاست پولی انبساطی: به‌منظور مقابله با رکود و دستیابی به اشتغال کامل اتخاذ می‌شود. به‌طور مثال بانک مرکزی از طریق خرید اوراق قرضه از اشخاص یا دولت باعث افزایش پایه‌ی پولی و افزایش بیشتر حجم پول می‌شود. افزایش حجم پول باعث کاهش نرخ بهره و افزایش تقاضای کل شده، در شرایط ظرفیت خالی در اقتصاد وسیله‌ای برای نیل به اشتغال کامل است.

* سیاست پولی انقباضی: به‌منظور مقابله با تورم و فشار قیمت‌ها اتخاذ می‌شود. به‌طور مثال بانک مرکزی از طریق فروش اوراق قرضه به اشخاص یا بالا بردن نرخ ذخیره قانونی حجم پول را کاهش می‌دهد. کاهش حجم پول از طریق کاهش تقاضای معاملاتی، درآمد ملی و اشتغال را کاهش داده و جلوی فشارهای تورمی را سد می‌کند.

قابل ذکر است که نکته‌ی مهم در بازار پول، پیدا کردن ریشه‌های رشد نقدینگی است. زیرا حجم نقدینگی در صورتی که مدیریت نشود، با سرعت اثر خود را روی اقتصاد ملی می‌گذارد. قاعدتاً وقتی بانک مرکزی با افزایش پایه‌ی پولی (انتشار اسکناس) مثلاً یک ریال منتشر می‌کند، این پول در اختیار مردم قرار می‌گیرد. بخشی از آن به‌صورت سپرده نزد بانک‌های تجاری نگهداری می‌شود، سپس بانک‌ها بخشی از این سپرده را به‌صورت ذخایر قانونی و اضافی نزد بانک مرکزی نگهداری می‌کنند و بخش دیگر را به

وام‌گیرندگان قرض می‌دهند. تکرار این روند پس‌انداز و استقراض پول اعتباری به‌وجود می‌آورد و فرآیند تکاثری خلق پول توسط بانک‌های تجاری را شکل می‌دهد. عواملی که سبب تغییر حجم پول می‌شود را به‌طور خلاصه می‌توان به این صورت برشمرد: ۱. تغییر پایه‌ی پولی؛ ۲. تغییر نسبت اسکناس به سپرده؛ ۳. تغییر نرخ ذخیره‌ی قانونی و ۴. تغییر نرخ ذخیره‌ی اضافی.

واضح است که هر عاملی که سبب افزایش پایه‌ی پولی شود عرضه‌ی پول را نیز افزایش می‌دهد. این ابزارها در اختیار بانک مرکزی بوده و سیستم بانکی تحت مدیریت و نظارت آن عملیات بانکی را انجام می‌دهد (Gregoriou & Kontonikas, 2006).

هم‌چنین یکی دیگر از راه‌های مقابله با تورم تحت عنوان سیاست‌های قیمتی و درآمدی (کنترل مستقیم قیمت‌ها، نرخ‌گذاری دولتی و تعیین و تثبیت نرخ دستمزدها که درآمد افراد را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد (نظری، ۱۳۹۵) یا رهنمودهای قیمتی و درآمدی (اعلام و نظارت بر قیمت‌ها و دستمزدها و حقوق‌ها به‌صورت دستوری از سوی دولت) در اقتصادهای مختلف تجربه شده است. اما سیاست‌های قیمتی و درآمدی به‌علت نقطه ضعف‌های اقتصادی و غیراقتصادی در تمام کشورهای مختلف (توسعه‌یافته و جهان سوم) ناموفق بوده‌اند (نظری و علوی، ۱۳۸۹).

به‌عبارت دیگر، در اقتصادهای پیشرفته که اغلب بنیان‌های مستحکمی دارند جهت علیت، از پول به تورم است. بنابراین می‌توانند تورم را با کنترل مالی مهار کنند. اما در اقتصادهایی که ساختارهای پراختلال و عموماً غیررقابتی دارند و مجموعه‌ای از مشکلات گوناگون گریبان‌گیر آن‌ها است، فضای حاکم بر اقتصاد به‌شدت رانتی است و از سوی دیگر تورم در این‌گونه اقتصادها با توزیع مجددی به نفع فعالیت‌های غیرمولد و به‌ضرر فعالیت‌های مولد است. بنابراین شاید این امکان وجود داشته باشد که با اجرای برخی طرح‌ها و انجام برخی از اقدامات، تورم و گرانی را به‌طور موقت کنترل و کاهش داد، اما قطعاً استفاده از شیوه‌های دستوری و امنیتی نمی‌تواند به حل اساسی مشکلات موجود در این بخش منجر شود و لذا همگام با اقدامات مقطعی و زودبازده، باید اقدامات اساسی و بنیادین مانند اصلاح سیاست‌های دولتی که در ذیل آمده است را در دستور کار قرار داد.

۳-۶. راه‌کارها

راه‌حل‌ها و راهکارهای ذیل را می‌توان جهت مبارزه با تورم و یا به‌عبارتی جهت برون‌رفت از تورم در ایران را پیشنهاد داد.

* کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی

قطع وابستگی بودجه‌ی دولت به درآمدهای نفت و تأمین منابع مالی مورد نیاز از طریق کارآمد ساختن نظام مالیات در جهت نیل به رشد پایدار خواهد بود. هم‌چنین اگر بودجه‌ی دولت مستقل از درآمدهای

(منابع) نفتی باشد و نظام مالیاتی کارآمد باشد و ساختار بودجه‌ی عمومی اصلاح شود، می‌توان امیدوار بود که استقلال بانک مرکزی می‌تواند گامی در جهت کاهش تورم در اقتصاد ایران باشد. به عبارت دیگر، افزایش درآمدهای (منابع) نفتی و به دنبال آن برداشتهای مکرر دولت از این درآمدها موجب افزایش منابع بانک مرکزی (شامل: خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی (موجودی ارز و خالص مطالبات از خارج ذخایر ارزی)، ذخایر طلا، خالص مطالبات بانک مرکزی از دولت (مطالبات از بخش دولتی، سپرده‌های بخش دولتی، حساب سرمایه بانک مرکزی و اوراق قرضه دولتی) و مطالبات بانک مرکزی از بانک‌های تجاری (وام‌ها و اعتبارات اعطایی به بانک‌های تجاری) می‌باشد) می‌شود که این خود موجبات افزایش حجم پول و در نتیجه تشدید تورم می‌شود. از این رو دولت می‌تواند با اهمیت دادن به سازوکارهای تثبیتی نظیر حساب ذخیره‌ی ارزی، ارتباط هزینه‌ی خود را با تکانه‌های نفتی قطع کند، زیرا با قطع ارتباط هزینه‌های دولت با تکانه‌های نفتی، شوک‌های مثبت یا منفی درآمدهای نفتی نمی‌تواند اثرات تورمی زیادی بر اقتصاد داشته باشد (طیبه، نصرالهی، یزدانی، و ملک‌حسینی، ۱۳۹۴).

* اصلاح نظام مالیاتی

هر نظام مالیاتی برای موفق بودن باید چند اصل کلی و اساسی را دارا باشد. چهار اصل مهم عبارتند از ساده‌بودن، کم هزینه‌بودن (جمع‌آوری آن پرهزینه نباشد)، عادلانه‌بودن و کارآمدبودن (سیدنورانی، ۱۳۸۲). اصلاح ساختار مالیاتی باید به گونه‌ای باشد که نه تنها انگیزه بخش تولیدی را کاهش ندهد، بلکه سرمایه‌های بخش دلالی و غیرتولید را به سمت فعالیت‌های تولیدی بکشاند. بستن مالیات بر فعالیت‌های سفته‌بازی کالا و دلالی که سود زیادی نصیب دلالان آن می‌کند، می‌تواند تأثیر مهمی بر سرازیر شدن سرمایه‌ها به جای بخش دلالی و غیره به بخش‌های تولیدی شود و به جای آن با معافیت مالیاتی برای بخش‌های تولیدی، سرمایه‌دارها را تشویق کرده و به سمت تولید سوق داد و نهایتاً تسهیل شرایط برای فعالیت بخش خصوصی و مهیا کردن شرایطی برای فعالیت بخش خصوصی، جدای از منابع درآمدی که برای دولت ایجاد می‌کند، باعث کاهش تورم، افزایش تولید و رونق اقتصادی می‌شود.

* اصلاح سیاست‌های پولی

رشد بی‌اندازه‌ی نقدینگی نیز در تشدید روند تورم تأثیر بسیاری داشته است، پس باید سیاست‌های دولت درجهتی باشد که نقدینگی را افزایش ندهد. اگر بانک‌ها براساس قانون بانکداری اسلامی که اساس آن بر مبنای مشارکت است عمل کنند و پول نقد به صورت وام و قرض‌های با بهره به دست مردم ندهند، سرمایه‌های نقدی به صورت مستقیم وارد تولید می‌شود و آثار تورمی آن بسیار کمتر خواهد بود. هم‌چنین برای کاهش تورم می‌توان از سیاست‌های پولی انقباضی (کاهش حجم پول) استفاده نمود. لکن از سویی باید توجه داشت که اثرات ضدتورمی ناشی از کاهش حجم پول در اقتصاد ایران در طی

دوره‌ی جاری تخلیه نمی‌گردد، بلکه اثر آن با یک دوره وقفه ظاهر می‌گردد. بنابراین، این امر ممکن است موجب بی‌ثباتی در اثرات استفاده از سیاست‌های پولی شود. با توجه به این امر در استفاده از سیاست‌های پولی باید حداکثر دقت و احتیاط صورت گیرد، همچنین رونق بازار دارایی‌ها می‌تواند با جذب بخش عمده‌ای از نقدینگی در جامعه، موجب کاهش فشار تورمی شود (مهرآرا و قبادزاده، ۱۳۹۵).

* اصلاح هزینه‌ها

درجهت کاهش هزینه‌ها باید به سوی دولت نظارت‌گر و حمایت‌گر رفت نه دولتی که اداره‌ی غالب امور را خود برعهده داشته باشد. در این صورت، بسیاری از هزینه‌های دولت کم خواهد شد.

* افزایش سرمایه‌گذاری

همان‌طور که قبلاً گفته شد، سیاست‌های پولی اغلب با اراده‌ی دولت منجر به افزایش نقدینگی در اقتصاد می‌شود. به‌نظر می‌رسد در اقتصاد ایران، به دلیل تنگناهای ساختاری اقتصاد و ریسک سرمایه‌گذاری بالا، انبساط پولی (افزایش حجم پول) نه‌تنها تأثیری بر تولید ندارد، بلکه به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و تورم در جامعه منجر می‌شود.

بنابراین می‌توان گفت عامل ریسک در اقتصاد موجب می‌شود که تزریق نقدینگی در تحریک سرمایه‌گذاری کارایی کمتری داشته باشد. به‌عبارت دیگر، برای افزایش سرمایه‌گذاری باید سیاست‌هایی برای امنیت سرمایه‌گذاری و کاهش ریسک مدنظر قرار گیرد (نقوی و شاهنوشی، ۱۳۹۴).

* گسترش تعاونی‌ها

تعاونی‌ها یکی از بهترین روش‌هایی هستند که تولید را افزایش داده و عدالت را گسترانیده و مانع افزایش قیمت‌ها می‌شوند. مشارکت عمومی از طریق تعاونی‌ها گسترش یافته و همه‌ی افرادی که سرمایه‌ی کمتری دارند می‌توانند در تولید مشارکت کنند. تعاونی‌ها قادرند بخش بزرگی از کارهایی را که هم‌اکنون دولت انجام می‌دهد، برعهده بگیرند و در این صورت دولت نیز کوچک‌تر خواهد شد.

* کاهش وابستگی به واردات

برای کاهش آثار تورمی واردات باید تولید اقلام وارداتی را در داخل افزایش داد که اقدامی بلندمدت است و در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نمی‌باشد. به‌عبارت دیگر، با توجه به اثر توضیحی و نقش مهم شاخص قیمت کالاهای وارداتی بر سطح عمومی قیمت‌ها و از آن‌جایی که تورم حاصل از کالاهای وارداتی، اثر مستقیم بر افزایش تورم داخلی کشور دارد، بنابراین کاهش هرچه بیشتر وابستگی به خارج و تأکید بر افزایش تولیدات داخلی و افزایش عرضه‌ی کل و ارتقای کیفیت تولیدات داخلی به‌طوری که قابلیت رقابت با کالای مشابه خارجی باشد، می‌تواند از تأثیرپذیری اقتصاد داخلی از تورم وارداتی بکاهد. گسترش سطح روابط دیپلماتیک با سایر کشورها به‌خصوص کشورهایی که در تجارت جهانی مطرح هستند و برقراری

روابط مستقیم اقتصادی با آن‌ها می‌تواند از طریق بهره‌مندی از قیمت‌های پایین‌تر کالاهای خارجی، حذف هزینه‌های واسطه‌گری و کاهش هزینه‌های مربوط به حمل‌ونقل در پایین آوردن تورم مؤثر باشد. همچنین با توجه به این‌که تولید ناخالص داخلی، یکی از مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار بر تورم است، می‌توان نتیجه گرفت که در بلندمدت باید به سیاست‌های طرف عرضه توجه نمود. البته رشد اقتصادی مقوله‌ای یک‌شبه نیست و اساساً پدیده‌ای بلندمدت بوده و ناظر بر رشد ظرفیت‌های تولیدی در جامعه است.

* کنترل رفتار نرخ ارز

علاوه بر اینکه بی‌ثباتی و افزایش نرخ ارز به‌طور مستقیم از مسیر هزینه‌های تولید و تحریک انتظارات تورمی به افزایش تورم منجر می‌شود، افزایش نرخ ارز رسمی می‌تواند با افزایش پایه‌ی پولی منجر به رشد نقدینگی و تورم شود به‌طوری که در برخی سال‌ها رشد دارایی‌های خارجی بانک مرکزی از رشد پایه‌ی پولی بالاترین سهم را داشته که یکی از دلایل آن افزایش نرخ ارز رسمی بوده است. این وضعیت اهمیت مدیریت نرخ ارز و باثباتی این متغیر کلیدی را آشکار می‌کند. جلوگیری از نوسانات نرخ ارز و افزایش‌های مداوم آن مانع از شعله‌ور شدن انتظارات تورمی مردم خواهد شد و ارز را از سبب دارایی خارج و سوداگری روی نرخ ارز مسدود می‌کند. مقامات پولی باید با تأمین منابع ارزآوری مناسب با دخالت در بازار ارز و عرضه ارز در مواقع کمبود مانع نوسانات نرخ ارز شوند (شاکری، محمدی، و رجیبی، ۱۳۹۴).

* نظارت بر مصرف وجوه بانک‌ها

نظارت بر مصرف وجوه بانک‌ها که به‌صورت تسهیلات در اختیار طرح‌های زود بازده قرار می‌گیرد، به‌منظور جلوگیری از انتقال این وجوه به‌سوی دلالی، خرید مسکن، زمین و غیره که یکی از عوامل افزایش تورم است.

* کاهش انتظارات تورمی

در عرصه‌ی سیاست‌گذاری پیشنهاد می‌شود سیاست‌های اقتصادی کلان دولت به‌ویژه در سمت تقاضای اقتصاد، به‌گونه‌ای باشد که به مساله‌ی مهم انتظارات تورمی، دلایل و ریشه‌های بروز و راهکارهای کاهش آن توجه کند.

* حذف صفر از پول ملی

کشورهایی که اقتصاد آن‌ها از تورم بالا رنج می‌برد و ارزش پول ملی آن‌ها در سراسیمه سقوط قرار می‌گیرد، برای ساده‌تر شدن مبادلات اقتصادی و بازرگانی و همچنین کاهش هزینه‌ی چاپ اسکناس اقدام به حذف صفر یا صفرهایی از اسکناس‌ها می‌کنند.

حذف صفر در عرصه‌ی اقتصاد جهانی سابقه‌ای طولانی دارد. اولین بار آلمان پس از جنگ جهانی دوم ۱۴ صفر از مارک حذف کرد. از آن زمان تا کنون در ۷۱ مورد کشورهای درحال توسعه مجبور شده‌اند

چندین صفر را از پول ملی خود حذف کنند. در عین حال تجربه‌ی کشورهای مختلف از حذف صفر بسیار متفاوت بوده است. کشورهایی چون هلند و ترکیه تجربه‌ی موفقی در این زمینه داشته‌اند اما عملکرد برخی دیگر از کشورها چون زیمبابوه و برزیل به‌خصوص در زمینه‌ی مهار تورم را نمی‌توان چندان موفق ارزیابی کرد.

از جمله مزایای حذف صفر از پول ملی می‌توان به کاهش سرانه‌ی اسکناس و کنترل تورم اشاره کرد. هم‌اکنون سرانه اسکناس در کشور ۱۱۴ برگ برآورد می‌شود و این در حالیست که سرانه‌ی اسکناس در کشورهای اروپایی ۱۰ تا ۱۵ برگ است. سرانه‌ی بالای اسکناس، افزایش سرعت فرسودگی و تحمیل هزینه‌های گزاف چاپ، امحاء و حمل اسکناس را در پی خواهد داشت. ازسوی دیگر افزایش استفاده از دستگاه‌های خودپرداز و لزوم به‌کارگیری پول‌شمار برای شمارش اسکناس و در نتیجه اتلاف وقت و انرژی از جمله‌ی دیگر آثار این شرایط است. حذف صفر علاوه بر تسهیل و تسریع عملیات مالی و حسابداری، کاهش اشتباهات مالی به‌خصوص در بانک‌ها، سهولت نگهداری وجوه و عملکرد اسکناس به‌عنوان یک واحد مبادله را بهبود می‌بخشد و اعتماد به پول ملی را افزایش می‌دهد و بدین ترتیب از روی‌آوری به ارز خارجی که در نتیجه‌ی بی‌اعتمادی به پول ملی رخ می‌دهد، می‌کاهد.

هم‌چنین از طرف دیگر این اقدام زمانی تأثیرگذار خواهد بود که در قالب بسته‌ی تحول اقتصادی اجرا شود و با اقدامات زیربنایی اقتصادی همراه باشد. حذف صفر تنها اقدامی روبنایی است که اکتفا بدان، نه‌تنها هیچ تغییر اساسی در وضعیت اقتصاد کشور و شاخص‌های اقتصادی از جمله نرخ تورم و رشد ایجاد نخواهد کرد؛ بلکه در کوتاهمدت اثرات منفی نیز برجای خواهد گذاشت. هزینه‌ی چاپ اسکناس‌های جدید، تورم، مشکلات تصحیح اقلام حسابداری و مشکلات مربوط به تبدیل اسکناس از جمله معایب این طرح در کوتاهمدت است که مدیریت آن‌ها همکاری و هماهنگی نظام بانکی را طلب می‌کند.

به‌عبارت دیگر می‌توان بیان کرد که از جمله معایب احتمالی حذف صفر از پول ملی حتی می‌تواند افزایش تورم در کوتاهمدت باشد که در نتیجه گرد کردن ارقام رخ می‌دهد که البته نظارت بر تبدیل قیمت کالاها به واحد پولی جدید می‌تواند به رفع این مشکل کمک کند. از سوی دیگر، تغییر پول ملی مستلزم تصحیح ارقام در دفاتر حسابداری است که ممکن است در کوتاهمدت موجب سردرگمی شود. اجتناب از این مشکل نیازمند برنامه‌ریزی و آموزش صحیح برای اصلاح و تبدیل ارقام در دفاتر حسابداری، پایگاه‌های اطلاعاتی و صورت‌های مالی به‌خصوص در نظام بانکی است. علاوه بر موارد فوق، مشکلات تبدیل اسکناس را نیز باید به این فهرست اضافه کرد. بازه‌ی زمانی تعیین‌شده برای تبدیل اسکناس‌های موجود در نزد مردم چنان‌چه به‌درستی مدیریت نشود ممکن است صف طویل مقابل بانک‌ها را در پی داشته باشد و حتی منجر به افزایش خرید و در نتیجه افزایش تورم شود. چنان‌چه افراد برای تبدیل اسکناس‌های خود

با دشواری روبرو شوند ممکن است ترجیح دهند در بازه‌ی زمانی تعیین‌شده اسکناس‌های قدیمی خود را خرج کنند که در این صورت افزایش ناگهانی تقاضا، افزایش قیمت‌ها تا نقطه‌ی تعادلی جدید را در پی خواهد داشت.

در نهایت باید گفت اقتصاد ایران و به‌ویژه تورم در آن ریشه‌دار و بسیار عمیق است و نیازمند نگاه آسیب‌شناسانه و همه‌جانبه است تا بتوان آن را حل و فصل کرد. راه نجات نیز پرهیز از سیاست‌زدگی و تصمیم‌گیری مشارکتی بر محور ملاحظات علمی است.

در پایان خلاصه اقدامات و راهکارهای برون‌رفت از تورم به‌صورت جدول ذیل ارائه می‌گردد:

۱	کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی
۲	کنترل و مدیریت نقدینگی
۳	مدیریت بازار ارز
۴	مدیریت تأمین، ذخیره‌سازی و توزیع کالاهای اساسی
۵	مدیریت واردات و جلوگیری از قاچاق کالاهای ضروری
۶	اصلاح شبکه‌های توزیع کالا و مقابله با احتکار و گران‌فروشی
۷	کاهش هزینه‌های غیرضروری دولت به‌منظور کاهش کسری بودجه با اجرای انضباط مالی در دولت
۸	کاهش تورم انتظاری
۹	کوچک‌سازی دولت
۱۰	اتخاذ تدابیر لازم برای اصلاح الگوی مصرف
۱۱	افزایش بهره‌وری در تولید و به‌عبارتی بهتر، افزایش رقابت‌پذیری محصولات و کالاهای ساخت داخل
۱۲	جلوگیری از خروج سرمایه افراد متمول و صاحبان ثروت، با اتخاذ تدابیر لازم برای اعتمادسازی، ایجاد امنیت برای سرمایه‌گذاری در داخل کشور و هدایت سرمایه‌های نقدی موجود، اعم از سرمایه در اختیار بانک‌ها و دیگر صاحبان سرمایه، به‌سمت تولید
۱۳	توسعه و تقویت فعالیتهایی مانند گردشگری، فعالیتهای ترانزیتی و جذب سرمایه‌گذار داخلی و خارجی
۱۴	استفاده‌ی درست از سیاست‌های پولی و مالی
۱۵	ایجاد شفافیت مالی و گردش پولی دولت و سایر صاحبان سرمایه و تعیین تکلیف بدهکاران کلان بانکی
۱۶	ایجاد زیرساخت‌های لازم برای جلوگیری از خام‌فروشی منابع طبیعی و همچنین دانش تولیدشده توسط دانشمندان و نخبگان ایرانی در جهت ایجاد ارزش افزوده در فعالیتهای تولیدی
۱۷	اصلاح و بهینه‌سازی نظام کنترلی و نظارتی به‌منظور پیشگیری از بروز ناهنجاری‌های اقتصادی و مقابله با مفاسد اقتصادی
۱۸	شناسایی و برخورد قاطع، جدی و فوری با عوامل اخلاک‌گر در نظام اقتصادی از جمله: دلالان و واسطه‌های غیرقانونی، رانت‌خواران، محتکرین و گران‌فروشان و سایر عوامل مشابه
۱۹	حذف صفر از پولی (زمانی اثرگذار خواهد بود که با رعایت زیرساخت‌ها همراه باشد)

فهرست منابع و مآخذ

آذرسعید، یاشار (۱۳۹۵). «انواع تورم براساس منشا آن». قابل دستیابی در آدرس:

<https://weconomy.ir/>

آخرتی، فرشید (۱۳۸۴). گزیده‌ای از واژه‌های برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی. خراسان رضوی: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.

اخوی، سیدمحمدسادات؛ حسینی، سیدشمس‌الدین (۱۳۹۶). «ارزیابی تاثیر تحریم‌های اقتصادی بر تورم اقتصاد ایران». فصلنامه اقتصاد کاربردی. دوره ۷. شماره ۲۱ (تابستان ۱۳۹۶). صص: ۳۳-۵۰. قابل

دستیابی در آدرس: http://jae.srbiau.ac.ir/article_11921.html

اسلامی‌بیدگلی، غلامرضا؛ باجلان، سعید (۱۳۸۷). «آزمون نظریه مقداری پول در ایران و بررسی اثربخشی سیاست تثبیت قیمت‌ها با استفاده از مدل‌های گارچ». پژوهشنامه اقتصادی. دوره ۸. شماره ۲ (پیاپی ۲۹). صص: ۲۰۵-۲۲۵. قابل دستیابی در آدرس:

<https://www.sid.ir/Fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=81271>

اصغری، برات؛ کازرونی، سیدعلی‌رضا (۱۳۸۱). «آزمون مدل کلاسیک تورم در ایران: روش همگرایی». پژوهشنامه بازرگانی. شماره ۲۳ (تابستان ۱۳۸۱). صص: ۹۷-۱۳۸. قابل دستیابی در آدرس:

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/5969/135>

التجائی، ابراهیم؛ ارباب‌افضلی، محمد (۱۳۹۱). «اثر نامتقارن درآمدهای نفتی بر متغیرهای کلان اقتصادی ایران: کاربرد از الگوهای GARCH و SVAR». فصلنامه تحقیقات توسعه اقتصادی. دوره ۲. شماره ۷ (پاییز ۱۳۹۱). صص: ۸۹-۱۱۰. قابل دستیابی در آدرس:

http://jrer.ir/browse.php?a_id=159&sid=1&slc_lang=fa

باستانی‌فر، ایمان؛ میرزایی، رخسار (۱۳۹۳). «تحلیل ریشه‌های رکود تورمی در اقتصاد ایران و ارائه راهکارهای برون‌رفت». نشریه پژوهش‌های پولی-بانکی. سال هفتم. شماره ۲۱ (پاییز ۱۳۹۳). صص: ۳۶۱-۳۸۰. قابل دستیابی در آدرس:

http://jmbr.mbri.ac.ir/search.php?slc_lang=fa&sid=1

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۷). «آمار و داده‌ها، نرخ تورم و شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی». قابل دستیابی در آدرس:

https://www.cbi.ir/Inflation/Inflation_FA.aspx

باوردی، عبدالقادر (۱۳۹۲). «بررسی مفهوم تورم و تاثیر متقابل آن بر سیستم حقوق و دستمزد پایه به‌عنوان یکی از مولفه‌های بازار کار». *فصلنامه موج*. سال پنجم، شماره ۶ و ۷. صص: ۷۸-۸۹.

برانسون، ویلیام (۱۳۷۶). *تئوری و سیاستهای اقتصاد کلان*. ترجمه عباس شاکری. نشر نی. تهران.

بهزادنسب، جانعلی (۱۳۸۶). *درآمدی بر فرهنگ جامع توسعه‌ی روستایی: شامل معادل فارسی، تعریف واژه‌ها و ترکیب‌های علمی و اجرایی*. تهران: قلمستان هنر.

پاشایی‌فام، رامین؛ بازوکی، محمدرضا؛ و امیرخانی، پاتریس (۱۳۹۲). «تبیین و تحلیل تأثیر نوسانات قیمت نفت اوپک بر تورم کشورهای واردکننده نفت OECD». *فصلنامه تحقیقات توسعه اقتصادی*. دوره ۳، شماره ۹ (بهار ۱۳۹۲). صص: ۸۹-۱۱۶. قابل دستیابی در آدرس:

http://jrer.ir/search.php?slc_lang=fa&sid=1

تروی‌تیک، ج. ا. (۱۳۶۲). *تورم: راهنمایی بر بحران در تئوری اقتصادی*. مترجمین حسین عظیمی و حمیدرضا غفارزاده. تهران: امیرکبیر.

تفضلی، فریدون (۱۳۷۵). *تورم و تورم بسیار شدید و چند نمونه تاریخی: ماهیت، آثار، علل و راههای مقابله با تورم و رکود تورمی*. تهران: وزارت تعاون.

«تورم وارداتی، پدیده جهانی» (۱۳۸۷). *روزنامه ایران*. دوشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۴. صص: ۲۴-۲۷.

حاجی‌غلام‌سریزدی، علی (۱۳۹۰). «تحلیل تاثیر تورم بر مسائل اجتماعی با استفاده از رویکرد پویایی‌های سیستمی». *ارایه در اولین کنفرانس ملی رویکرد سیستمی*. قابل دستیابی در آدرس:

<https://www.researchgate.net>

حلافی، حمیدرضا؛ اقبالی، علیرضا؛ و گسگری، ریحانه (۱۳۸۳). «انحراف نرخ ارز واقعی و رشد اقتصادی در اقتصاد ایران». *فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی*. شماره ۱۴، شماره ۳ (پاییز ۱۳۸۳). صص: ۱۶۷-۱۸۸.

قابل دستیابی در آدرس: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/39450>

دادجوی‌توکلی، عباس (۱۳۹۶). «آشنایی با تورم، بخش دوم: اثر اقتصادی و اجتماعی تورم». قابل دستیابی در آدرس: <https://farasonews.ir/1396/1397/>

دادگر، یدالله؛ رحمانی، تیمور (۱۳۸۴). *مبانی و اصول علم اقتصاد*. قم: نشر بوستان کتاب.

دین محمدی، مصطفی؛ قربانی، فهمیده (۱۳۹۵). «تحلیل آثار اجتماعی تورم (با تاکید بر سرمایه اجتماعی)». *ارایه شده در پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پایه پیشرفت؛ بیست و نهم و سی ام اردیبهشت ۱۳۹۵*. قابل دستیابی در آدرس: <http://5cp.olgou.ir/papers/295.pdf>
 رجبی، فاطمه (۱۳۹۲). «بررسی علل غیر پولی تورم در اقتصاد ایران دوره ۹۰-۱۳۴۰». استاد راهنما عباس شاکری. استاد مشاور تیمور محمدی. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی: دانشکده علوم اقتصادی.

رحمانی، تیمور (۱۳۸۵). *اقتصاد کلان*. تهران: برادران. جلد اول و دوم.
 روزبهان، محمود (۱۳۷۳). *تئوری اقتصاد کلان ۱*. تهران: تابان.

ریسی، قاسم (۱۳۹۰). «محاسبه شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرف کننده در شهر تهران». استاد راهنما محمد مولایی. استاد مشاور ابوالفضل شاه آبادی. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته اقتصاد. دانشگاه بوعلی سینا (دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی).

سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (۱۳۸۱). *تحلیل عوامل موثر بر تورم با تاکید بر شش ماه سال ۱۳۸۱*. تهران: معاونت امور اقتصادی و هماهنگی، دفتر اقتصاد کلان، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
 سرآبادانی، غلامرضا (۱۳۸۵). «تورم، عوامل، و راهکارهای مقابله با آن در ایران». *اقتصاد اسلامی*. دوره ۶ شماره ۲۱ (بهار ۱۳۸۵). صص: ۱۰۳-۱۲۸. قابل دستیابی در آدرس:

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=65035>

سرآبادانی، غلامرضا (۱۳۸۶). *دولت و تورم*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 سیدنورانی، سیدمحمد رضا (۱۳۸۲). «بررسی مالیات های ثابت و متغیر از جنبه عدالت در جامعه اسلامی». *ارایه شده در: مجموعه مقالات سومین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی*. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
 شاکری، عباس؛ محمدی، تیمور؛ و رجبی، فاطمه (۱۳۹۴). «اثرگذاری قدرت قیمت گذاری بر تورم در اقتصاد ایران». *فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی*. دوره ۱۵. شماره ۵۸ (بایبیز ۱۳۹۴). صص: ۳۷-۶۰ قابل دستیابی در آدرس:

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=293298>

شکری، عاطفه (۱۳۸۵). «تورم». قابل دستیابی در آدرس: <https://mgt solution.com/>

طیبیان، محمد (۱۳۷۹). *اقتصاد کلان*. تهران: موسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه.

طیب نیا، علی (۱۳۷۴). *فرایند تورم در ایران*. تهران: دانشگاه تهران، جهاد دانشگاهی.

طیب نیا، علی؛ تقی ملایی، سعید (۱۳۸۹). «پول و تورم در ایران رویکرد خودرگرسیون برداری (VAR)». *فصلنامه علمی- پژوهشی برنامه و بودجه*. دره ۱۵. شماره ۱۱۰ (بهار و تابستان ۱۳۸۹). صص: ۳-۲۹.

قابل دستیابی در آدرس: <http://ensani.ir/fa/article/319847>

طیعی، سیدکمیل؛ نصرالهی، خدیجه؛ یزدانی، مهدی؛ و ملک‌حسینی، سیدحسن (۱۳۹۴). «تحلیل اثر عبور نرخ ارز بر تورم در ایران (۱۳۹۱-۱۳۷۰)». *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*. دوره ۲۰. شماره ۶۳ (تابستان ۱۳۹۴). صص: ۱-۳۶. قابل دستیابی در آدرس:

http://ijer.atu.ac.ir/article_4089.html

طیعی، سیدکمیل؛ ترکی، لیلا (۱۳۸۵). «نرخ‌های ارز و تورم در ایران (یک مطالعه‌ی موردی)». *فصلنامه بررسی‌های اقتصادی*. دوه‌م ۳. شماره ۳ (پاییز ۱۳۸۵). صص: ۸۱-۸۷ قابل دستیابی در آدرس:

<http://ensani.ir/fa/article/download/7390>

عظیمی، حسین (۱۳۸۴). *مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران*. تهران: نشر نی.

فتاحی، شهرام؛ حیدری‌دیزگرانی، علی؛ و عسگری، الناز (۱۳۹۳). «بررسی پایداری بدهی دولت در اقتصاد ایران». *فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی*. دوره ۲. شماره ۶ صص: ۶۷-۸۶ قابل دستیابی در آدرس:

http://qjefp.ir/browse.php?a_id=152&sid=1&slc_lang=fa

فخری‌زاده، فرزاد (۱۳۹۶). «نظریه تورم و عجایب عالم اقتصاد». قابل دستیابی در آدرس:

<https://tejaratnews.com/training/>

فرزین‌وش، اسدالله؛ رحمانی، تیمور (۱۳۷۹). درونزایی عرضه پول و تأثیر فشارهای هزینه‌ای بر آن در اقتصاد ایران. *مجله تحقیقات اقتصادی*. دوره ۳۵. شماره ۱. (بهار ۱۳۷۹). صص: ۸۳-۱۱۱. قابل دستیابی در آدرس:

https://jte.ut.ac.ir/article_25476.html

فرهنگ، منوچهر (۱۳۷۱). *فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی*. تهران: البرز. جلد اول.

قدیری‌اصل، باقر (۱۳۷۶). *پول و بانک*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

کمیجانی، اکبر؛ توکلیان، حسین (۱۳۹۱). «سیاست‌گذاری پولی تحت سلطه مالی و تورم هدف ضمنی در قالب یک مدل تعادل عمومی پویای تصادفی برای اقتصاد ایران». *فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*. دوره ۲. شماره ۸ (تابستان ۱۳۹۱). صص: ۸۷-۱۱۷. قابل دستیابی در آدرس:

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=181806>

مرادی، بهروز (۱۳۹۳). «راهبردهای مالی و پولی برای کاهش تکانه‌های تورمی تحریم در ایران تجربه سال ۱۳۹۰-۱۳۹۲». *فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی*. سال یکم، شماره ۲.

محمدی، فرشید (۱۳۹۵). «تورم، انواع آن و دلایل ایجاد». قابل دستیابی در آدرس:

<https://irbanker.com/>

مدرسی، منصور (۱۳۹۲). *فرهنگ توصیفی واژگان برنامه‌ریزی و توسعه*. تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

- مشیری، سعید (۱۳۸۰). «پیش‌بینی تورم ایران با استفاده از مدل‌های ساختاری سری‌های زمانی و شبکه‌های عصبی». *مجله تحقیقات اقتصادی*. شماره ۵۸. صص: ۱۴۷-۱۸۴.
- منکیو، گریگوری (۱۳۷۴). *اقتصاد کلان*. ترجمه حمیدرضا بردران شرکاء و علی پارسائیان. جلد اول. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- مولایی، محمد؛ گلخندان، ابوالقاسم (۱۳۹۳). «اثر بدهی‌های خارجی دولت بر رشد اقتصادی ایران». *فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی*. دوره ۱۴. شماره ۵۳. شماره پیاپی ۲ (تابستان ۱۳۹۳). صص: ۸۳-۱۰۸. قابل دستیابی در آدرس: http://joer.atu.ac.ir/article_469.html
- مهرآرا، محسن؛ رضائی‌برگشادی، صادق (۱۳۹۵). «بررسی عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی ایران مبتنی بر رویکرد متوسط‌گیری بیزین (BMA) و حداقل مربعات متوسط وزنی (WALS)». *فصلنامه علمی و پژوهشی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*. سال ششم. شماره بیست‌وسوم. تابستان ۱۳۹۵. صص: ۸۹-۱۱۴.
- مهرآرا، محسن؛ قبادزاده، رضا (۱۳۹۵). «بررسی عوامل مؤثر بر تورم در ایران مبتنی بر رویکرد میانگین‌گیری بیزینی (BMA) و میانگین‌گیری حداقل مربعات (WALS)». *فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه*. سال ۲۱. شماره ۱ (پیاپی ۱۳۲). صص: ۵۷-۸۲ قابل دستیابی در آدرس: <http://ensani.ir/fa/article/371642>
- نظری، علی‌اکبر؛ علوی، هومن (۱۳۸۹). *اقتصاد کلان*. مشهد: کنکاش دانش.
- نظری، محسن (۱۳۹۵). *اقتصاد کلان: رشته مدیریت*. ویرایش پنجم. تهران: نگاه دانش.
- نعمت‌الهی، فاطمه؛ مجدزاده طباطبایی، شراره (۱۳۸۸). «تأثیر نوسانات قیمت نفت اوپک بر تراز تجاری ایران». *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*. دوره ۳. شماره ۴ (پیاپی ۱۰). صص: ۱۵۱-۱۶۹. قابل دستیابی در آدرس: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=137098>
- نقوی، سمیه؛ شاهنوشی، ناصر (۱۳۹۴). «استفاده از نقشه علی بیزین برای بررسی عوامل مؤثر بر تورم در اقتصاد ایران». *مجله تحقیقات اقتصادی*. دوره ۵۰. شماره ۱ (بهار ۱۳۹۴). صص: ۲۱۷-۲۵۲. قابل دستیابی در آدرس: https://jte.ut.ac.ir/article_54103.html
- نوفرستی، محمد؛ جلولی، مهدی (۱۳۹۱). «بررسی اثر افزایش قیمت حامل‌های انرژی بر متغیرهای عمده‌ی اقتصاد کلان ایران در چارچوب یک الگوی اقتصادسنجی کلان ساختاری». *مجله تحقیقات اقتصادی*. دوره ۴۷. شماره ۳ (زمستان ۱۳۹۱). صص: ۱۸۵-۲۰۵. قابل دستیابی در آدرس: https://jte.ut.ac.ir/article_29260.html
- Akbari fard, Hossein & Alaei, Reza (2010). "Investigating the Effect of Security Council Comprehensive Sanctions on Iran's Regional

- Integration With members of Eco and D8 Blocs". *Indian J. Sci. Res.* Vol. 4. No.6. pp.: 440- 449.
- Alesina, Alberto & Drazen, Allan (1991). "Why are Stabilizations Delayed?". *American Economic Review*. vol. 81. No.5 (December 1991). pp: 1170- 1188. Available: <https://www.nber.org/papers/w3053>
- Armstrong, Scott J. (2001). *Principles of Forecasting: A Handbook for Researchers and Practitioners*. New York: Kluwer Academic Publisher.
- Armstrong, Scott J. & Collopy, Fred (1992). "Error Measures for Generalizing About Forecasting Methods: Empirical Comparisons". Available: https://repository.upenn.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1075&context=marketing_papers
- Friedman, Milton. (1968). "The Role of Monetary Policy", *The American Economic Review*. Vol. 58. No. 1 (March 1968). Pp.: 1- 17. Available: faculty.chicagobooth.edu/john.cochrane/.../lecture_2_notes.pdf
- Gregoriou, Andros & Kontonikas, Alexandros (2006). "Inflation Targeting and the Stationary of Inflation: New Results from an ESTAR Unit Root Test". *Bulletin of Economic Research*. Vol. 58. pp.: 309- 322. Available: <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1111/j.0307-3378.2006.00246.x>
- Rescher, N. (1998). *Predicting the Future: An Introduction to the Theory of Forecasting*. New York: State University of New York Press.
- The Bank world (2018). "Inflation, consumer prices (annual %)". Available: <https://data.worldbank.org/indicator/FP.CPI.TOTL.ZG>